حروف تهجی مرتب ساخته مامول از کریم کرام آنکه چون بر
سهوی اطلاع یابند برقم شفقت اصلاح فرمایند و این کمینه را
موفقت البضاعة والاعتراف بالعجز والجهالة تعیب نفرمایند و
الله ولی الهدایة والتوفیق من عنده وبه الاعانة باب الالف

انوشدارو اعضای رئیسه را قوت دهد و خفقان و تفرع را
نافع باشد و فرح آورد و لون را نیکو گرداند و بوی دهن را
خوش کند و اشتهای طعام آورد پس از طعام و پیش از طعام
توان خورد صفت آن آمله منقی شش درم سعد کوفی پنج درم
قرنفل مصطکی اسارون سنبل الطیب از هر یک سه درم
قاقله صغار و قاقله کبار تباشیر زرنب جوزبوا قرفه زعفران
از هر یک دو درم امله ثلثه رطل قند و عسل بالمناصفه

صد و هشتاد مثقال الله را در شیر بپایند یکشبانه روز
پس بشویند و در نه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود و از پشت
غربال بیرون کنند و باقند و عسل صاف و ادویه را کوفته
بیخته بدان آمیز شند اطریفل صغیر چون بعضی ادویه اطریفل
کبیر نایاب است و منافع هر دو قریب بیکدیگر است بصغیر
اکتفا نمودن نافع است جهة سل و وجع و حمی مختلفه و ربع
و قولنج و وجع رحم و برودت بدن صفت آن افیون
مصری چهار درم اقاقیا و فلفل از هر یک ده درم عاقر
قرحا سه درم سلیخه چهار درم زعفران سه درم کوکرد زرد
ده درم فرفیون سه درم سنبل الطیب ده درم عسل
بقدر احتیاج ادویه کوفته بیخته چنانکه رسم است بعسل
معجون سازند شربتی یک مثقال تریاقا که نافع است

از جهة

از جهة فالج و استرخا و لقوه و دماغ را از اخلاط پاک کند
و ذهن را تیز گرداند و عقل را زیاده کند صفت آن سلیخه
ساذج هندی مر زعفران درمنه ترکی افیتمون فقاح
اذخر ریوند چینی حب بلسان قرنفل از هر یک ده درم ایرسا
پست درم پوست بیخ رازیانه سه رطل سرکه کهنه نه رطل
بیخ رازیانه را سه شبانه روز در سرکه بجوشانند و بعد از سه چهار
جوش از آتش فرو گیرند و آن سرکه را صاف کرده در دیگی ریزند
و با سه رطل و نیم عسل مصفی بآتش نرم بجوشانند و تا بقوام
آید و ادویه کوفته بیخته بآن ممزوج سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی یکدرم با آب نیم گرم انقردیا نای کبیر
فالج و لقوه و رعشه مصرع و نسیان و جمیع امراض بلغمی را

نافع باشد وهاضمه را قوة دهد وباه را زیاده کند صفت ان
عاقرقرحا شونیز قسط فلفل دار فلفل وج از هر یک ده درم
سداب خبطیا ناحلتیت زوراند حرج حب الغار جند
بیدستر شیطرج هندی خردل از هر یک پنج درم عسل
بلادر چهار درم ونیم داروها کوفته بیخته بروغن کردکان
چرب کند و با عسل بلادر و سه وزن ادویه عسل صاف
بسرشند وبعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکمثقال
انقردیا نا صغیر منافع او قریب به منافع کبیر است صفت ان
هلیلهٔ سیاه پوست بلیله املهٔ مقشر از هر یک ده
درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر وج فلفل زنجبیل
عسل بلادر از هر یک پنج درم داروها کوفته بیخته بروغن
کردکان چرب نموده با عسل بلادر و سه وزن عسل

صاف

صاف کرده بسرشند وبعد از شش ماه استعمال نمایند
انقردیا نا دیگر پیرانرا نافع باشد وسیاهی موی را محافظت
کند صفت ان هلیله سیاه پوست بلیله امله مقشر از هر یک سی و
شش درم شونیز بیست و چهار درم طباشیر سفید سعد
کوفی عسل بلادر از هر یک شش درم میل هفت درم
فلفل دار فلفل فلفلمویه انیسون از هر یکی از ده درم
فانید سیصد درم فانید را در اب گرم بگدازند وادویه را
کوفته بیخته با عسل بلادر مخلوط کنند وبعد از شش ماه استعمال
نمایند انقردیا نا دیگر مصروع را بغایت نافع باشد صفت ان
پوست هلیله کابلی پوست بلیله امله مقشر کشنیز خشک اسطو
خودوس از هر یک پنج درم جندبیدستر یک درم عود الصلیب زنجبیل
صعتر عسل بلادر از هر یکی سه درم عسل صاف سه وزن ادویه

بطریق معهود معجون سازند **امروسیا** جگر و سپرز را سود دهد
وسده بگشاید و بول براند و سنگ از گرده و مثانه پاک کند و در
ابتداء استسقا نافع باشد **صفت آن** زیره کرمانی فو عود بلسان
سلیخه قردمانا فقاح اذخر تخم کرفس از هریک درم قسط
فلفل دار فلفل از هریک نیم درم مرمکی سه درم حب الغار ده عدد
وج زعفران از هریک ده درم کوفته بیخته بعسل سرشته شربتی
یکمثقال در اب گرم نافع باشد **اثاناسیا کبری** اوجاع کبد و
طحال و معده و اسهال بلغمی و سعال فرمن و قی دم و جذر و وجع
کلیه و مثانه را و ربو و بواسیر نافع باشد و بادها بشکند و دردها
تسکین کند **صفت آن** مر افیون زعفران جندبیدستر بزر البنج
قسط قردمانا خشخاش غافث شاخ بز سوخته جگر کرک خشک
کرده مجموع ساوی انچه کرفتنیست بکوبند و انچه کداختنیست

بکدازند

بکدازند در شراب و در عسل مصفی معجون سازند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال با یکدرم اب سیب **اثاناسیا**
صغری منافع او قریب بمنافع کبری است **صفت آن** میعه زعفران
قسط سنبل افیون سلیخه از هریک چهار درم عصاره غافث
هشت درم اصل السوس دوازده درم کوفته بیخته بعسل
معجون سازند شربتی مقدار یکفندق و در نسخه دیگر عود بلسان
و مر از هریک چهار درم اضافه نموده اند **اطریفل ملین** پوست هلیله
کابلی امله مقشر هلیله سیاه مصطکی تربد سفید از هریک
ده درم رازیانه ریوند چینی اسطوخودوس سقمونیا از هریک
پنج درم اجزا کوفته بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی
معجون سازند **اطریفل ملین دیگر** هلیله سیاه پوست هلیله
زرد پوست بلیله پوست هلیله کابلی امله مقشر ریوند چینی

از هریک پنج مثقال انیسون ۵ مثقال مصطکی ۳ مثقال رب السوس
۵ مثقال و نیم مثقال نخود تخم خیارین ده مثقال و نیم کوفته بیخته
بعسل ع الرسم معجون سازند اطریفل کبیر بواسیر را نافع بود و
لون را نیکو گرداند و باه را زیاده کند و معده و امعا و مثانه
را قوت دهد و طعام را هضم کند صفت آن هلیله سیاه پوست
بلیله پوست هلیله کابلی آمله مقشر فلفل دار فلفل از
هریک سه درم زنجبیل بسباسه بوزیدان شیطرج هندی
شقاقل تودریین لسان العصافیر نخود حب الفلفل کنجد
مقشر سفید بهمنین از هریک ده درم کوفته بیخته بروغن
بادام و روغن گاو چرب کرده بعسل سرشته و بعد از ۶ ماه
استعمال نمایند اطریفل صغیر استرخاء معده و بواسیر را نافع بود
و دهن را نیکو کند و لون را صافی کند صفت آن پوست هلیله

کابلی پوست بلیله هلیله سیاه پوست هلیله زرد امله
مقشر اجزا مساوی یکدیگر کوفته بیخته بروغن بادام چرب کنند
و با سه وزن ادویه عسل مصفی بسرشند شربتی ده درم
نافع بود اطریفل کشنیزی معده را قوت دهد و درد سر و درد گوش
و درد چشم را که سبب آن بخار باشد نافع بود صفت آن
پوست هلیله کابلی پوست بلیله هلیله سیاه امله
مقشر کشنیز خشک اجزا مساوی کوفته بیخته با روغن
بنفشه بادام چرب کرده با سه وزن ادویه عسل کف
گرفته بسرشند و بعد از ۶ ماه استعمال نمایند اطریفل مقل
جهته بواسیر عظیم نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد پوست
بلیله امله مقشر از هریک ده درم مقل سه درم مقل را در آب کنند

تا حل شود و داروها کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده

مقل را با عسل بقوام آورند و اجزا را بدان بسرشند شربتی

۵ مثقال **اطریفل افتیمون** بیماریهای سوداوی عظیم را

نافع بود و سیاهی موی را نگاه دارد که زود سفید

نشود **صفت آن** پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله

مقشر از هریک ده درم سناء مکی تربد مکی سفید

افتیمون از هریک پنج درم شیطرج هندی سه درم بسفایج

فستقی یکدرم انیسون نمک هندی از هریک ۵ درم کوفته

بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال تا چهار مثقال

اطریفل عدس خناق و خنازیر را سود دارد **صفت آن**

هلیله سیاه پانزده درم بلیله آمله مقشر تربد سفید

عدد که در کردن کوسفند میباشد خشک کرده

از هریک پنجدرم افتیمون ده درم بسفایج اسطوخودوس

سناء مکی از هریک هفت درم شیطرج

هندی زرنباد غاریقون نوشادر از هریک

سه درم انیسون مصطکی خیربوا قرنفل جوز

بوا از هریک ۵ درم کوفته بیخته بعسل بسرشند

شربتی پنجدرم **اطریفل شاهان** بهق سفید و برص

را سود دهد و سیاهی موی نگاه دارد و امراض

بلغمی را نافع باشد **صفت آن** پوست هلیله کابلی

پست درم پوست بلیله املهٔ مقشر از هر یک ده
درم برنگ کابلی مقشر با پنجدرم شیطرج هندی
زنجبیل از هر یک سه مثقال سنادج هندی پنجدرم
بسفایج فستقی اسطوخودوس از هر یک هفت درم
غاریقون شش درم قسط سه درم مصطکی انیسون کندر
قرنفل خیربوا جوزبوا از هر یک ده درم فلفل دار فلفل
نارمشک از هر یک چهار درم کوفته بیخته بعسل بسرشند
شربتی از سه درم تا چهار درم اطریفل دیگر که عرق بدن را سود دهد
و اگر ده روز پیاپی استعمال کند تا این علت را پاک کند صفت آن
پوست هلیله کابلی پوست بلیله املهٔ مقشر تربد سفید زنجبیل فستقیل
ماوی کوفته بیخته بروغن بادام چرب کنند بعسل سرشته شربتی سه درم
ایارج فیقرا اعضای غذا را پاک کند و فضول

و فضول از دماغ فرود آورد و لقوه و گرانی زبان را
و استرخا مثانه و معده و سایر اعضا و اوجاع مفاصل
و قولنج را نافع باشد صفت آن سنبل دارچینی
عود بلسان حب بلسان سلیخه مصطکی اسارون
زعفران از هر یک جزوی فهبر سقوطری دو وزن مقل چند
ادویه شربتی دو درم بعسل و آب و آب گرم
ایارج لوغاذیا صرع و مالیخولیا و فالج و سکته و رعشه
و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا
و ضعف و صداع و شقیقه و دوار و صمم و شهوهٔ کلبی و عسر النفس
و درد گرده و مثانه و نقرس و مفاصل و عرق النسا
و درد گوش و داء الثعلب و داء الحیه و ریشها کهن
بدر را نافع باشد و حیض بگشاید و دوای مسهل مبارک است
و اسهال او بی زحمت باشد صفت آن شحم حنظل
پنج درم بازعیصل مشفی غاریقون سقمونیا خربق سیاه

اشق اسقوردیون از هریک چهار درم و نیم افتیمون
کمادریوس مقل صبر از هریک سه درم خاشا هیوفا
ریقون بسباسه فوه هندی فراسیون جعده سلیخه فلفل
سفید جاوشیر مر جند بیدستر فطراسالیون زراوند
طویل عصاره افسنتین فربیون سنبل حماما زنجبیل
از هریک دو درم جنطیانا یا اسطوخدوس از هریک
یکدرم و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال
باب گرم و عسل و بعد از شش ماه استعمال نمایند
ایارج لوغاذیا نسخه متعارف منافع هردو قریب بیکدیگر
ست صفت نسخه شحم حنظل سقمونیا صبر از هر یک پانزده
بصل الفار هشت درم افتیمون غاریقون خربق سیاه
از هریک ده درم خاشا دودرم فراسیون بسفایج قنطوریون
سلیخه از هریک هفت درم فلفل سیاه دارفلفل
سنبل زعفران دارچینی مر فطراسالیون از هریک

چهار درم جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخدوس
کمادریوس اسقوردیون از هریک پنجدرم زنجبیل جند
بیدستر زراوند طویل جنطیانا راوند از هریک سه
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی چهار درم با یکدرم نمک طعام
در طبیخ افتیمون ایارج جالینوس منافع این از لوغاذیا
بیشتر است لقوه و فالج و تشنج و استرخا مثانه و امرا
ض بلغمی و سوداوی را سود دارد و سلس البول باز دارد
و اخلاط غلیظ و لزجه از بدن پاک کند صفت نسخه
شحم حنظل غاریقون بصل الفار اشق سقمونیا خربق
سیاه فربیون هوفاریقون از هریک شانزده درم
بسفایج کمادریوس افتیمون سلیخه از هریک هفت
درم مر سکبینج زراوند طویل و مدحرج فلفل سیاه
و سفید دارفلفل دارچینی جاوشیر جند بیدستر فطراسا

از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی
چهار مثقال اطریفل کابلی جرب و سبل و شرناق
وضعف باصره را نافع باشد صفت آن توتیا کرمانی
شسته وشیح محرق مغسول از هر یک ده درم مروارید
ناسفته شش نبات پنجدرم صلایه کرده استعمال نمایند
اکسیری که مورسرج و قرحه را نافعست صفت آن
سفیداب ارزیز هشت درم اقلیمیا نقره وصمغ عربی از
هر یک چهار درم روی سوخته یکدرم نشاسته وافیون
از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند اکسیر
دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن شادنج مغسول
سه درم نشاسته اقلیمیا نقره افیون سرمه اصفهانی از
یکدرم صمغ عربی وانزروت از هر یک دو درم سفیداب
ارزیز هشت درم صلایه کرده استعمال نمایند انجامه
معده را قوة دهد و بلغم را دفع کند و اشتها طعام آورد

صفت آن

صفت آن نان تازه گرم در کوزه آب ندیده بگذارند
تا سبز شود و بعد از آن در سرکه خمیر کنند و در آفتاب نهند
و تا ده روز سرکه بر سر آن میریزند و ده روز دیگر دوشاب
خمیر آن تازه کنند و ده روز دیگر بشیره انگور خمیر آن تازه
تازه کنند بعد از آن ادویه گرم کوفته و بیخته بر سر آن
ریزند و چون خواهند که انجامه رقیق گیرند از ین خمیر مقدار
یکمن بگیرند و سه من سرکه کهنه بر سر آن کنند و کیسه
پر از داروهای گرم نیم کوفته در آن اندازند و چهل روز
در آفتاب بگذارند بعد از ان استعمال کنند باب
البنادر بارد مجهج برودة معده و جگر و رحم و احتباس
طمث را نافع باشد و ریاح غلیظ را دفع کند و سده
جگر و سپرز را بگشاید صفت آن زرنباد و درونج عقربی
افیون جند بیدستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه موم
المجوس بزر البنج قسط لبنی جاوشیر از هر یک شش درم

بنادق کندری قرب واسهال معدی را نافع باشد
صفت آن مازو سبز یکدرم کندر و گل مازج از هریک
پنجدرم افیون چهار درم حب الآس ده درم کوفته و بیخته
بنادق سازند بنادق دیگر وجع قولنج بارد را تسکین
کند صفت آن جند بیدستر شونیز نانخواه کمون افیون
مساوی کوفته و بیخته بنادق سازند هر یکی دو دانگ
بنادق دیگر مغص و وجع قولنج حاری را تسکین کند
صفت آن تخم کاهو تخم خرفه افیون مساوی کوفته
و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته بنادق سازند هر
یکی دو دانگ بیشی از تراکیب حکمای هندست
و از جهت جذام عظیم النفع است صفت آن هلیله سیاه
شیطرج هندی از هریک ده درم دارفلفل پنجدرم
بیش سفید دو درم و نیم کوفته و بیخته بگاو روغن چرب
کنند و بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال بزر حلـ

حلبه هشت درم بابونه مرار هریک دوازده درم مروارید
ناسفته دو درم عسل دو وزن ادویه بطریق متعارف
معجون سازند برشعثا نسخه شیخ ابوعلی سینا زکام
زکام و نزله را نافع بود و اوجاع را ساکن گرداند و قطع
خون رفتن کند صفت آن فلفل سفید بزرالبنج از هر
یک بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال
سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از هریک یکمثقال کوفته
و بیخته با سه چندان عسل سرشته و بعد از شش ماه استعمال
نمایند بنادق البزور حرقة بول و قروح کلیه و مثانه عسر البول را
را نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم
خیارین پنجدرم مغز تخم کدو و بزرالبنج تخم خرفه تخم خطمی
مغز بادام مقشر کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش
سفید گل ارمنی تخم کرفس از هریک دو درم بکوبند و
بنادق سازند شربتی سه درم بشراب خشخاش

این ترکیب نیز از بند بانفث و همان خاصیت دارد
صفت آن هلیله بلیله شیطرج آمله از هر یک چهارده درم
جوز بوا خیربوا قشور کندر موفو فلفل دارفلفل نارمشک
کندش عصاره اسقیل ساذج از هر یک هشت مثقال
هیتن چهار مثقال کوفته و بیخته بغمایند معجون سازند شربتی
یکمثقال برود [illegible] جرب و بیاض و دمعه و سلاق
و سبل و ظفره را نافع باشد صفت آن توتیای کرمانی
مغسول ده درم پوست هلیله زرد زنجبیل زردچوبه از هر
یک پنجدرم دارفلفل ماميران چینی از هر یک سه درم
نمک هندی یکدرم کوفته و بحریر بیخته بیست روز در آب
غوره بپرورند و در سایه خشک کنند و دیگر باره کوفته و بیخته
استعمال نمایند برود بیخته جرب را نافعست صفت
آن بنفشه کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی کثیرا
از هر یک یکدرم نشاسته سه درم کوفته و بیخته پنج نوبت

درم کی

و هر که بیشتر خورند و خشک کنند و دیگر باره نرم سائیده و بحریر
بیخته استعمال نمایند برود [illegible] قرحه و موسرج را
نافع باشد صفت آن سفیداب ارزیز پانزده درم
اقلیمیا ده درم صمغ عربی هفت درم و نیم شادنج
مغسول روی سوخته نشاسته افیون از هر یک دو
درم صلایه کرده استعمال نمایند برود [illegible] استخوان
هلیله کابلی سوخته سه درم نمک اندرانی و مازو از هر
یک یکدرم و نیم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند برود
پارسی قوة باصره بیفزاید و محافظت چشم صفت آن
توتیا مارقشیثا اقلیمیا نوره از هر یک پنجدرم سنبل ساذج
زعفران از هر یک یکدرم مروارید ناسفته دو درم کافور
دو دانگ مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
برود احمر چشم را خشک گرداند و سوزش بازدارد صفت
آن شادنج مغسول ده درم روی سوخته پنجدرم

مروارید ناسفته یکمثقال ... دو دانگ نبات یکدرم صلایه
کرده استعمال نمایند برود اسود و سعد را باز دارد ... بیاضی ...
صفت آن سرمه و توتیا مغسول از هر یک دوازده درم
مروارید ناسفته دو درم ساذج هندی یکدرم زعفران نیم درم
مارقشیثا هشت درم مشک و کافور از هر یک دانگی
صلایه کرده استعمال نمایند باسلیقون کبیر تاریکی چشم
و ابتداء آب و دمعه و جرب و سبل و ظفره و شرناق را نا
فع باشد صفت آن کف دریا اقلیمیا نقره از هر یک
ده درم نمک اندرانی ساذج هندی سفیداب ارزیز
فلفل دارفلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر یک
دو درم نمک هندی قرنفل دواله از هر یک یکدرم صبر
سقوطری عصارهٔ مامیثا مس سوخته از هر یک پنجدرم
مامیران مرنوشادر زردچوبه از هر یک سه درم پوست
هلیله زرد چهار درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند

منافع

باسلیقون صغیر

منافع آن قریب بمنافع کحل ... صفت آن اقلیمیا
نقره پنجدرم روی سوخته دو درم و نیم سفیداب ارزیز
نمک اندرانی نوشادر جعده فلفل دارفلفل از هر
یک نیم درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند
تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد صفت آن
شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته
دارفلفل سنبل از هر یک نیم درم ساذج هندی دو
دانگ قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ
کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند بربوما رمد را نافع باشد
و ضربان بنشاند و ردع ماده کند و چشم را هم در روز باصلاح
آورد صفت آن شیاف مامیثا و انزروت از هر یک
ده درم کثیرا یکدرم زعفران دو درم افیون نیم درم
کوفته و بآب باران سرشند و در وقت حاجت بسفیدهٔ
تخم مرغ حل کنند و استعمال نمایند بلخوزی که زکام و نزله

[illegible] کام بارزد ابازو آورد صفت آن کندر میعه [illegible]
مرشقط سنند روغن [illegible] وي کوفته و بیخته کلوله‌ها سازند
و بر آتش نهند و بخور آن بدارند بخوری که تر او زکام
حار را نافع باشد صفت آن سبوس گندم آرد جو آرد باقلی
صندل سفید گل سرخ بنفشه گل گز از هر یک نیم درم
کافور دانگی کوفته در سرکه خیسانند و خشک و دیگر
باره کوفته و بیخته بگلاب سرشته حب سازند و در وقت حاجت
بر آتش نهند و سر به بخار آن بدارند بخوری که مقوی [illegible]
و دماغست و خفقان و غشی و ضعف حواس [illegible]
نفعست صفت آن عود هندی قسط شیرین
صندل سفید از هر یک یکدرم مشک و کافور از هر
یک نیم درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و کلوله‌ها سازند
و بخور کنند بخوری که بر آبستنی معین باشد صفت آن
میوه سایله بارزد حب الغار مساوی کوفته و بیخته بعسل

بسرشند و بعد از طهر سه روز متوالی هر روز یکدرم بخور
کنند و بعد از آن مباشرت نمایند بخوری که همین
خاصیت دارد صفت آن سداب خشک کوفته با
موم گداخته و پیه خرگوش بسرشند و بخور کنند بخوری
که مشیمه و بچه مرده را بیرون آورد [صفت آن] مردار زرد
جاوشیر گوگرد مساوی کوفته و بیخته بزهرهٔ گاو بسرشند
و کلوله‌ها سازند و در زیر طغار سوراخ کرده دود کنند
و فرج زن بر آن سوراخ نهند بخته جوشش برودهٔ معده
و جگر و وجع ظهر و مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان و د
وجع کلیه را نافع باشد لون را صافی کند و بوی دهن خوش
کند و معده و باه را قوة دهد و حفظ زیاده کند و بول
براند و بادها بشکند صفت آن آب انگور رسیده
صد من گوشت بخته تغلی فربه بیست من عود خام ده درم
جوزبوا زعفران مصطکی خولنجان از هر یک پنجدرم سلیخه

یکدرم خیربوا کبابه بوزیدان قرنفل سعد بسباسه از هریک
نیم درم زنجبیل دارچینی سنبل الطیب عاقرقرحا
از هریک یکدرم عسل ده رطل کوشت را در آب
انکوری چو غاشد تا مهرا شود و ادویه نیم کوفته در کیسه
کنند و سرکیسه را محکم به بندند و در آن اندازند و هر
لحظه بدست می مالند و یک رطل کلاب اضافه نمایند
وصاف سازند و در خم ریزند و بعد از شش ماه استعمال
کنند و اگر خواهند مرغ و کبوتر بچه و کبک و [illegible] اضافه
اضافه نمایند و از کوشت کوسفند چیزی کم کنند

باب الثالث تریاق فاروقی

و از اتریاق کبیر
نیز کویند مضرت کزیدن افعی و عقرب و رتیلا و سک
دیوانه و همه جانوران زهردار دفع کند و دافع مضرت
همه زهرهای کشنده است و جذام و فالج و صرع و سکته
و لقوه و رعشه و مالیخولیا و ضیق النفس و خناق سوداوی

وی و بلغمی و استسقا و یرقان سددی و دوار و صداع
و قولنج و درد کرده و مثانه را سود دارد و سنگ کرده
و مثانه را بریزاند و سده جگر و سپرز بکشاید و حیض
براند و بواسیر و بادهای غلیظ که در احشا بود دفع کند
و ورم صلب جگر و سپرز را تحلیل دهد و بیضه را بازدا
رد و حب القرع را دفع کند و شهوه کلبی و نافض و
حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض سوداوی
و بلغمی را نافع باشد و حرارت غریزی برافروزد و رو
ح را قوه دهد و باه را برانگیزد اما مقدار شربت تریاق
کبیر در هر مرضی آنست که در سرفه کهنه و درد سینه
و پهلو که سبب آن باد غلیظ یا بلغم باشد مقدار یک
نخودی با ماء العسل دهند و از جهت گزیدن مار و عقرب و رتیلا
و سگ دیوانه یک مثقال در شراب دهند و زنبور گزیده
را در سرکه دهند و در سرکه حل کرده بر موضع مالند و از جهت

وازجمله دفع مضرت ادویهٔ سمیه مثل افیون وشوکران
وفرفیون وذراریح وامثال اینها درشراب دهند و
دریرقان سددی یک ترمس درطبیخ اسارون دهند
ودراستسقا یکقیراق درسرکه ممزوج دهند وازجمله فالج
ولقوه ورعشه درماء الاصول دهند وازجمله جذام
درماء الجبن دهند وخداوند حب القرع را درطبیخ افتیموم
دهند ودرنافض وحمیات بلغمی وسوداوی یک ترمس
باب کرم یا شراب دهند ودرقولنج ونفخ معده ومغص
ریحی وسقوط شهوه وربو وانقطاع صوت وبرص یک
ترمس بماء العسل یا شراب دهند ودرضیق النفس سکنجبین
عنصلی ودرصرع وصداع وشقیقه یک ترمس درآب
کرم دهند وخداوند هیضه را دو دانگ بشراب
سیب دهند وازجمله احتباس طمث واخراج جنین
میت درطبیخ ابهل یا مشکطرامشیع یا سداب دهند

ودرجمیع امراض انفک آن یک طسوج وبسیار آن
یکمثقال باشد **صفت آن** اقراص عنصل چهل وشت
مثقال اقراص افعی واقراص اندروخورون وفلفل سیاه
وافیون ودارچینی از هریک بیست وچهار مثقال ورق
تخم شلغم بری ثوم بری ایرسا غاریقون رب السوس او
غن بلسان ازهریک دوازده مثقال مرمکی زعفران
زنجبیل ریوندچینی قنطافلن فودنج فراسیون فطراسالیون
قسط فلفل سفید اسطوخدوس دارفلفل مشکطرامشیع
کندر فقاح اذخر صمغ البطم سلیخه سنبل جعده از
هریک شش مثقال لبنی تخم کرفس سیسالیوس حرف
کمادریوس کمافیطوس ناتخواه عصاره لحیة التیس ناردین
ساذج مو فوجنطیانا رازیانه کل مختوم زاج محرق
حماما دوج حب بلسان هیوفاریقون صمغ عربی قردمانا
افیثمون اقاقیا ازهریک چهار مثقال جندبیدستر دوقوا

قنه متعل اليهود جاوشير قنطوريون دقيق زراوند مدحرج سكبينج
از هر يك دو مثقال عسل كه از كف خالي باشد دو رطل
شراب ريحاني هشت رطل بوزن بغداد كه هر رطلي
از آن نود مثقال بود صمغها و عصارها و اقراص را در
شراب خيسانند تا حل شود و عسل بر سر آن كنند و
يكشبانروز بگذارند و بعد از آن ادويه كوفته و بيخته بروغن
بلسان چرب كنند و در يكديگر سرشند بعد از چهار ماه يك
شش ماه استعمال كنند و بعضي گفته اند كه پيش از پنج
سال استعمال نبايد كرد و بعضي گويند بعد از دوازده
سال استعمال بايد كرد و آن زمان در غايت خوبي
و قوة باشد تا سي سال و چون از سي سال بگذشت
تا شصت سال قوة آن باقيست و بعد از شصت
سال حكم آن حكم معاجين كبار باشد از جهة جميع
امراض مذكوره نافعست الا دفع سموم و گزيدن

جانوران **ترياق گل مختوم** كسي را كه زهر داده باشند اين
اين ترياق بدهند قي آورد تا بدن او از آن زهر پاك
شود و بدين توان دانست كه زهر داده اند يا نه اگر زهر
داده باشند قي آورد و اگر نه نه **صفت آن** گل مختوم و حب
الغار و ايرسا مساوي كوفته و بيخته بروغن گاو چرب كنند
و بعسل سرشند شربتي مثقالي يك فندق **ترياق اربعه**
دفع مضرت گزيدن جانوران زهرناك كند و بادها بشكند
و قولنج بگشايد و اخراج جنين ميت كند و تسهيل ولادت
كند و جميع امراض بارده را نافع باشد **صفت آن**
جنطيانا حب الغار زراوند طويل مر مكي مساوي كوفته
و بيخته بعسل معجون سازند شربتي يكمثقال در آب گرم
ترياق ثمانيه بعد از ترياق اربعه ساخته اند و منافع اين
بيشتر از منافع آنست **صفت آن** زراوند طويل الوند
حبي پوست بيخ كبر حب الغار صمغ قسط بيخ جنطيانا

زرد چوبه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
یکمثقال تریاق سرطان گزیدن کلب را نافع باشد صفت آن
~~تریاق دیگر~~ سرطان محرق ده درم کندر جنطیانا از
هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال
تریاق دیگر جهة گزیدن عقرب نظیر ندارد صفت آن
پوست بیخ کبر جنطیانا زراوند مدحرج افسنتین ط
خشتوق مساوی کوفته و بیخته دو درم از آن سفوف
سازند تریاق دیگر که همین منفعت دارد صفت
آن تخم سداب زراوند طویل حب الغار
جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زرد چوبه بیخ حنظل
فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
مغز گردکان و سیر از هر یک دو درم سداب حلتیث
از هر یک یکدرم کوفته با انجیر معجون سازند شربتی

سه درم بشراب تریاق دیگر که در گزیدن عقرب نفعی تمام
دارد صفت آن جنطیانا زراوند حب الغار مرمکی قسط
فوتنج سداب جندبیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل
فلفل حلتیث مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
مثقال یک جوز بشراب تریاق دیگر که همین فایده
دارد صفت آن زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هر یک
نیم درم کوفته و بیخته با شراب بیامیزند و بنوشند تریاق
دیگر که از جهة گزیدن رتیلا نافع باشد صفت آن
شونیز ده درم و قو زیره کرمانی از هر یک پنجدرم
ابهل و جوز السرو از هر یک سه درم سنبل الطیب
حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی
جنطیانا تخم خندقوقی تخم کرفس از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی مقدار یک جوز بشراب
کهنه تریاق دیگر که در گزیدن عقرب مساوی تریاق

بکیرند صفت آن سقمونیا ده درم فلفل سه درم
زراوند مدحرج وجندبیدستر از هریک یکدرم ونیم کوفته
وبیخته کوفته وبیخته بشراب میجون سازند شربتی مقابل
بکت چوند تریاق دیگر که کزیدن عقرب را نافع باشد
صفت آن ریوند چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا
مساوی کوفته وبیخته شربتی یکدرم سفوف سازند تریاق
که دافع مضرت افیون وبنکست صفت آن جلتیت
جندبیدستر ابهل فلفل مساوی کوفته وبیخته بعسل معجون سازند
شربتی مقابل یک فندق در شراب کهنه نافع باشد
تریاق ذرب مروارید ناسفته مرجان کهربا عقیق
یشب عاج طباشیر طراثیث کشنیز خشک برماج کرده
صندل سفید بهمن سرخ وسفید فوفل سعد زیره کرمانی
مدبر مصطکی کرویا مازو سبز کل ارمنی شادنج عدسی
صمغ عربی آرد کنار آرد سنجد حب الاس عذبه دانه

عناب

وهاضمه را قوه دهد صفت آن سنبل یکدرم قرنفل دو درم
عود پنجدرم نبات یکمن نبات زرد وکلاب یکجا زنند
وبقوام آورند وفروکیرند وتیز بزنند وچهار و ناکوفته وبیخته
بران پاشند وبروی سنک ریزند جوارش دیکر نوعی
دیکر معده را قوه دهد واشتها طعام آورد صفت آن
پوست ترنج ده درم مصطکی یکمثقال نبات یکمن
هم بآن دستور بریزند جوارش عنبر خفقان وسردی
معده وبدی هضم واوجاع رحم را نافع بود وازبرای پیران
بغایت خوبست صفت آن قاقله کبار وصغار بسباسه
ودارچینی ازهریک چهار درم زنجبیل دارفلفل ازهریک ده
درم دواله مصطکی عنبر ازهریک دو درم قرفه قرنفل زعفران
ازهریک دو درم جوزبوا پنجدرم مشک یکدرم کوفته وبیخته
بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارش عنبر نوعی دیکر
عنبر یکمثقال قند سفید یکمن بقوام آورند وفروکیرند وعنبر

را دران حل کنند و بتر بر تشند و بروی سنک ریزند **جوارش**
مصطکی بسردی معده و جکر را نافع بود و بلغم دفع کند
و آب رفتن از دهان باز دارد **صفت آن** مصطکی
سه مثقال کوفته با یکمن قند و سی درم کلاب بروی سنک
ریزند **جوارش جالینوس** این جوارش را خاصیت
بسیارست همه اعضا را قوة دهد و بوی دهان خوش کند
و بادها بشکند و بسیاری بول که از سردی مثانه بود باز
دارد و باه را قوة دهد و دیوانکی ببرد و صداع و سعال
بلغمی و بواسیر و نقرس و قوبا و بهق و حصاة کلیه و مثانه را
نافع باشد و سیاهی موی را محافظت کند و کفته اند
که هر که بیست روز بدین جوارش مداومت نماید از
جمیع امراض مذکوره ایمن باشد **صفت آن**
سنبل قاقله سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل
فلفل سیاه دار فلفل قسط بحری عود بلسان اسارون

تخم مورد

تخم مورد قصب الذریرة زعفران از هر یک دو درم
مصطکی پنج درم قند سفید بوزن تمام ادویه کوفته و بیخته
باشد و چندان عسل که بسرشند شربتی دو مثقال یا سه مثقال
پیش از طعام و پس از طعام توان خورد **جوارش**
مجرب قولنج و عسر البول را بکشاید **صفت آن**
زیره کرمانی مدبر بوره ارمنی فطراسالیون زنجبیل
فلفل سفید از هر یک دو درم و نیم سقمونیای مشوی
پنج درم خرما دانه بیرون کرده و مغز بادام مقشر بریان
کرده از هر یک ده مثقال ورق سداب ده درم
خرما را در سرکه خیسانند یکشبانروز و بکوبند و از غربال
بیرون کنند و عسل کف گرفته سه وزن ادویه بر سر
تمر کنند و بجوشانند تا بقوام آید و داروها کوفته با آن
بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال با آب کرم
جوارش مشک خفقان و باد بواسیر را نافع باشد

و بادهای معده را دفع کند صفت آن خیربوا قاقله
زنجبیل دارفلفل از هریک ده درم مشک خالص
نیم مثقال قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند جوارش کافور اسهال صفراوی باز دارد و حرا
رت و تشنگی بنشاند صفت آن زرشک ده درم
گل سرخ هشت درم طباشیر سفید کهربا فوفل از هریک
چهار درم تخم حماض بریان کرده هفت درم حب
الاس شش درم پست سیب ده پست غبیرا
ده درم انار دانه بریان کرده هجده درم کافور سه درم
زعفران نشاه بلوط از هریک پنجدرم فوفل چهار درم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو درم جوارش
کندر اسهال بلغمی باز دارد و معده را گرم کند صفت آن
کندر شصت درم فلفل دارفلفل از هریک دوازده
درم زنجبیل خولنجان از هریک ده درم قرنفل جوزبوا

حماض

خیربوا از هریک پنجدرم مشک نیم درم قند سفید
شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم
جوارش خوزی طعام را هضم کند و اسهال را باز دارد
و سپرز را بگدازد و کسی را که بیم استسقا بود نافع باشد
و ادرار بول کند صفت آن قسط قرفه سنبل حب
بلسان سلیخه از هریک ده درم جوزبوا پنج عدد
قاقله کبار قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج نار
مشک از هریک چهار درم بسباسه درونج عقر
بی از هریک سه درم ریوند چینی زراوند مدحرج
اشنه از هریک پنجدرم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی
بروغن زیت بریان کرده از هریک پنج درم
بلیله ده عدد حب الاس بوزن همه ادویه نبات
دو وزن ادویه در گلاب بگدازند و بقوام آورند
و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از دو ماه استعمال

نمایند جوارش ... حب و اسهال صفراوی را نافع باشد
صفت آن طباشیر سفید حب الآس گل سرخ از هر
یک ده درم تخم حماض و صمغ عربی از هر یک هفت
درم گلنار سماق عصارهٔ لحیة التیس از هر یک شش
درم زعفران و افیون از هر یک دو درم کوفته و بیخته
کوفته و بیخته بشراب سیب بسرشند شربتی سه درم
جوارش سماق اسهال صفراوی باز دارد صفت آن
سماق بیست درم حب الآس ده درم خرنوب
سی درم صمغ عربی گلنار انار دانه از هر یک پنجدرم
کوفته و بیخته با مویز منقی دیگر باره بکوبند شربتی سه درم
جوارش انجدان قولنج بگشاید و بادها دفع کند و جشاء
حامض را نافع باشد صفت آن فلفل و دارفلفل
از هر یک پنجدرم ایرسا و زنجبیل از هر یک شش درم
انیسون مصطکی رازیانه نانخواه تخم کرفس از هر یک

دو درم

دو درم انجدان پانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی دو درم جوارش نارمشک طبع را نرم سازد و
قولنج بگشاید صفت آن خیربوا یکدرم قاقله دارچینی
از هر یک دو درم نارمشک و قرنفل از هر یک سه
درم دارفلفل پنجدرم زنجبیل شش درم سقمونیا
بیست درم نبات سی درم کوفته و بیخته بعسل
معجون سازند شربتی از یکدرم تا سه درم جوارش
دیگر که اسهال صفرا کند بی مشقت صفت آن
عود خام مصطکی از هر یک یکدرم تربد سفید چهار
درم سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یکدرم تا آب گرم جوارش لبوب بواسیر و سردی معده
و بدی هضم را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند
صفت آن لبابه قرفه قاقله صعتر زنجبیل دارفلفل
دارچینی اسارون از هر یک یکدرم قاقله کبابه پنجدرم

فلفل دو درم قرنفل یکدرم و نیم قند سفید بیست درم کو
فته و بیخته بعسل ببرشند شربتی یکمثقال جوارش تعلیا ثا
رحیر و مغص و بواسیر را نافع باشد صفت آن تخم تره
ترک بریان کرده زیره کرمانی [illegible] از هریک یکدرم مصطکی
شش درم هلیله کابلی بریان کرده بر کاو روغن یکدرم
کوفته و بیخته بگلاب ببرشند جوارش سمیم معده را
قوة دهد و شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند و رنگ
را نیکو گرداند و اشتها طعام آورد صفت آن
زرنباد تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هریک دو درم
کنجد مقشر ده درم کندر زنجبیل فلفل دارفلفل قاقله دارچینی
از هریک سه درم سکر طبرزد نود مثقال کوفته و بیخته
بگلاب ببرشند جوارشی که حفظ زیاده کند صفت
آن زنجبیل نانخواه از هریک ده درم شونیز و هلیله کابلی
از هریک پنجدرم کوفته و بیخته بعسل ببرشند شربتی یکمثقال

جوارش سنبل تقویت معده و دفع فضلات کند
صفت آن تربد سفید ده درم زنجبیل پنجدرم قند
پانزده درم شربتی سه درم [illegible]
[illegible] بکشاید و فضلات ردیه را دفع کند و معده را
قوت دهد صفت آن فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب
بوره ارمنی خولنجان قرفه از هریک یکدرم و نیم سقمونیا
ده درم عسل چهل درم شربتی یکدرم و نیم تا سه درم
جوارش دارچینی ضعیف گرده و مثانه و معده را نافع بود
بادهای غلیظ شکند و اخلاط غلیظ را دفع کند کنند
صفت آن دارچینی عود هندی راسن از هریک شش
درم قرنفل فلفل سیاه دارفلفل سنبل اسارون
از هریک پنجدرم زنجبیل ده درم نعناع هشت درم
جیربوا و قرفه از هریک دو درم مصطکی انیسون رازیانه
سلیخه از هریک سه درم کوفته و بیخته بعسل ببرشند

جوارش حب الآس ... و اسهال معدی را نافع باشد
وقتی که از بلغم و رطوبة باشد باز دارد صفت آن
حب الآس از ده مثقال بلیله سیاه بلیله آمله طالیسفر از
هریک بیست درم فلفل سیاه دارفلفل زنجبیل از
هریک ده درم مصطکی قردمانا کرویا انیسون زیره
کرمانی سنبل سلیخه قاقله قسط از هریک شش درم
جوزبوا تخم کرفس نانخواه از هریک پنجدرم ساذج هندی
حماما از هریک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی یکدرم جوارش سقف(?) قولنج و لقوه و باد بواسیر
و بادها را که در معده باشد سود دارد صفت آن
سقمونیا تربد سفید از هریک پنجدرم فلفل و دارفلفل
هریک سه درم زنجبیل دارچینی آمله قرنفل بسفایج
فستقی جوزبوا از هریک دو درم و نیم قند سفید نود
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال

جوارش هندی اوجاع مفاصل و نقرس و وجع ظهر
و قولنج را نافع باشد صفت آن سقمونیا ده درم
خیربوا قاقله دارچینی زنجبیل [illegible] مشک قرنفل
دارفلفل از هریک پنجدرم تربد سفید ده درم قند سفید
چهل درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش زنجبیل
ضعف معده و امعا و هیضه را نافع باشد طعام
را هضم کند و بادها بشکند و اسهال باز دارد صفت
آن زنجبیل بیست درم صمغ عربی و خیربوا از هر
یک ده درم قرنفل دارچینی از هریک پنجدرم جوزبوا
یک عدد زعفران یکدرم نشاسته چهل و دو درم شکر
طبرزد نود مثقال جوارش قیصر قولنج بگشاید و نقرس
را نافع باشد و اخلاط غلیظه لزجه را دفع کند صفت
آن دارفلفل زنجبیل بلیله زرد سقمونیا تربد سفید
از هریک دوازده درم تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا نمک

طبرزد و از هر یک شش درم قند سفید شاتره ده درم کوفته
و بیخته نبیل بسرشند جوارش کوزر معده و دل و جگر و احشارا
قوت دهد و قی باز دارد و صفرا دفع کند و بشهوت بداند منع
خمار کند صفت آن آب انار ترش و شیرین آب سیب
آب به آب امرود آب غوره آب زرشک آب
سماق آب لیمو مجموع مساوی بجوشانند تا برنیمی آید
و فرو گیرند و قند بقوام زیاده آورند و تیز میزنند
و آب ها بران میریزند چندانکه خواهند و بروی سنگ
ریزند باب الی حب ایارج دماغ
سر را از و اعضا فضول و اخلاط بلغمی پاک کند و صرع و سکته
و امراض عینی را نافع باشد صفت آن ایلیقوما
و ترید سفید از هر یک یکدرم حب النیل و غاریقون و
انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل و نمک هندی از
هر یک دانگی نیم کوفته و بیخته با آب رازیانه بسرشند

حب سازند حب شبرم ایارج جامع مفاصل و نقرس و
فالج و لقوه را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری
یکمثقال ترید سفید یکدرم و نیم حب النیل و غاریقون
از هر یک نیم درم شحم حنظل دانگی نیم نمک هندی قدری
سنبل و کثیرا و انیسون از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب
کرفس حب سازند حب سورنجان مفاصل و نقرس
و عرق النسا را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری
و ماهیزهره از هر یک یکدرم سورنجان و ترید سفید
از هر یک یکمثقال کثیرا دانگی حب النیل نیم درم
شحم حنظل دانگی نمک هندی دانگی نیم کوفته و بیخته با آب
کرفس حب سازند حب سورنجان نسخه دیگر که همین
خاصیت دارد صفت آن ایاره فیقرا ترید سفید
ماهیزهره از هر یک یکدرم سورنجان پوست هلیله زرد
غاریقون انیسون از هر یک نیم درم سقمونیا کثیرا شحم

حنظل از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب رازیانه حب سازند
حب سورنجان [illegible] صبر یکدرم پوست هلیله زرد و تربد سفید
ماذه هر یک نیم درم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگی نیم
تخم کرفس و نمک هندی از هر یک دانگی با آب رازیانه
حب سازند حب شبیار درد معده را نافع بود و
قوة باصره بدهد و درد سر و تاریکی چشم ببرد صفت آن
صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد و ورق گل سرخ
مصطکی تربد سفید از هر یک یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته
و بیخته حب سازند شربتی یکمثقال تا سه مثقال وقت
خواب فرو برند و بخسبند حب قوقایا حب جالینوس
است صداع و درد چشم را نافع بود و فضلهای غلیظ
را از بدن فرود آورد صفت آن صبر سقوطری
عصاره افسنتین مصطکی از هر یک یکمثقال شحم حنظل
و سقمونیا از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب کرفس

حب سازند

حب سازند شربتی یکمثقال حب غاریقون معده بگشاید
و استسقا و امراض کبد را نافع باشد صفت آن
افتیمون و صبر سقوطری از هر یک شش درم غاریقون
چهار درم افسنتین و قطراسالیون و تخم کرفس و [illegible]
از هر یک دو درم سقمونیا یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص
حب سازند شربتی دو درم حب غاریقون نوعی دیگر همین
خاصیت دارد و طبع را نرم کند چون هر شب یکدرم
از آن بخورند صفت آن غاریقون ده درم عصاره
غافت و ریوند از هر یک دو درم قند سفید پانزده
درم کوفته و بیخته با آب حب سازند حب منتن
فالج و لقوه و مفاصل و نقرس که از سردی باشد و وجع
ظهر را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و حیض
بگشاید صفت آن سکبینج اشق جاوشیر مقل حرمل
تخم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد

انزروت مساوی انزروت را در آب حل کنند و هر دو را
کوفته و بیخته با آن بسرشند و حب سازند شربتی دو درم
حب اصطمحیقون بدن را از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ
پاک کند صفت آن پوست هلیله کابلی شش درم
آمله افسنتین غاریقون از هر یک سه درم اسارون
انیسون تخم کرفس از هر یک دو درم تربد سفید هفت
درم ایارج فیقرا نه درم افتیمون پنج درم قرنفل یکدرم
فانید چهار درم فانید را در آب بگدازند و دو درم سقمونیا
دران حل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و حب
سازند حب ذهب صداع و درد چشم را نافع باشد
صفت آن صبر سقوطری بیست درم پوست هلیله زرد
ده درم کثیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم
ورق گل سرخ پنج درم کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی
دو درم حب دیگر که داء الثعلب را نافع باشد و صفرا

و سودا

و سودا و بلغم دفع کند صفت آن افتیمون چهار مثقال
تخم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک دو
مثقال صبر سقوطری ده مثقال انزروت و بسفایج فستقی
از هر یک سه مثقال تربد سفید دوازده مثقال کوفته
و بیخته به آب خالص حب سازند شربتی سه درم
حب سکبینج قولنج بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند
صفت آن سکبینج و شحم حنظل از هر یک ده درم
سقمونیا سه درم با آب سداب حب سازند شربتی
یکدرم حب دیگر که بادها بشکند و فتق و اورام خصیه را
نافع باشد صفت آن تخم کرفس هزار سپند انیسون
مصطکی زعفران از هر یک یکدرم پوست هلیله کابلی
آمله سکبینج مقل از هر یک دو درم فطراسالیون و فوذنه
و اذخر و قسط و زرنباد و درونج و اسارون از هر یک
نیم درم کوفته و بیخته با آب حب سازند و هر روز یکدرم

تناول نمایند حب [illegible] استسقاء زقی را نافع باشد
صفت آن ریوند چینی عصاره غافت تخم کرفس از هر
یک سه درم غاریقون پنجدرم مازریون مدبر ده درم
کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم حبی دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آن تخم مازریون و
مغز بادام از هر یک نیم درم شکر یکدرم و نیم کوفته و بیخته
حب سازند حب خیزران خنازیر و غدد و سلع را
نافع باشد صفت آن ایارهٔ فیقرا سه درم غا
ریقون دو درم نیم شحم حنظل یکدرم و نیم انزروت چهار درم
تربد هفت درم جاوشیر یکمثقال نوشادر دو درم سقمونیا
یکمثقال کوفته و بیخته باب کنندنا حب سازند شربتی هر روز
یکدرم حب واصلی که همین خاصیت دارد صفت آن
سنبل سلیخه حب بلسان اسارون عود بلسان مصطکی
دارچینی زعفران از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده

درم اسطوخودوس و شحم حنظل از هر یک پنجدرم
تربد سفید هفت درم نمک هندی دو درم سقمونیا
چهار درم شربتی چهار درم حب شیطرج عرق النسا
و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را نافع باشد صفت
آن پوست هلیله زرد ده درم صبر سقوطری بیست
درم فلفل دار فلفل از هر یک یکدرم قرنفل سه درم
شیطرج هندی نمک هندی شحم حنظل زنجبیل از هر یک
دو درم فانید سجزی چهار درم باب کرنب حب سازند
شربتی سه درم حب غافت یرقان و ورم جگر را سود
دارد صفت آن غافت صبر سقوطری پوست هلیله زرد
مساوی کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند شربتی
دو درم حبی دیگر که بهق و برص و صرع و امراض سودا
وی را نافع باشد صفت آن ایارهٔ فیقرا پنجدرم سقمونیا
ده درم لاجورد مغسول هفت درم سقمونیا شحم حنظل

حب لق سیاه از هر یک دو درم سنبل وانیسون از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب شاهتره جرب را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد هلیله سیاه از هر یک پنجدرم صبر هفت درم سقمونیا دو درم و نیم کوفته و بیخته با آب شاهتره حب سازند شربتی دو درم حب مقل بواسیر را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی و مقل از هر یک پانزده درم تربد سفید ده درم سکبینج پنجدرم خردل دو درم مقل و سکبینج را در آب کنند تا حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن آمیخته کنند و حب سازند حب بنوعی دیگر شقاق را سود دارد و طبع را نرم کند و محرور را موافق باشد صفت آن هلیله کابلی بیست درم مقل دو درم کثیرا پنجدرم [illegible] الخیر را در آب بپزند تا مهرا شود و بپالایند و مقل و کثیرا در ان حل کنند و پوست هلیله کوفته با آن سرشند و حب سازند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شربتی دو درم و نیم حب مقل بنسخه دیگر [illegible] معده و امعا و بلوا سیر [illegible] نافع باشد صفت آن هلیله سیاه و بلیله و آمله از هر یک جزوی مقل برابر همه ادویه مقل را در آب کنند تا حل گشته و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن سرشته حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی دیگر که چون سه شب متوالی بخورند وجع بواسیر را تسکین کند صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله مقل از هر یک چهار درم نمک هندی صعتر مصطکی سوزنکان اشق نرار سپید شیطرج ناخواه از هر یک یکدرم جندبیدستر زعفران دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه از هر یک هشت صبر سقوطری بیست درم سکبینج دو درم مقل و سکبینج را در آب کنند تا بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن سرشند و حب سازند شربتی دو مثقال حب الافاویه باد را دفع کند و طبع را نرم سازد و قولنج بگشاید صفت آن زنجبیل قرنفل دارچینی فلفل دارفلفل

نارمشک مصطکی از هر یک یکمثقال سقمونیا هفت مثقال
قند سفید هفت مثقال کوفته و بیخته حبها سازند هر یک
مقدار نخودی هر حبی یک مجلس دفع کند حب بهرامی(?)
استسقاء لحمی را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری
دوازده درم افتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل
سلیخه ترید سفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران یکدرم
و نیم غاریقون سه درم حماما یکدرم کوفته و بیخته حب سازند
شربتی دو درم و نیم حبی دیگر که بهق و برص را نافع باشد
صفت آن ایاره فیقرا یکمثقال لاجورد مغسول سنبل اسطوخودوس(?)
شحم حنظل کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب
کرفس حب سازند حب صرع ایاره فیقرا نیم مثقال
افتیمون اسطوخودوس بسفایج نمک هندی غاریقون از
هر یک نیم دانگ ترید سفید پوست هلیله زرد شحم حنظل
کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب حب سازند

حبی دیگر

حبی دیگر هم از جهة صرع صفت آن صبر یکدرم
غاریقون نیم درم شحم حنظل دو دانگ سقمونیا دانگی و نیم مصطکی
و سنبل از هر یک دانگی حب سازند بطبیخ اسطوخودوس
بنوشند(?) حبی دیگر جهة ضعف باه صفت آن
ایاره فیقرا ترید سفید از هر یک یکدرم حب النیل افتیمون
از هر یک نیم درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا خصیة الثعلب
از هر یک دانگی نیم محموده کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته
بگلاب حب سازند حبی دیگر جهة آتشک صفت
آن ایاره فیقرا یکمثقال ترید سفید یکدرم غاریقون لاجورد
مغسول پوست هلیله زرد سورنجان از هر یک نیم درم
سقمونیا دانگی و بکطوج(?) انیسون و کثیرا از هر یک دانگی
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب هلیله جرب
و حکه را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد
صبر سقوطری از هر یک یکدرم سقمونیا ورق گل سرخ

ازهر یک دانگی کوفته و بیخته باب حب سازند حب
نازل ایاره فیقرا و ترید سفید و غاریقون ازهر یک ازهر
یک یکدرم شحم حنظل حب النیل سکبینج ازهر یک دانگی نیم
اسطوخدوس بوزیدان ازهر یک نیم درم کثیرا دانگی
حب ترنج و صرع کوفته و بیخته باب حب سازند صفت آن ایارج فیقرا
ترید سفید و غاریقون ازهر یک یکدرم اسطوخدوس
بوزیدان عود صلیب ازهر یک نیم درم شحم حنظل مصطکی
ازهر یک دانگی محموده نیم دانگ آب رازیانه حب سازند
حب استسقا ترید سفید یکدرم ریوند چینی نیم درم غاریقون
زراوند مدحرج زراوند طویل ازهر یک دانگی نیم مقل الیهود
تخم انجره ازهر یک دو دانگ فرفیون بروغن گل
چرب کرده دانگی کوفته و بیخته باب خالص حب سازند
حبی دیگر جهة استسقا صفت آن ایارج فیقرا ترید ازهر
یکدرم غاریقون اسارون ریوند چینی افسنتین تخم انجره

ازهر یک

ازهر یک نیم درم نمک هندی دانگی مقل ده دانگ باب
خالص حب سازند حب سیاه معدی بنفشه دو درم
پوست هلیله زرد و ترید سفید ازهر یک یکدرم نمک هندی
و رازیانه و تخم کرفس ازهر یک نیم درم محموده دانگی نیم
باب خالص حب سازند صفت آن ایارج فیقرا
ترید سفید صبر سقوطری ازهر یک یکمثقال حب النیل
نیم مثقال شحم حنظل نمک هندی ازهر یک نیم درم
افتیمون یکدرم فلفل مصطکی کثیرا ازهر یک دانگی باب
رازیانه حب سازند حب ... ترید یکدرم و دانگی نیم
غاریقون ایارج فیقرا افتیمون ازهر یک چهار دانگ
هلیله سیاه شیطرج عصاره افسنتین ازهر یک دو دانگ
سقمونیا سه نخود مقل و انیسون ازهر یک دانگی باب
حب سازند حب ... ترید یکدرم و نیم ایارج فیقرا
و افتیمون ازهر یک چهار دانگ سورنجان نیم درم

تا هبرهره و زنجبیل از هر یک دو دانگ محموده و مقل از هر یک
دانگی باب حب سازند **حب عشا** ترید یکدرم بوست
بلیله کابلی و غاریقون از هر یک نیم درم صبر چهار دانگ
گل سرخ دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ باب
حب سازند **حب رعشه و تشنج** سفرجلی مسهل سه درم
ترید یکدرم و نیم سورنجان چهار دانگ توزیدان تا هبرهره
قنطوریون و فیق از هر یک دو دانگ تاب حب سازند
جبی که در و نقرس در ساعت بنشاند **حب ...**
افیتمون زیره کرمانی فلفل سفید دارفلفل مغز حب الزلم
از هر یک دو درم سلیخه یکدرم زنجبیل و بیونیون
از هر یک چهار دانگ مصطکی شش درم سورنجان
بیست درم تاب رازیانه حب سازند شربتی دو درم
تاب زیره **حب ...** ترید یکدرم و نیم غاریقون ایاره
فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ قنطوریون دقیق

[illegible]

تا هبرهره عصاره افسنتین از هر یک دو دانگ شحم حنظل
و سقمونیا از هر یک سه حبه مقل و انیسون از هر دانگی باب
رازیانه حب سازند **حب اختلاج** ترید سفید یکدرم و
چهار دانگ افیتمون نیم درم عصاره غافث و عصاره
افسنتین از هر یک دانگی شحم حنظل مقل انیسون مصطکی
از هر یک دانگی باب حب سازند **حب مفاصل**
ترید یکمثقال سورنجان نیم درم شحم حنظل حب النیل نمک
هندی زنجبیل محموده از هر یک دانگی نیم ایارج فیقرا
یکدرم گل سرخ انیسون مصطکی از هر یک دانگی مقل دو
دانگ کثیرا طسوجی باب خالص حب سازند
حب ربو ترید یکدرم ایرسا نیم درم ایاره فیقرا و غاریقون
از هر یک یکدرم محموده دانگی مقل دو دانگ بنفشه نیم درم
باب حب سازند **حب عشه** ایاره فیقرا و غاریقون
از هر یک پنجدرم جندبیدستر شیطرج هندی بزر البنج

از هر یک سه درم سکبینج و شحم حنظل از هر یک چهار درم
کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم
بزرقان صبر یکدرم محموده دانگی و نیم غاریقون چهار دانگ
عصاره غافث دو دانگ با آب کاشنی حب سازند
حبی که نافعست از جهة نقرس حار صفت آن
سورنجان یکدرم محموده دانگی تخم کرفس دانگی صبر یکدرم
باب خالص حب سازند حبی دیگر که بلغم را از مفاصل
و سرون جذب کند صفت آن سورنجان بوزیدان
از هر یک نیم درم ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ
شحم حنظل دانگی و نیم فرفیون دانگی با آب حب سازند
حبی دیگر که وجع ظهر را نافع باشد صفت آن
شحم حنظل سکبینج از هر یک دو درم صبر چهار درم
جند بیدستر و مقل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب
حب سازند شربتی دو درم و نیم حب [illegible]

و [illegible] جامع مفاصل را [illegible] انگور د صفت آن
صبر سقوطری و تربد سفید از هر یک هشت درم [illegible]
بلیله زرد بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم
افتیمون و سقمونیا از هر یک یکدرم و نیم با آب کند تا حب
سازند شربتی سه درم با آب گرم حب لاجورد
[illegible] را دفع کند و امراض سوداوی را نافع باشد صفت
آن لاجورد مغسول سه درم قرنفل افتیمون سقمونیا از
هر یک یکدرم غاریقون پنجدرم افتیمون و بسفایج از هر یک
[illegible] درم ایارج فیقرا شش درم با آب کرفس حب سازند
شربتی سه درم در ماء الجبن حب کوتوالي اعضا سر
و معده را از اخلاط پاک و فالج و لقوه و داء الثعلب
را نافع باشد و چون یکدرم ازین حب و یکدرم ایارج فیقرا
حب کرده بخورند چشم را روشن کند و مانع نزول آب گردد
و اخلاط فاسده را از بدن بیرون آورد صفت آن

صبر سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی از
هر یک از هر یک دانگی نیم مقل دانگی کثیرا نیم دانگ بآب
حب سازند حب الشفا لتقوه و رعشه و فالج را نافع
باشد صفت آن زنجبیل فلفل دار فلفل شیر آمله
سعد مصطکی دارچینی سنبل سلیخه اسارون از هر یک
دو درم صبر بیست درم بآب کرفس حب سازند
شربتی دو درم و نیم حب الصدر سرفه کهنه و ربو و
ضیق النفس و امراض سینه را نافع باشد صفت آن
غاریقون و تربد سفید از هر یک سه درم اصل السوس
شحم حنظل ایارج فیقرا انزروت از هر یک دو درم
بآب حب سازند شربتی یکمثقال بماء العسل حب الکبیر
نافعست کسی را که از مسهلات بد طعم کراهت داشته
و مسهل راقی کند صفت آن تربد یکدرم و چهار دانگ
غاریقون چهار دانگ پوست هلیله زرد و مصطکی هلیله سیاه

از هر یک دانگی نیم افتیمون نیم درم گاوزبان فلنجمشک
بادرنجبویه محموده طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک
دانگی کوفته و بیخته بجلاب حب سازند حب الملوک دیگر
قولنج بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند صفت آن
صبر سقوطری پنج درم تربد سفید ده پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هندی
دو درم مصطکی زعفران ساذج هندی قسط سلیخه
ریوند چینی سنبل زنجبیل انیسون تخم کرفس قرنفل فلفل
چوبوا دارچینی کثیرا قاقله از هر یک نیم درم سقمونیا
دو مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند
شربتی سه درم حب افتیمون اعضای سر و معده
از سودا پاک کند صفت آن ایارج فیقرا شحم حنظل
غاریقون حجر ارمنی افتیمون مقل از هر یک دو درم تربد
شش درم محموده یکدرم بآب حب سازند شربتی دو

حب شاه بلغم و سودا از معده و دماغ پاک کند
صفت آن ایارج فیقرا ده درم بسفایج دو درم شحم حنظل
شش درم اسطوخودوس و افتیمون از هریک دو درم
و نیم تربد هشت درم سقمونیا یکدرم و نیم باب حب سازند
شربتی دو درم و نیم حبی که جمیع امراض سوداوی و
صفراوی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد
شش درم پوست بلیله آمله مقشر گل سرخ نمک هندی
از هریک دو درم ایارج فیقرا پنجدرم شاهتره سقمونیا
عصاره افسنتین از هریک سه درم تخم کرفس نیم درم
غاریقون چهار درم کوفته و بیخته باب کاشنی حب سازند
شربتی سه درم حب السعال صمغ عربی نشاسته
کثیرا از هریک سه درم مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز تخم خیار
از هریک دو درم مغز بادام مقشر و خشخاش سفید
از هریک چهار درم سکر طبرزد و فانید از هریک

هفت درم کوفته بلعاب بزرقطونا حب سازند و اگر
سرفه بلغمی باشد رب السوس و منقی از هریک چهار
درم زعفران یکدرم اضافه نمایند حب السعال دیگر
نافعست اطفال را که از بسیاری سرفه قی کنند و سرفه
خشک که مانع از خواب باشد در شب و نوازل حاده
را دفع کند صفت آن نشاسته صمغ عربی رب السوس
خشخاش سفید افیون مساوی کوفته و بیخته بلعاب بهدانه
حب سازند هر حبی مقدار یک نخود حب السعال بارد
مغز بادام مغز تخم خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش از هر
یک یکدرم رب السوس دو درم باقلا ده درم بلعاب
بزرقطونا حب سازند حب السعال حار پوست بیخ کبر
پرسیاوشان تخم کرفس رب السوس مغز بادام مساوی
کوفته و بیخته باب حب سازند حب السعال مزمن که سرفه خشک
را نافع باشد حب السعال دیگر نشاسته صمغ عربی رب السوس
تخم خبازی تخم خطمی کثیرا کوفته و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند

حب السعال دیگر مدقوق و مسلول را نافع باشد و سرفه گرم
و خشک را ببرد صفت آن صمغ عربی کثیرا ابهدانه تخم
خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید از هر یک
۳ درم مغز بادام باقلا مقشر مغز تخم خیار مغز تخم کدو از
هر یک پنجدرم بلعاب بزرقطونا حب سازند حبی
که سینه را پاک سازد و آواز صاف کند و سرفه
دایم را نافع باشد صفت آن مغز بادام شیرین مغز بادام
تلخ بزرگ بریان کرده جلغوزه از هر یک دو درم کثیرا
و انیسون و صمغ عربی و اصل السوس و رب السوس از هر یک
نیم درم فانید و قند از هر یک چهار درم تا آب را زیانه
و قدری عسل حب سازند حب المشک بوی دهن خوش
کند و لثه را قوة دهد صفت آن فلفل قرنفل خولنجان
عاقرقرحا از هر یک یکدرم گل سرخ صندل بلیله از هر یک
دو درم طباشیر نیم درم مشک و کافور از هر یک دانگی
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب النکهة همین

... علی ولی شده جاسوس شیر یزدانی
غلام بوا زعلی گوید رالله تو دشمن یزدانی

خاصیت دارد صفت آن قاقله جوزبوا قرنفل کبابه عود
دارچینی خولنجان فوفل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ
پوست ترنج کبابه بسباسه از هر یک یکمثقال سعد کوفی
دو درم بگلاب حب سازند حبی دیگر که همین منفعت
دارد صفت آن مشک قرنفل قرفه جوزبوا سعد سنبل
پوست ترنج عود خام مساوی با آب زردآلو حب سازند
هر یک مقدار یک نخود هر صباح و مساء یک حب از آن
در دهن نگاه دارند حبی دیگر که بوی سیر و پیاز و شراب
از دهان ببرد صفت آن پوست ترنج مرزنجوش سنبل
زنجبیل کبابه بسباسه سعد از هر یک پنجدرم مشک
و طباشیر از هر یک نیم درم عنبر نیم مثقال صندل سوده
بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند
حبی دیگر که همین عمل کند صفت آن کبابه قرنفل قرفه
طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر نیم درم عود یکدرم

ده وبیخته بگلابی که صمغ عربی دران منقوع باشد سرشته
حب سازند حب مقل بلغمی خون رفتن از بواسیر
باز دارد صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله کابلی
پوست بلیله آمله مقشر مقل از هر یک دو درم مرجان
کهربا ودع سوخته از هر یک یکدرم مقل را در آب گندنا
حل کنند و داروها صلایه کرده بان سرشته حب سازند شربتی
دو درم حب مقل که همین خاصیت دارد صفت
آن هلیله کابلی بروغن گاو بریان کرده پنج درم کهربا
ده مثقال مقل برابر همه بآب گندنا حل کنند و ادویه دیگر
را کوفته وبیخته بآن بسرشند وحب سازند شربتی دو درم
حب ممسک طبیعت به بندد وخون رفتن باز دارد
صفت آن سماق ده درم مازو یکدرم پوست
انار نیم درم حب الاس ده درم عجم زبیب سه درم
کوفته وبیخته بآب ولعاب صمغ عربی حب سازند

شربتی دو درم بآب مورد بدهند و از عقب آن پاره
آب سرد باز خورد حبی که اسهال خون باز دارد و
صفت آن مازو کت نارنج افیون مساوی بآب حب
سازند شربتی دو دانگ حبی که اسهال بلغمی باز دارد
صفت آن قرفه جندبیدستر افیون مساوی کوفته وبیخته
حب سازند هر یک مثقال یک فلفل شربتی سه حب یا
پنج حب حب [illegible] اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد
کامی که حرارت و تب نباشد صفت آن جندبیدستر
اسارون میعه سائله بزرالبنج سیاه کندر مساوی کوفته
بآب حب سازند شربتی دو درم حبی که در ساعت
شکم به بندد صفت آن افیون یکدرم اقاقیا دو درم
گلنار سماق حب الاس از هر یک چهار درم کوفته
کوفته وبیخته بآبی که صمغ عربی در آن منقوع باشد
حب سازند شربتی نیم مثقال ودرم حبی که نعوظ تمام آورد

ودر لطف انزال اثری تمام دارد حب [illegible] عود خام
قرنفل قرفه کبابه فلفل از هر یک سه درم زعفران نیم درم
بالنکو دو درم دارفلفل تخم بابونه جدوار زید نا سفته از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته با قند بقوام آورده و سرشته
و حب سازند هر یک مقدار نخودی [illegible] سرمکی
[illegible] مصری حب القار مرمکی
زعفران فلفل قرنفل جند بیدستر سنبل هندی عاقرقرحا
از هر یک یکمثقال مشک دانگی افیون یکمثقال و نیم
بگلاب حب سازند شربتی یکدرم حمیات [illegible]
و برسام و اورام حاده را نافعست و طبیخ آن [illegible]
عناب سپستان بنفشه شعیر مقشر تخم کوفته سبوس
گندم خطمی خشک اکلیل الملک از هر یک کفی انجیر
پنج عدد در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید و
پالایند و شکر سرخ پنجدرم و روغن بنفشه بادام ده

درم

درم روغن کنجد ده درم آب کامه پنجدرم اضافه نمایند
و نیم گرم حقنه کنند حقنه لینه دیگر انجیر ده عدد اصل السوس
ده درم سپستان سی عدد کشک جو یک کف بنفشه
و نیلوفر از هر یک پنجدرم بابونه یک کف جمله را در سه
من آب بجوشانند تا یکمن آید و صاف کنند و ده درم
لعاب بزرقطونا و بیست درم روغن بنفشه بادام
و ده درم آب کامه و دو درم بوره ارمنی و یکدرم نمک
اضافه نمایند و بیست درم شکر سرخ دران حل کنند
و به سه نوبت بریزند حقنه معتدله حلبه تر بزرگ انجیر عناب
بنفشه سپستان خطمی بابونه اکلیل الملک خشک
شبت سبوس گندم از هر یک کفی به پزند چنانکه
پخته شود و به پالایند و ده درم [illegible] نمایند و دو درم بوره
ارمنی و یکدرم نمک هندی و پانزده درم روغن شیره
اضافه نمایند و نیم گرم عمل نمایند حقنه حاده تخم حنظل

افتیمون بسفایج از هر یک ده درم فودنج یک کف
بپزند و به پالایند و بیست شکر سرخ و ده درم روغن بابونه
اضافه نمایند و استعمال کنند حقنه دیگر قولنج بلغمی و درد
پشت و بادهاء غلیظ را نافع باشد صفت آن
حلبه بزرگ قنطوریون دقیق بابونه خشک نیم کوفته
خطمی از هر یک کف انجیر سی عدد عناب سپستان
از هر یک سی دانه سبوس گندم برگ چغندر برگ کرنب
شبت و سداب از هر یک دسته سکبینج مقل جاوشیر
از هر یک سه درم مغز تخم کافشه کوفته بیست درم به
بپزند و به پالایند چنانک رسمست و یکدرم نمک هندی
و دو دانگ بوره ارمنی و نیم درم جندبیدستر و دو دانگ
شحم حنظل ده درم انکامه و بیست درم شکر سرخ
اضافه کنند و استعمال نمایند حقنه دیگر استرخا و فالج
و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن سنامکی پنجدرم به

شبت و بابونه و کافشه نیم کوفته و بید انجیر نیم کوفته
از هر یک کفی پرسیاوشان بادرنجبویه قنطوریون دقیق
از هر یک دو درم شکر سرخ پانزده درم انکامه ده
مثقال آب برگ چغندر روغن زیت از هر یک ده
درم نمک و بوره ارمنی از هر یک نیم درم بطرالیق معهود
حقنه دیگر قولنج بگشاید صفت آن سنامکی پنج مثقال
گاوزبان خشک شبت از هر یک سه درم رازیانه افتیمون
بسفایج از هر یک دو درم بابونه سبوس گندم گل خطمی
از هر یک کف گل سرخ تازه دوازده عدد روغن زیت
روغن گل سرخ شکر سرخ آب برگ چغندر از هر یک
ده مثقال انکامه کلغند آفتابی از هر یک ده درم
بوره ارمنی نیم درم بپخته و صاف کرده چنانک رسمست
عمل نمایند حقنه که ریش روده و اسهال صفراوی را
سود دارد صفت آن آب برگ خرفه آب لسان الحمل

از هر یک چهل مثقال تخم مرغ بروغن گل آمیخته یک بیضه
اقاقیا نیم درم دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سفیداب
کهربا مرجان گل مختوم از هر یک یکدرم بکدیگر ممزوج سازند
و استعمال نمایند حقنه دیگر که قروح امعا و اسهال و جوب
را نافع باشد صفت آن کشک جو برنج شسته بریان
کرده بزر از هر یک سی مثقال بپزند و بپالایند و سفیداب
و نشاسته و اقاقیا و گلنار از هر یک نیم درم زعفران
شیاف ابیض از هر یک یکدرم زرده تخم مرغ عدد یک
به ده درم روغن گل حل کنند و دیگر بیامیزند و استعمال
نمایند باب الخا[illegible] پروت
معده و احشاء و جگر را نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و از
برای پیران مفید بود صفت آن شراب کهنه ده رطل
عسل صاف سه رطل زنجبیل ده درم قاقله خیربوا زعفران
از هر یک یکمثقال قرنفل و مشک از هر یک نیم درم

دارچینی و قاقله از هر یک یکدرم ادویه را نیم کوفته کنند
بوی مشک و زعفران در کیسه کنند و کیسه را در خم
بیاویزند و شراب و عسل را بجوشانند و کیسه را در آن
اندازند و هر ساعت بدست می مالند تا شراب بقوام
آید پس کیسه را بردارند و مشک و زعفران در آن
حل کنند و نگاه دارند خضاب که موی را سیاه کند
صفت آن مازو یک رطل کتیرا روی سوخته شب
یمانی از هر یک پنجدرم نوشادر چهار درم نمک اندرانی
دو درم مازو را در روغن زیت بجوشانند تا شق
شود و با ادویه دیگر بکوبند و باب گرم لت کنند و بگذارند
تا چهار ساعت بگذرد و بعد از آن سر و ریش را بشویند
و خشک کنند و خضاب را بدان بمالند و بعد از شش
ساعت بآب نیم گرم بشویند خضاب دیگر وسمه چهل درم
حنا پنجدرم کوفته و بیخته بروغن گل چرب سازند و بآب

بسرشند و بکدازند و شب بمالند و صباح تا آب گرم بشویند

خضاب دیگر گل شقایق ده درم آمله مقشر دو بیست با قلا ترش از

هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و بیست روز در آفتاب

نهند و سرکه اضافه میکنند بعد از آن استعمال خضاب دیگر

جوز السرو در سرکه جوشانده بیست درم مازو سبز در روغن

زیت پخته تا سوخته شود شش درم مس سوخته پوست

گردکان تر از هر یک ده درم پرسیاوشان شب یمانی

اقاقیا آمله از هر یک شش درم قرنفل دو درم کوفته

و بیخته با آب گرم بسرشند خضاب کنند و بعد از سه ساعة بشویند

خضاب دیگر پوست گردکان تر شب یمانی پوست انار مس

سوخته لادن مساوی کوفته و بیخته باب گرم بسرشند خضاب

خضاب دیگر حنا چهار درم وسمه هشت درم مردی سوخته

شب یمانی نمک اندرانی مازو سبز بریان کرده در روغن

زیت خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته و بیخته باب

که بسرشند و استعمال نمایند خضاب دیگر شکوفه گردکان

و قرنفل با روغن زیت صلایه کنند و استعمال نمایند

و بعد از شش ساعة با آب گرم بشویند باب

[illegible] و از ادویه الملوک نیز گویند اوجاع مفا

صل و بواسیر و ناصور و برص و بهق سفید و سیاه و جذام

را نافع باشد و حواس را قوی گرداند و باه را زیاده کند

و هر که این معجون استعمال نماید موی او چون آنکه سفید شده

باشد سفید نشود صفت آن هلیله سیاه و بلیله و آمله از

هر یک سی هشت مثقال شونیز بیست و چهار مثقال

فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلفلموید از هر یک بیست

و دو مثقال قاقله صغار زنار مشک سعد از هر یک دو مثقال

بکابر عسل بلادر از هر یک شش مثقال نمایند شصت

مثقال نمایند را کوفته در پاتیل کنند و در آب بگدازند و دا

روها کوفته و بیخته و عسل بلها و ریان بسرشند و اقراص سازند
هریک دو مثقال و دانگی نیم و هر بامداد یک قرص از آن
بخورند و این سال که این معجون استعمال نمایند از ترشیها
و لبنیات پرهیز کنند دواء المسک حلو ضعف معده و دل
و خفقان و صرع و ضیق النفس و فالج و لقوه و تصدیع را
سود دارد و بادها، زنان آبستن را دفع کند و رنگ
را نیکو گرداند صفت آن زرنباد درونج عقربی از هریک
یکدرم مروارید ناسفته کهربا بسبد ابریشم مقرض از هریک
نیم درم بهمن سرخ و سفید ساذج هندی سنبل الطیب قاقله
قرنفل جندبیدستر و واله از هریک چهار دانگ زنجبیل دارفلفل
از هریک دو دانگ مشک دانگی نیم کوفته و بیخته بعسل شهد
که آتش ندیده باشد بسرشند و بعد از چهار ماه استعمال
نمایند شربتی از یکدرم تا دو درم دواء المشک رطوبات
معده را ببرد و خفقان سوداوی و ورم حنجره را نافع

صفت

صفت آن افسنتین رومی صبر سقوطری از هریک
هشت درم ایونپرچینی شش درم تانخواه زعفران تخم
کرفس از هریک چهار درم مشک تا روین ساذج هندی
مروارید ناسفته از هریک دو درم جندبیدستر یکدرم
و نیم بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال دواء الکبیر صلابه
کبد و طحال و معده و استسقا و برودة معده را نافع باشد
و سده بگشاید و بول براند و سنگ گرده و مثانه بریزاند
و بدن را لاغر کند صفت آن کلک مقل دو قو تخم
کرفس جبلی زیره کرمانی زنجبیل از هریک هشت درم
کمافیطوس زوفا خشک از هریک چهار درم و چهار
دانگ جنطیانا و زراوند مدحرج از هریک یکدرم صبر سقوطری
و سنبل از هریک دوازده درم فوه پانزده درم
حب بلسان سلیخه مصطکی قصب الذریره اسارون
بسقل از هریک شش درم کندر چهار درم دارفلفل

زراوند طویل از هر یک سه درم و نیم رب السوس چهار
ده مثقال درم ریوند و جعده و اذخر از هر یک دو درم
فلفل و قسط از هر یک ده درم سیسالیوس سه درم کوفته
و بیخته بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال دواء الکرکم صغیر منافع
آن قریب بمنافع کبیرست صفت آن کرکم مغسول قسط
تلخ فقاح اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل از هر یک ده درم
ریوند حسی پانزده درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی یکدرم
بطبیخ افسنتین یا آب گرم دواء الکرکم کبیر امراض
جگر و سپرز را که از سردی بود نافع باشد و سده بگشاید
و باد را دفع کند و گرده و مثانه را قوة دهد و بول براند
و استسقا را که سبب ورم جگر و سپرز باشد سود دارد
صفت آن زعفران دوازده مثقال اسارون و مو و فو
و انیسون و فطراسالیون و ریوند چینی از هر یک چهار درم
سنبل شش درم قسط و سلیخه و فقاح اذخر و حب بلسان

انیسون

۴۰

یکدرم فوه دو درم رب السوس و جعده مصطکی غافت
از هر یک سه درم روغن بلسان پنجدرم مرصافی چهار درم
کوفته و بیخته بالعسل معجون سازند شربتی از یکدرم تا دو درم
بماء العسل دواء الکرکم صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیرست
صفت آن زعفران سلیخه سنبل از هر یک دو درم
و قسط فقاح اذخر دارچینی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
یکشبانروز بشراب انگوری تر کنند و روز دیگر بعسل معجون
سازند شربتی یکمثقال دواء الکبریت امراض بلغمی و سوداوی
و تپهاء کهن و نافض و تنگی نفس و سرفه بلغمی و ریم که
از سینه بیرون آید و استسقا و درد سپرز و عسر البول
را نافع باشد و سنگ گرده و مثانه بریزاند و مضرت
ادویه سمیه چون افیون و شکوران و بیخ لفاح را دفع
کند و از جهة گزیدن عقرب و رتیلا نافع باشد صفت
آن گوگرد زرد و بزر البنج سفید قردمانا میعه سایله مر از

سنبل الطیب اسارون قسط مصطکی زعفران مختوم
صندلین ... دارچینی از هر یک مثقال و ... نیم مثقال

هر یک هشت درم سداب و قسط تلخ از هر یک ده درم
افیون و زعفران از هر یک دو درم سلیخه دوازده درم
فلفل سفید بیست و دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون
کنند شربتی یک مثقال وجع تا باد ها بشکند و قولنج را نافع
باشد صفت آن هزار سپند و حلبه از هر یک سی درم
درونج عقربی فلفل دار فلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه
قسط زعفران زنجبیل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی دو درم دواء الحلتیت تب ربع و گزیدن
عقرب و رتیلا و مانند ایشان را نافع باشد و از جهت
تب در سکنجبین دهند بعد از آنکه چهل روز گذشته باشد
و از جهة گزیدن جانوران زهردار در شراب صفت آن
حلتیت سداب و فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی مقدار یک جوز دواء المازریون استسقا و اکثر امراض
بلغمی و سوداوی را نافع باشد صفت آن مازریون

در سرکه خیسانیده و بکوبند تا نرم شود و در سایه خشک کنند و یکدرم
زنجبیل کرمانی و نمک هندی و پوست هلیله زرد از هر یک
نیم درم افتیمون و تربد سفید از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
شربتی دو درم دواء التربد حمیات بلغمی را نافع باشد
صفت آن زنجبیل مصطکی از هر یک ده درم تربد
سفید بیست درم سکر طبرزد چهل درم شربتی هر شب
یک مثقال دواء الترنجبین ضعف باه که سبب آن حرارت
باشد نافع بود صفت آن ترنجبین سی درم در دو رطل
شیر تازه بجوشانند تا بقوام آید و هر شب دو ملعقه
بنوشند دواء الحسک در تقویت باه بی نظیر است صفت
آن حسک خشک را بکوبند و بیزند و در آب حسک تر
سه شبانروز در آفتاب بپرورند و هر روز تازه میکنند
چندانکه آب حسک تر به وزن حسک خشک بکار رود پس
خشک کنند و سه درم از آن با ده درم شیر تازه و ده درم

بنات بنوشند و سرد مزاج قدری زنجبیل کوفته و بیخته اضافه
نماید دواء البصل تولید منی کند و نعوظ آورد و بنات
مقوی باهست صنعت آن آب پیاز بگیرد و عسل دو جزو
بجوشانند تا بقوام آید و در وقت خواب دو ملعقه ازان بنوشند
دواء النوش جهة ضعف معده که سبب آن برودة و رطوبة
باشد نافع بود صنعت آن پلپل سیاه بروغن گاو بریان
کرده درم حرف مقلو پنج درم نانخواه و صعتر فارسی
از هریک نه درم خبث الحدید ده درم شربتی دو درم
با شراب کهنه دواء الخطاطیف خناق بلغمی و سوداوی را
نافع بود چون غرغره کنند یا بر خارج حلق طلا سازند صنعت
آن تخم کرفس انیسون نانخواه هزار اسپند دارچینی جزو را
وند طویل و زعفران از هریک ده درم گل سرخ بیست
درم قسط و رماد الخطاطیف از هریک سی درم زنجبیل
و سنبل از هریک پنج درم مازو سبز ده عدد کوفته و بیخته

بعسل

بالعسل بسرشند و استعمال نمایند دواء الحرمل همین خاصیت
دارد صنعت آن هزار اسپند و تخم ترب و حلتیت و تخم
ولیوارهٔ ارمنی و نوشادر مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند
دواء [illegible] منع نزلات کند و سرفه خشک را بغایت نافع
باشد صنعت آن خشخاش سفید با پوست بیست عدد
تخم خطمی کثیرا صمغ عربی تخم خبازی به دانه شیرین از هریک
پنج درم اصل السوس بیست درم بزرقطونا ده درم
مجموع را در شش رطل آب باران خیسانند و شبانروز
تا نرم شود پس بآتش نرم بر پزند تا مهرا شود و به نیمه آید
بعد ازان صاف کنند و یکمن قند سفید اضافه نمایند و بقوام
آورند [illegible] نسخه دیگر قریب المنفعه است نسخه اول
صنعت آن خشخاش سفید با پوست و خشخاش سیاه
از هریک ده مثقال بنفشه و صمغ عربی از هریک پنج مثقال
اصل السوس سه درم آب انار شیرین بیست مثقال

قند سفید صد درم شربت سازند چنانک رسمست
اکله و ناصور و لحم زاید را نافع باشد صفت آن
زرنیخ سرخ و زرنیخ زرد از هر یک شش درم مرتک دو درم
آهک آب نادیده پانزده درم زنگار یکدرم کوفته و بیخته
ببرگ کهنه بسرشند و قرص سازند داروی که موی برویاند
و دراز و سیاه کند صفت آن برنجاسف برگ مورد
شونیز بریان کرده مساوی کوفته و بیخته بروغن مورد یا روغن
زیت سرشته استعمال نمایند داروی که کند پای برد صفت
آن شب یمانی در آب حل کنند و پای را بدان بشویند
یا پای را بآب برگ سوسن یا برگ مورد بشویند نافع باشد
داروی که حب القرع را و کرم دراز را بکشد و اخراج کند
قنبیل سرخس ترمس حب النیل از هر یک نیم درم درمنه ترکی
دو درم تربد و برنگ کابلی قشر از هر یک یکدرم نمک هندی
دانگی کوفته و بیخته با شیر و شکر بیامیزند و بیاشامند داروی

که همین خاصیت دارد صفت آن برنگ کابلی قشر
سه درم تربد سفید دو درم قنبیل یکدرم حب النیل و
نمک هندی از هر یک نیم درم کوفته و بمویز منقی سرشته
تناول نمایند داروی که چون بر آتش نهند از دود آن
جانوران گزنده بگریزند صفت آن زفت رومی گوگرد
زرد و شاخ گوزن باد آورد مساوی زفت را بگدازند و
داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و استعمال نمایند داروی
که حبس عرق کند صفت آن برگ مورد و ورق گل سرخ
صندل گلاب بجوشانند و جامه بدان تر کنند و بپوشند
داروی که نافعست از جهة کرم که در گوش باشد
صفت آن شراب دو درم عسل سه درم روغن
گل یکدرم سفیده تخم مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط
سازند و لیته پاره را بدان تر کنند و در گوش نهند
و بر آن جانب تکیه کنند یک ساعت بعد از آن یکبار آن

بشم پاره را بیرون کشند کرم بیرون آید دوایی
که از جهة گزیدن عقرب وحیه بالخاصیه نافع باشد
صفت آن آهک برگ توت کوفته بروغن دنبه بسرشند و بر محل
زخم نهند یا آهک و زرده تخم مرغ بهم آمیخته در زخم نهند
درد ساکن گردد و اگر تعلبی کوفته بدوشاب بسرشند
بر موضع گزیدگی مالند فی الحال درد ساکن شود و اگر
کژدم را در روغن بجوشانند و به پالایند کسی را که کژدم
بگزد آن روغن بر موضع گزیدگی مالند درد ساکن گردد
و اگر با عسل آن روغن بیامیزند چون کودک از مادر بزاید
از آن نیم درم بکام کودک بمالند اگر همه عمر کژدم او را
بگزد درد نکند و اگر چوک گوش خر بر موضع گزیدگی عقرب
مالند درد ساکن کند و اگر سیر شیر ببرگ تر کنند و مالند
همین عمل کند و اگر کسی را کژدم گزیده بود بکوبند و بنمک
سوده و روغن چراغ گرم کنند و بر زخم کژدم نهند

همین عمل کند

همین عمل کند و اگر برگ تاک بکوبند و بر موضع نهند
فی الحال درد ساکن شود و اگر جوز مغز و انجیر و سیر کوفته
بر زخم مار نهند نافع باشد داروی آتشک زیبق مقتول
هفت مثقال حنا لادن مصطکی سوخته نجان از هر یک
دو درم تربد سفید بنج بنفشه از هر یک سه درم روغن
زیت پانزده درم آب لیمو پنج مثقال پیه بزی
مثقال و اگر جراحت باشد توتیا سفیداب مرداسنگ
از هر یک دو درم زنگار نیم درم اضافه نمایند
و طریق مرهم ترتیب نمایند و بدستور متعارف بمالند
دوای که بیهوشی آورد صفت آن افیون یک درم تخم خشخاش
دو درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید و نیم
رطل گندم پاک بجوشانند تا آب تمام نیست شود
پس گندم خشک کنند و بکوبند و یکمثقال آن هر کرا
بدهند بیهوش شود دوای دیگر که همین عمل کند صفت آن

و دار
ش سیاه

خشخاش سیاه وتخم کاهو از هریک پنجدرم بزرالبنج دو مثقال
بجوشانند وصاف کنند و با قند بقوام آورند مثقالی از آن
مسکن باشد واگر تشنه در شراب کنند هرکه بخورد بیخود
شود واگر خواهند که مست زود هشیار شود سرکه
کهنه با گلاب بدهند یا دوغ گاو با برف سرد کرده
بنوشد دوائی که نافعست از جهة حکه وجرب و سعفه
واو را قمتمش گویند صفت آن پوست هلیله زرد وتخم شش درم
سنائکی وشاهتره از هریک دو درم افسنتین یکدرم ونیم
کوفته وبیخته بکشمش کوفته بسرشند شربتی مثقالی یک جوز
دوائی که شهوت ردیهٔ زنان حامله را دفع کنند
صفت آن مصطکی یکدرم عود خام نیم درم زیره کرمانی
دانکی نیم کوفته وبیخته با ده درم کاغذ سرشته بنوشد دوای
که نافعست از جهة درد دندان که بسبب حرارت باشد
صفت آن افیون نیم دانگ در روغن گل حل کنند و

قدری پنبه بدان ترکنند وبر دندان نهند واگر کافور
وعاقرقرحا بکوبند ودر روغن گل حل کنند وپنبه را بدان
ترکنند وبر دندان نهند همین عمل کند دوای دیگر که نافعست
از جهة درد دندان که بسبب آن برودة باشد
صفت آن جندبیدستر حلتیت فلفل مر زراوند مدحرج
زنجبیل میعه افیون بزرالبنج مساوی کوفته وبعسل بسرشند
وپنبه را بدان ترکنند وبر دندان نهند دوای دیگر که همین
منفعت دارد صفت آن فلفل عاقرقرحا میویزج زنجبیل
از هریک یکجزو بورهٔ ارمنی یکجزو ونیم کوفته وبعسل سرشته
استعمال نمایند دوائی که درد دندان سوراخ دار
را نافع باشد صفت آن فلفل وعاقرقرحا را بکوبند وبا
بارزد بسرشند ودر سوراخ دندان نهند دوائی
که لثه را محکم کند وگوشت رفته را برویاند صفت آن
کندر زراوند مدحرج دم الاخوین کرسنج سوس مساوی

بارزد

کوفته و بیخته بسکنجبین عنصلی بسرشند و استعمال نمایند
ذروری که درد دندان را ساکن گرداند صفت آن
عاقرقرحا مویزج از هر یک سه درم تخم هرو یکدرم آب
کشنیز تازه بیست مثقال شیر گاو ده مثقال جوشانیده حب
سازند و بر دندان نهند و اگر سداب تازه با مویز سیاه
بکوبند و بر دندان نهند همین عمل کند باب
الذال ذرور الکایا در دبیج و ابتدا رمد را نافع باشد
صفت آن انزروت پرورده بشیر خر نشاسته صمغ عربی
نبات کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند ذرور الحمر نافعست
از جهة بکمنه و درد چشم را که سبب آن رطوبة باشد صفت
آن انزروت مربی یکدرم شیاف مامیثا دو درم
زعفران تخم گل کل از هر یک نیم درم افیون چهار دانگ
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور اصفر بنوعی دیگر انزروت
مربی ده درم صبر زعفران حضض از هر یک دو درم

اصاف

مرصاف یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر
که قرحه و مورسرج را نافع باشد صفت آن سرمه اصفهانی
شادنج عدسی مغسول صلایه کرده ذرور سازند ذرور
ابیض ابتدای رمد را نافع باشد صفت آن
اقلیمیا نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک دو درم
کثیرا بیست درم صمغ عربی چهل درم گل سفید شصت
درم نشاسته سی درم افیون ده درم کوفته و بحریر
بیخته بآب رازیانه پرورده ذرور سازند ذروری
که دمعه و جرب و ضعف باصره را نافع باشد و
پیران را موافق باشد صفت آن توتیای مغسول
ده درم پوست هلیله زرد صبر سقوطری و از فلفل زرد
از یک پنجدرم فلفل دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
ذرور دیگر که نافعست از جهة درد چشم کهنه و سرخی وا
رفتن صفت آن توتیای مغسول نشاسته سفیداب

ارزیر مساوی کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند ذرور ضعف
شیاف مامیثا ساذج هندی حماما از هر یک دانگی
سرمه فلفل زنگار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته ذرور سازند
ذروری که نافعست از جهة جرب و سبل و ظفره و الکله
جفن صفت آن اقلیمیا صمغ عربی از هر یک سه درم
زعفران فلفل شنگرف از هر یک دو درم افیون
یکدرم و نیم صلایه کرده استعمال نمایند ذروری دیگر که از جهة
درد چشم اطفال نافع باشد صفت آن انزروت
عربی چشمک از هر یک ده درم مامیران دم الاخوین
از هر یک دو درم کوفته استعمال نمایند ذروری دیگر
دارفلفل دو دانگ بلیله زرد از هر یک دو درم یکدرم زبد البحر نقص ورم
یکدرم مامیران دو دانگ صبر دانگی نیم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذرور سبل توتیا مغسول دو مثقال مامیران چینی دو درم
زبد البحر حضض مکی صبر سقوطری دارفلفل دارفلفل پوست

بلیله زرد از هر یک یکدرم انزروت عربی چهار مثقال
صمغ عربی یکمثقال کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور مامیثا
ساذج هندی شش درم مس سوخته سرمه اصفهانی
توتیا مس سوخته از هر یک سه درم شادنج عدسی
مغسول مرصاف از هر یک یکدرم صدف سوخته
مامیران چینی از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال
نمایند ذرور کافوری نافعست از جهة حرارة چشم
ورمد صفت آن صدف سوخته و مروارید ناسفته
از هر یک دو درم نشاسته یکدرم کافور دانگی صلایه
کرده استعمال نمایند ذرور اربعه گوشت بر رویاند و چون
رفتن از جراحت باز دارد و رعاف را نافع باشد
صفت آن انزروت مرکندر دم الاخوین مساوی
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذروری دیگر که همین خاصیت
دارد صفت آن انزروت دم الاخوین مرکندر کلنار

کل ارمنی از هر یک نیم درم عدس قشر یکدرم کوفته و بیخته
ذرور سازند ذروری که گوشت فاسد شده را بخورد
و سر جراحت ببندد و سخت کند در وقت بر شدن
و در اول سر جراحت بگشاید و تری بر چیند و گوشت
برویاند صفت آن انزروت چهار درم دم الاخوین
دو درم گل مختوم مرداسنگ مرکندرا از هر یک درم
و نیم گل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک یکدرم صبر سقوطری
زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذروری که نافعست از جهت خروج مقعد و نتو رحم
و مقعد صفت آن سفیداب ارزیز گلنار شب یمانی
مازو مساوی کوفته و بیخته مقعد را بروغن گل چرب کنند
و بران افشانند ذروریست که استرخاء مقعد را نافع باشد
صفت آن جفت بلوط مازو قشار کندر شبح سوخته
گلنار شاخ گوزن سوخته مرداسنگ صدف سوخته ا

اقلیمیا

اقلیمیا مساوی کوفته و بیخته ذرور سازند ذروری
که همین خاصیت دارد صفت آن جفت بلوط
گلنار جوز السرو کاغذ سوخته از هر یک سه درم کوفته
و بیخته بر مقعد افشانند ذروری که سوختگی آتش و روغن
گرم و مانند آن را نافع باشد صفت آن مرداسنگ
و آهک و حنا از هر یک قدری بکوبند و جای سوختگی
بروغن گل چرب کنند و این داروها بر آنجا افشانند
در سه روز خوش شود باب
[illegible] روغن قسط فالج و لقوه و معده و جگر سرد را نافع
باشد و سیاهی موی را نگاه دارد و اعصاب را قوة
دهد صفت آن قسط ده درم فلفل فرفیون از هر
یک سه درم عاقرقرحا چهار درم جندبیدستر دو درم
و نیم شراب کهنه صد درم روغن زیت پنجاه درم
قسط و فلفل و عاقرقرحا نیم کوفته در شراب خیسانند یک [illegible]

وصباح صاف کنند شراب را بجوشانند تا بنیم آید بعد
ازان روغن زیت دران ریزند وچندان بجوشانند
که شراب برود وروغن بماند بعد ازان جند بیدستر وفربیون
کوفته وبیخته درانجا ریزند درزمانی که از آتش فرود کرده باشند
روغن قسط هیمه دیگر درد جگر ومعده سرد ومفاصل واستسقا را
نافع باشد صفت آن قصب الذریره سنبل ساذج
هندی میعه سایله پنج سوسن قرفه اشنه قسط از هر یک
بیست درم راسن خشک سلیخه عود بلسان از هر یک
ده درم مرصاف و قرنفل از هر یک پنج درم مجموع نیم کو
فته در سه من آب بپزند تا بیکمن آید و با نیمن روغن کنجد
بجوشانند تا آب برود وروغن بماند روغن قسط دیگر
سردی جگر ومعده را نافع بود وچون بیاشامند وچون بر
محلی که موی رفته باشد بمالند موی برویاند واعصاب
را محکم کند صفت آن قسط تلخ صد درم مرماخور چهل درم

بکنند

سلیخه شش درم مجموع نیم کوفته کنند و در شراب
خیسانند یکشبانروز روز دیگر بجوشانند و بپالایند
و نیم چهاریک روغن زیت یا روغن کنجد بروی
ریزند و بجوشانند تا روغن بماند روغن قسط نوعی دیگر
امراض بارده را نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظ
و مقوی اعصابست صفت آن قرنفل و سلیخه از
هر یک ده درم قصب الذریره ساذج سنبل
قرفه اشنه جند بیدستر قسط از هر یک بیست درم پنج
بنفشه سی درم مرباد بیخ درم و نیم کوفته در آب بجو
شانند تا مهرا شود بعد ازان صاف کرده دو منی روغن
کنجد اضافه نمایند و چندان بجوشانند که آب برود و روغن
بماند روغن شونیز فالج و لقوه و تشنج را سود دارد
صفت آن شونیز بیست درم مغز بادام تلخ سی درم
بکوبند و روغن ازان بکشند روغن افسنتین معده و

جگر و جمیع امراض و اعضا را قوة دهد صفت آن
روغن زیت یا روغن بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن
زردالو تلخ یمنی افسنتین رومی تازه ده سیر و نیم در شیشه
کنند و چهل روز در آفتاب بیاویزند روغن فرفیون
همه دردها را که از سردی بود زایل کند و فالج و استرخا
را سود دهد صفت آن قسط ده درم کندش چهل
درم جند بیدستر پنجدرم فودنه کوهی خشک دوازده درم
عاقرقرحا هفت درم مویزج سه درم جمله نیم کوفته کنند
و در چهارصد درم شراب بریزند تا سه جوش بر دو یک کهنه
جوش بماند و نصف آن روغن خیری با آن بیامیزند و
بریزند تا شراب برود و روغن بماند پس در هر ده درم
روغن دو درم فرفیون تازه اندازند و یکجوش بدهند
و بر دارند روغن سوسن برودة و اختناق رحم را سود
دارد و گرده و مثانه سرد را گرم گرداند صفت آن

سلیخه خب بلسان قسط از هر یک ده درم قرفه قرنفل
مصطکی از هر یک پنجدرم گل سوسن سپید عدد زعفران
دو درم زردی از سوسن بردارند و یک رطل و نیم
روغن کنجد در شیشه کنند و داروها کوفته و بیخته بر روی
آن کنند و سر ویک آفتاب بنهند در سایه و چهل روز
بگذارند پس بیرون آورند و نگاه دارند روغن بیدانجیر ساده
مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبات پاک کند
صفت آن بیدانجیر بریان کرده نرم بکوبند و بجوشانند
و کف میگیرند و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند
و آب زرد بماند آن آب بریزند و کف را بجوشانند
کتمام با روغن صاف میشود روغن بیدانجیر مرکب
فالج و لقوه و سدهٔ جگر و سپرز را نافع بود و قولنج بگشاید
صفت آن نانخواه صعتر فودنه کوهی تخم کرفس انیسون
بادیان مصطکی اسارون از هر یک هشت درم بیخ کرفس بیخ

بیخ سوسن راسن خشک از هر یک ده درم شیطرج هندی
و مقل از هر یک پنج درم سکبینج جاوشیر زرنباد درونج
بیخ عقربی از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی قاقله خیربوا
کبابه دار فلفل جوزبوا بسباسه شونیز قسط کرفیا از
هر یک چهار درم مجموع نیم کوفته بخیسانند یک شبانروز در آب
و بجوشانند تا نرم شود و به پالایند و صد و پنجاه درم
روغن بیدانجیر تازه بر سر آن کنند و بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند شربتی دو درم تا سه درم با ماء الاصول
روغن ترب مانند روغن زیت بود و گرم تر از روغن بید
انجیر باشد درد گوش را نافع باشد و بادی که در گوش
بود دفع کند صفت آن آب ترب سه جزو بگیرند و
روغن کنجد یکی و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن خشک عسر البول را عظیم نافع بود صفت آن
خشک ده مثقال زنجبیل چهار مثقال نیم کوفته بجوشانند

و به بالا بند

و به پالایند و یک چهار یک روغن کنجد اضافه نمایند
و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن کدو
بوئیدن و مالیدن آن سرسام و مالیخولیا را نافع باشد
صفت آن کدو تازه بستانند و پوست آن بخراشند
و با تخم و شحم بکوبند و آب آن بگیرند چهار رطل و یک من روغن
کنجد بر وی ریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند اما بهتر آنست که از مغز دانه کدو خشک بگیرند
مانند روغن بادام روغن ریحان فالج و درد زانو را
نافع باشد صفت آن آب ریحان دو جزو روغن
کنجد یکی جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
لاله معده سرد را گرم کند روغن لاله برگ لاله از شاخ صفت آن
آن جدا کنند و در شیشه کنند و روغن زیت بر وی
ریزند و یکماه در آفتاب بیاویزند روغنی که درد گوش
را که از گرمی باشد زایل کند صفت آن روغن گل

روغن گل ده درم روغن بادام شیرین پنجدرم سرکه
کهنه سی درم بیکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه
برود و روغن بماند و در گوش چکانند روغن کنه
درد گوش که از سردی بود زایل کند صفت آن
کندر پنجدرم صبر و مصطکی جندبیدستر حضض زهره
گاو از هر یک یکدرم روغن بادام تلخ بیست سرکه
کهنه چهل درم ادویه کوفته با شراب و روغن بجوشانند
تا روغن بماند و در گوش میچکانند روغن مصطکی معده
را قوة دهد صفت آن روغن زیت پنجاه درم در
شیشه کنند و ده درم مصطکی بروی ریزند و دیگی
را تا نیمه آب کنند و آن شیشه در میان آن دیگ
آویزند و آتش کنند تا آب میجوشد چندانکه مصطکی
گداخته شود روغن مورد موی را نگاه دارد و اگر
ریخته باشد بروید صفت آن بگیرند آب مورد

بجو و روغن زیت بپزند و با یکدیگر بجوشانند
تا نزدیک بانزدیک آنکه آب برود و روغن و
روغن بماند قدری لادن در آن اندازند تا بگدازد
و فرو گیرند روغن دیگر که موی را محفوظ کند کند
صفت آن پوست هلیله کابلی مازو برگ مورد
از هر یک بپزند و در شراب ریحانی خیسانند یکشبانروز
پس آنرا بپزند و بپالایند و بپزند و روغن کنجد در آن ریزند
و در هر صد درم روغن ده درم لادن در وقت فرو
گرفتن بیندازند تا بگدازد و فرو گیرند و شب موی
را چرب کنند و صباح در حمام بشویند روغن دیگر
که موی را سیاه کند و دراز و از افتادن نگاه دارد
صفت آن سادج هندی حماما حضض هندی لادن
آمله از هر یک پنجدرم کوفته در سه رطل آب بپزند تا
برطلی آید و یک رطل روغن کنجد بر وی ریزند و بجوشانند

تا آب برود و روغن بماند و هر روز بهر تاب برگ
کنجد و آب برگ چغندر می شویند و این روغن می مالند
روغنی دیگر که موی را سیاه کند و تا شست ساه سیاهی آن
بماند صفت آن بستانند جوز هندی و سر آن ببرند و مغز
آن بیرون کنند و هجده درم از آن مغز بادام ده درم آمله
و ده درم براده آهن و نیم درم بوره ارمنی درهم بسایند
خورد و در میان آن جوز کنند و سر آن بخمیر محکم کنند و تمام
آن جوز را در گل حکمت گیرند و در میان آتش نهند چندانکه
یکساعت نجومی بگذرد و از آتش بیرون آورند و روغنی
که از آن رانیده شود در موی مالند که مقصود حاصل شود
روغن حنا موی را سیاه کند و دق الثعلب و اوجاع مفا
صل را نافع باشد صفت آن برگ حنا یکچهاریک در دو من
آب بجوشانند تا یکمن آید و به پالایند و با یکمن روغن
کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن آمله

موی را سیاه و قوی گرداند صفت آن آمله مقشر
برگ مورد و پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته در آب
و از آب بر ترکنند تا نهر اشود صاف کنند و بمقدار آن
روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن بماند
روغن بیضه و هفته بر هر موضع که مالند موی بروید
صفت آن بگیرند یک خربزه و سوراخ کنند و دانه
از آن بیرون ریزند و سی عدد زرده تخم مرغ در اندرون
آن خربزه ریزند با پنج سیر روغن زیت و برگ مورد
کوفته و براده آهن صلایه کرده از هر یک ده درم سوراخ
خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یکشب در تنور
نهند روز دیگر بیرون آورند و گل را از آن جدا کنند
و این خربزه را با روغن زیت بمالند تا نرم شود و نگاه
دارند روغنی که سیه بافراط آورد چون بر بینی مالند صفت
آن نوشادر نمک نفطی تخم سپندان تخم چرچیر فلفل سیاه

زنجبیل کاکنج مساوی نیم کوفته کنند و در آب بجوشانند
تا مهرا شود پس صاف کنند و با همچند آن آب روغن
بید انجیر بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند
روغن به معده را قوة دهد و جنس عرق کند و اگر بر وی
کشکاب کنند و باز خورند اسهال باز بندد صفت آن
آب به دو جزو آب برگ مورد یکجزو روغن گل یکجزو
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن مازریون
استسقا را نافع باشد صفت آن برگ مازریون یکجا
ریک و در سه من آب بجوشانند تا بنیمه آید و سه وقیه
روغن بادام در آن افکنند و بجوشانند تا روغن بماند
شربتی یکدرم با شیر شتر اعرابی روغن بنفشه بادام سرد و تر
بود جرب را مالیدن نافع باشد و صلابت مفاصل را
نرم گرداند و در ناخن مالیدن صحت از انکاه دارد
و دفع بیجوابی کند صفت آن مغز بادام شیرین که تلخ

میان

میان آن نباشد سفید کنند و بدو نیم کنند و خشک
گردانند و هر دو من بادام یکمن بید مشک برو
پیش ریزند و در خریطه کرباس نو ده روز میان
پیدبرها کنند بعد از آن بیدرا از وجدا کنند و بنفشه
بی علف بر ویش ریزند هر هفته دیگر باره بنفشه تازه
بر ویش میریزند و چند روز در زیر جامه خواب کنند
تا نیک بوی بنفشه بگیرد و بعد از آن معلق در آویزند
تا نیک خشک شود و بنفشه را جدا سازند و روغن
از آن بکشند چنانکه رسمست روغن گلبادام معتدل
بود در حرارت و برودة دماغ را نافع باشد و فهم بیفزاید
و اسهال حاری باز دارد و درد سر را که از گرمی بود
سود دارد و چون در آب سرکه بریزند صاحب جرب
و حکه بمالد نیک شود صفت آن چون بنفشه بادام
است که بجای بنفشه ورق گل سرخ کنند هر دو من بادام

تازه

دومن ورق گل کنند روغن گل بابونج و بنفشه و شقایق و
زنبق و یاسمین و نرگس و سداب و شبت و بابونه و
هرچه تازه باشد دستور آنست که در شیشه کنند و در
آفتاب آویزند یکروز روز دیگر روغن بر رویش ریزند
و در آفتاب آویزند روغن آجر که از ادهن المبارک
خوانند خواص بسیار دارد و گرم تر از نفط سفید است
ولطیف تر امراض بارده را بغایت سود دارد
وجهة گزیدن عقرب و کسی را که افیون و بزر البنج خورده
باشد نافع بود صفت آن آجر سرخ آب ندیده با دام
با دام کنند و در آتش اندازند و بعد از آن بیرون آورند
و خورد کنند و در شیشه که بگل حکمت گرفته باشند
کنند و سرش بموی اسب بگیرند و بگلکی نهند که سوراخ
در ته آن باشد و پر فحم کنند و آتش در آن اندازند
و چیزی در زیر شیشه نهند و روغنی که بچکد نگاه دارند

روغن سورنجان مفاصل را نافع باشد صفت آن
سورنجان مصری و آب کرفس تازه از هر یک ده
مثقال قصب الذریره پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره
نیم کوفته بخیسانند یکشبانروز روز دیگر بجوشانند تا نصف
شود و بپالایند و آب کرفس اضافه نمایند و بچهار یک
روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن گوارش بواسیر را نافع باشد صفت آن آب
گندنا یکمن و روغن کنجد نیم من باده درم مقل بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند روغن تاتوره جهت سرعت انزال
نظیر ندارد و چون کف پا را بدان چرب کنند صفت
آن تاتوره هندی از پوست پاک کنند و نیم کوفته در شیشه
گردن دراز کنند و سر شیشه بموی اسب محکم کنند و
شیشه بگل حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش تواند کرد
ترتیب نمایند و ته کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را

از آن سوراخ بیرون آورند و در زیر سر شیشه پیاله بنهند
و کاسه را بر بالای سه پایه بنهند و آتش از بالای شیشه
کنند و در اندرون کاسه و روغنی که از آن بچکد نگاه دارند
روغن عقرب سنگ مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد
صفت ٦ ربوند چینی سعد هندی خبطیانا پوست بیخ کبر
از هر یک یکوقیه روغن بادام تلخ یک رطل داروها کوفته
در شیشه کنند و روغن بر سر آن ریزند و یک هفته در آفتاب
بنهند بعد از آن به پالایند و ده عقرب زنده در آن اندازند
و سر شیشه به بندند و یک هفته دیگر آفتاب بگذارند پس
به پالایند و دو قطره از آن در احلیل چکانند [illegible] روغنی
منقول از قانون اوجاع بارده احشا و قولنج و مغص را
را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش
را ساکن گرداند و چون در بینی چکانند صداع و شقیقه
بارده را سود دهد و رنگ را خوب کند و اندرون رحم را

گرم کند و چون در احلیل چکانند امراض مثانه را نافع باشد
و این روغن اشرف روغنهاست و منافع این بسیار
است صفت ٧ قصب الذریره سعد ورق (الغار) گل سرخ
عود بلسان لک ساذج هندی برگ مورد اذخر ابهل
راسن قرومانا مرزنجوش مساوی نیم کوفته در شراب
و آب خیسانند یکشبانروز روز دیگر صاف کنند و با روغن (علی)
کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن ناردین
[illegible] دیگر اورام صلبه معده را نافع باشد صفت
روغن کنجد یک رطل سنبل نیم وقیه مصطکی قسط
سعد اذخر قصب الذریره از هر یک یکدرم و نیم کوفته
در شیشه کنند و سرش را محکم سازند و یک هفته در آفتاب
بگذارند بعد از آن صاف کنند و ادویه را دیگر باره در آن
ریزند و همچنین تا سه نوبت بعد از آن صاف کرده استعمال
نمایند ریاد انتقا سنگ گرده و مثانه بریزاند صفت

آن بگیرند عقرب را و در شیشه محکم کنند و در گل حکمت گیرند
و در تنور گرم نهند شش ساعت پس بیرون آورند
~~کوفته و بیخته بکید الکت~~ استعمال نمایند باب
الزاء زرعونی پشت و کرده را محکم کند و معده را قوه
دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند و آب از دهن
رفتن باز دارد و باد ها بشکند و ریگ از مثانه پاک
کند و منی بیفزاید صفت آن تخم کرفس تخم گزر تخم شلغم
شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ تخم
کرفس از هریک پنج مثقال عاقرقرحا و قد زعفران
مصطکی عود خام از هریک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه
چینی قاقله از هریک سه درم عنبر اشهب یک مثقال
عسل سه وزن ادویه عنبر را در عسل کف گرفته بگدازند
و ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از دو ماه استعمال
کنند شربتی دو مثقال زرعونی دیگر منی بیفزاید و باه برا

قوة دهد و پشت و کرده را محکم سازد و در امر جماعت
عظیم نافع باشد صفت آن تخم کرفس تخم گزر تخم شلغم
تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ تخم
کرفس مغز حب قلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز
جلغوزه از هریک پنج مثقال بسباسه قرنفل قاقله عاقرقرحا عود
کبابه زنجبیل تخم اسپست تخم چوچر تخم پیاز حب الرشاد
الجزره تخم گندنا خولنجان جوزبوا گل قرنفل دارفلفل از هریک
سه درم زعفران کندر مصطکی عود از هریک چهار درم
تخم بالیون بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل لسان
العصافیر از هریک پنج درم بصل الفار بریان کرده یک درم
خصیة الثعلب قضیب گاو سوده مغز کله گنجشک نر خشک
از این کشی جوز ما از هریک ده مثقال عنبر اشهب دو مثقال
مشک خالص نیم مثقال قند بوزن ادویه عسل بوزن مجموع
بطریق معهود معجون سازند گرم مزاج دو مثقال بنوشند

پردوا جاب را اپنا تو شته
خادم حبیب
١٨٧٥٢٤

واز عقب آن ده درم شیر تازه و ده درم شکر در آن
حل ساخته بنوشد و سرد مزاج پنجدرم فرو برد و از عقب
آن یک کاسه ماء العسل بیاشامد باب
السین سفرجلی مسهل معده را قوة دهد و اشتهاء طعام
آورد و قولنج بگشاید صفت آن به اصفهانی را از پوست
و دانه پاک کنند و در سرکه یا شراب بجوشانند تا مهرا
شود و از غربال بیرون کنند و یکمن عسل صاف بر سر
آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و این داروها کوفته و بیخته
بآن بسرشند زنجبیل دارفلفل قاقله کبار و صغار دارچینی
زعفران از هریک ـ درم مصطکی پنجدرم تربد سفید
سی درم سقمونیا ده درم شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال
باب گرم بنوشند جهة قولنج نافع باشد سفرجلی
صاحب مزاج گرم را موافق باشد و در فصل گرما توان
خورد و از ین جهة محمد زکریا این را سفرجلی بالبستانی نام

نهاده صفت آن سقمونیا دو درم و نیم تربد ده
درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هریک پنجدرم ورق
گل سرخ و طباشیر از هریک دو درم و نیم ترنجبین و عصاره
به از هریک پنجاه درم آب به و ترنجبین بجوشانند چند
انکه ترنجبین گداخته شود و بقوام آید پس داروها کوفته
و بیخته بآن بسرشند این جمله ده شربت است سفرجلی
ممسک شکم ببندد و معده را قوة دهد و دفع قی
و لون را نکو گرداند و اشتهاء طعام آورد صفت آن
به اصفهانی از پوست و دانه پاک کرده یکمن در سرکه
بجوشانند تا مهرا شود و بعد از ان بکوبند و یکمن عسل بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا بقوام آید فرو گیرند و این داروها
کوفته و بیخته بآن بسرشند زنجبیل دارفلفل فلفل از هریک
چهار درم تخم کرفس نانخواه زعفران از هریک دو درم
شربتی چهار مثقال سکنجبین با دو ها غلیظ را دفع کند

و درد دندان و قولنج و عسر البول بلغمی را سود دارد و سده جگر
بگشاید و صلابت انرا تحلیل کند و معده را گرم گرداند و تخمه
را نافع باشد و سرد مزاج را موافق باشد صفت آن
جند بیدستر دارچینی افیون اسارون مساوی کوفته و
فو مو دو قوا از هریک یکدرم فلفل دار فلفل بارزد و قسط
از هریک شش درم زعفران نیم درم بارزد در عسل
بکداز ند و داروها کوفته و بیخته با ان بسرشند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا دو درم با آب گرم
سکنجبین ساده صفرا دفع کند و محرور مزاج را
موافق باشد و تبهاء حاده و جگر گرم را نافع بود و
تشنگی نشاند صفت آن قند سفید یکمن در دیگ
کنند و یکچهار یک سرکه صاف بروی ان ریزند و
بجوشانند تا بقوام آید و یک وقیه گلاب بر سر آن کنند
و فرو گیرند سکنجبین بزوری باید سده جگر بگشاید

وبول براند و ضعف معده و امعاء و اسهال مراری و جگر را نافع
دو درم مجموع کوفته و بیخته بسوی بزر قطونا سفوف
سازند شربتی دو درم تا آب باران یا آب
برگ خرفه و اگر حرارة قوی نباشد سه درم کندر
اضافه این داروها نمایند سفوف حب الرمان
ضعف معده و امعا و اسهال مراری را نافع باشد
صفت آن انار دانه بریان کرده ده درم بلوط
سماق زیره کرمانی مدبر حب الاس سنجد گشنیز خشک
بریان کرده خرنوب آرد کنار را از هریک پنجدرم عود خام
نیم درم آمله یکمثقال کوفته و بیخته بارب به استعمال نمایند شربتی
سه درم سفوف الطینی و انرا سفوف الکشانیز
گویند اسهال مراری و معدوی را نافع باشد صفت آن
بزر قطونا تخم ریحان تخم مرو نشاسته تخم حماض بریان
بریان کرده صمغ عربی گل ارمنی طباشیر مساوی کوفته
بیخته ... تخم ... در ... بیامیزند شربتی سه درم

بروغن کل بادام چرب کرده و بجلاب تر کرده فرو برد
سفوف ابن ماسویه جهة زحیر و وجع و امعاء و
سحج نافعست صفت آن تخم خطمی مقشر و تخم خبازی
مقشر از هریک پنجدرم نشاسته بریان کرده سه درم
صمغ عربی و گل ارمنی از هریک دو درم کوفته و بیخته
شربتی دو درم هر صباح و سه درم ماباقی که صمغ عربی
و گل ارمنی و طباشیر در آن منقوع باشد نافع بود سفوف
زرشک شکم به بندد و ضعف معده را نافع بود
صفت آن سماق نانخواه زنجبیل انار دانه بریان
کرده زرشک منقی آرد کنار از هریک دو درم نبات
سفید بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف
سماق تشنگی بنشاند و اسهال معدی را نافع بود صفت
آن سماق ده درم حب الآس و انار دانه بریان کرده
از هریک پنجدرم خرنوب پانزده درم صمغ عربی و گل ارمنی

از هریک

از هریک دو درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف
سورنجان نقرس و مفاصل و عرق النسا را نافع باشد
صفت آن سورنجان مصری ده درم سنا مکی هفت
درم پوست هلیله زرد و مغز بادام مقشر از هریک سه درم
زعفران نیم درم سقمونیا یکدرم قند سفید سی درم و اگر
ماده بلغمی باشد ترید سفید ۲ مثقال اضافه نمایند و سقمونیا
نیم درم زیاده کنند سفوف سرطان مسلول را
بغایت نافع بود صفت آن سرطان نهری سوخته
دو درم طین قبرسی و صمغ عربی و خشخاش سفید و خشخاش
سیاه و مغز تخم خربزه از هریک پنجدرم کوفته و بیخته شربتی
یکمثقال با شراب انار شیرین یا شراب خشخاش سفوفی
که سنگ را خرد کند و مثانه اطفال پاک کند صفت آن
مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ آلو قلت مساوی کوفته
و بیخته شربتی نیم درم تا یکدرم سفوفی که خفقان گرم را

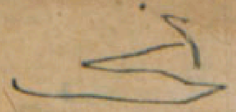
نافع باشد صفت آن گل ارمنى وكشنيز خشك از هريك
يكدرم طباشير وكهربا از هريك نيم درم كافور نيم دانك
كوفته وبيخته بادوغ گاو دهند سفوف ارسطاطاليس
كه از بهر اسكندر ساخته بود ذرب وتباهى معده وزردى
روى ووسواس ونسيان را نافع بود وطعام را هضم
كند وبوى دهن خوش كند ودل را قوة دهد صفت آن
قرفه ساذج عود دمال اسارون مصطكى هليله كابلى قلنجان زنجبيل
نارمشك زيره كرمانى دارچينى اشنه فلفل دارفلفل
قرنفل انار دانه جوزبوا كافور قاقله از هريك دو درم
مشك وعنبر از هريك يكدرم نبات شش وزن ادويه
شربتى يكدرم تا سه درم سفوف عداده معده سرد
وتر را نافع بود وجگر را قوة دهد صفت آن
لك مغسول حب الاس بلوط مصطكى مازو عود بلسان
پوست انار از هريك چهار درم زنجبيل كندر از هريك

يكدرم نبات پنجاه درم شربتى سه درم يكهفته استعمال
نمايند وگوشت نخورند سفوف آمله آمله مقشر
سه مثقال مصطكى عود ريوند چينى گل سرخ زيره كرمانى
مدبر كرده يا مدبر رب السوس مغز تخم خيار زرين نعناع خشك
كوفته وبيخته سفوف سازند سفوف كبدى ورق
گل سرخ سه درم زرشك منقى لك منقى فوه طباشير
صندل سفيد نشاسته صمغ عربى از هريك يكدرم ريوند
چينى نيم مثقال تخم حماضى يكمثقال زعفران دو دانك
كوفته وبيخته استعمال نمايند سفوفى كه فواق بلغمى را
دفع كند صفت آن تخم كرفس فطراساليون سعد
از هريك دو درم ونيم دوقو پوست بيرون نانخواه
انيسون فودنه اسارون قسط زيره كرمانى از هريك
سه درم وج نيم درم شربتى دو درم سفوف كه
ورم جگر وتبهيج را ببرد صفت آن گل سرخ هشت

هشت درم زرشک پنجدرم سنبل ومصطکی وعصارهٔ
غافت وافسنتین رومی وریوندچینی ازهریک دودرم
فقاح اذخر واسارون ورب السوس ازهریک دودرم
ونیم زعفران یکدرم شربتی دودرم باسکنجبین سفوفی
که حرارت جگر بنشاند وخمار دفع کند واسهال صفرایی
را بازدارد وغلبهٔ خون را ساکن گرداند وکسی را که آبله
برخواهد آمد سود دارد صفت آن ورق گل سرخ
ده درم طباشیر بیست درم سماق تخم حماض عدس مقشر
زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید ازهریک پنجدرم
صندل سفید دودرم ونیم کافور یکدرم شربتی سه درم با
شراب حماض یا شراب غوره یا شراب انار سفوف
کهربا خون بسیار که از رحم رود بازدارد صفت
آن کهربا گل ارمنی گلنار دم الاخوین لک مساوی
کوفته وبیخته شربتی سه درم با یکدانگ افیون

دریک وقیه نقیع سماق حل کرده دهند سفوفی
که از جهتهٔ بول دم نافع باشد صفت آن شادنج
مغسول دم الاخوین بسد کهربا شب یمانی گلنار تخم خرد
گل ارمنی گل قبرسی مساوی کوفته وبیخته با آب سماق
سفوف سورنجان نسخهٔ دیگر اوجاع مفاصل
را نافع باشد صفت آن سورنجان هفت درم
زیره کرمانی بریان کرده فودنه ازهریک دودرم فلفل
یکدرم قند سفید دوازده درم کوفته وبیخته شربتی سه درم
سفوف تربد گل سرخ چهار درم زرشک منقی دو
درم ونیم سنبل مصطکی عصارهٔ غافت افسنتین
ریوندچینی ازهریک یکدرم فقاح اذخر اسارون ر
رب السوس ازهریک پنجدانگ زعفران نیم درم
کوفته وبیخته سفوف سازند سفوف حجرالیهود
نسخهٔ دیگر تخم قلت پانزده درم مغز تخم خربزه مقشر

تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار درم و نیم سپستان
دو درم صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک سه درم
حجر الیهود شش درم قند سفید هشتاد و هشت درم
کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب نخود سیاه سفوفی
که در ساعت شکم ببندد صفت آن شاه بلوط
سه درم مازو پوست انار از هر یک چهار درم گلنار کندر سماق
شش درم حب الاس هفت درم کوفته و بیخته دو درم
با آب سرد سفوف منوم کندر عود خام از هر یکی
یکدرم خشخاش ده درم تخم کاهو پنجدرم زعفران دانگی
نبات بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوفی
که شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند و معده را
قوة دهد و اشتهای طعام آورد صفت آن زرنباد
تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هر یک دو درم
کندر سه درم کمند مقشر ده درم نبات نود مثقال کوفته



و بیخته سفوف سازند سفوفی که دفع سرعة انزال
کند صفت آن طباشیر خشخاش انیسون کندر از هر یک
یکدرم جوز السرو سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم بشراب
خشخاش سفوفی که مدقوق و مسلول و قروح سینه را
و نفث المده را نافع باشد صفت آن صمغ عربی بعد از
نشاسته کثیرا مغز بهدانه خشخاش سیاه تخم کاهو و
تخم خطمی از هر یک شش درم صندل سفید دو درم سکر العشر
و طباشیر از هر یک سه درم ورق گل سرخ تخم خرفه تخم
خبازی از هر یک پنجدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
عصاره لسان الحمل گل مختوم گل ارمنی گل قبرسی از هر یک
چهار درم زعفران یکدرم کوفته شربتی دو مثقال با
نیم دانگ کافور و دو دانگ رماد السرطان بشراب
خشخاش و شیره تخم خرفه نافع باشد سفوفی که باد را
دفع کند و استسقا طبلی را نافع باشد صفت آن

تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون قسط ریوند چینی
از هریک دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل و سعد
از هریک یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال **سفوفی**
که اسهال معدی را نافع باشد **صفت آن** انار دانه
بریان کرده آرد کنار آرد سنجد از هریک ده درم
کشنیز خشک بریان کرده پنجدرم خرنوب شامی و خرنوب
نبطی و بلوط در سرکه خیسانده یکشبانروز و در سایه
و بریان کرده از هریک پنجدرم سماق سه درم کوفته
و بیخته شربتی دو درم **سفوفی** که قرحه امعا را نافع باشد
صفت آن دم الاخوین شادنج مغسول نشاسته
تخم کرفس از هریک پنج درم صمغ عربی یکدرم مومیائی
دو دانگ کاکنج دو درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم و نیم
با شراب خشخاش بنوشد **سفوف لؤلؤ**
ذوسنطاریای کبدی را نافع باشد و معده و دل و جگر

را قوه دهد و حرارت و تشنگی بنشاند **صفت آن**
مروارید ناسفته چهار درم ابریشم سوخته گلنار طباشیر
درونج گل ارمنی گل قبرس تخم گل خطمی سنجد بارتنگ بریان کرده
تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد پست کنار آرد سنجد کشنیز خشک بریان کرده
صمغ عربی بریان کرده سماق زرشک پست جو بریان کرده طراثیث
تخم خرفه بریان کرده بزرقطونا بریان کرده از هریک سه درم
گل مختوم و مصطکی از هریک یکدرم انار دانه پنجدرم کهربا و اقا
قیا مغسول از هریک دو درم مجموع کوفته و بیخته بغیر از بارتنگ
و بزرقطونا سفوف سازند **سفوف ذرب** تخم حماض
زرشک بی دانه تخم ریباس کشنیز خشک بریان کرده گل سرخ
خرنوب شامی بلوط طباشیر از هریک یکدرم سماق و حب الآس
از هریک دو درم انار دانه چهار درم کوفته و بیخته سفوف
سازند **سفوف خرنوب** اسهال معدی و استرخای
معده را نافع باشد **صفت آن** خرنوب نبطی بی دانه

زیره کرمانی مدبر سماق پست کنار حب الآس مصطکی بلوط
کشنیز خشک بریان کرده مساوی کوفته و بیخته شربتی یک مثقال
با رب مورد نافع باشد سفوف البزور باد و بادها بشکند و معده
را قوة دهد صفت آن کرویا انیسون زیره کرمانی فاقله
قرنفل نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم قرنفل نیم درم
زنجبیل دو دانگ فلفل از هر یک دو دانگ قند سفید بیست
مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف حب العنب
شکم به بندد و معده را قوة دهد صفت آن دانه انگور
و صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الآس و سماق از
هر یک دو درم مصطکی و گلنار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهة اسهال که
با آن سحج باشد صفت آن حب الآس شاه بلوط
خشخاش خرنوب از هر یک دو درم صمغ عربی یکدرم کوفته
و بیخته شربتی سه درم سفوف دیگر که همین خاصیت

دارد

دارد صفت آن صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس
از هر یک چهار درم پرسیاوشان و کندر از هر یک یکدرم
خرنوب شامی و مقل مکی از هر یک سه درم کوفته و بیخته
شربتی سه درم بشراب خشخاش سفوفی که حرقة بول
و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند صفت
آن مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم خرفه
خشخاش سفید از هر یک ده درم نشاسته کثیرا رب
السوس از هر یک سه درم بزر البنج سفید دو درم
قند برابر همه شربتی سه درم صباح و سه درم شبانگاه
بشراب خشخاش سفوف دیابیطس صمغ عربی گل ارمنی گلنار
سماق بلوط از هر یک پنج درم نشاسته کثیرا تخم کاهو
تخم خرفه از هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته
و بیخته شربتی سه درم با آب انار ترش سفوف مفاصل
سورنجان ده درم سقمونیا یکدرم و چهار دانگ کبابه یکدرم

قند سفید سی درم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوفی
که بواسیر و اسهال و زحیر و مغص را نافع باشد صفت
آن تخم تره تیزک بریان کرده لوز مقشر بزرک بریان
کرده بزرقطونا از هریک سه درم تخم کرفس بریان کرده
گل ارمنی تخم مرو از هریک دو درم و نیم صمغ عربی یکدرم
کوفته و بیخته سوا تخم تره تیزک و بزرقطونا و تخم مرو سفوف
سازند سفوفی که نافعست از جهة حرارة جگر و یرقان
و نفث الدم و سدهٔ جگر صفت آن سه دانه مقشر نانخته
مغز تخم خیار از هریک چهار درم گل ارمنی لک مغسول گل
سرخ سنبل اصل السوس از هریک یکدرم طباشیر نیم درم
مصطکی دو دانک شربتی یکدرم با آب سرد سفوفی
که نافعست از جهة یرقان و درد جگر و قی صفرایی صفت
آن لک مغسول یکمثقال طباشیر دو درم زعفران یکدرم
ریوند چینی دانک نیم کافور دانکی شربتی دو درم با شراب

هندبا با شراب آلو سفوف بلوط معده را قوة دهد
و اسهال باز دارد صفت آن بلوط شاه بلوط
دانه مویز ارو کنار از هریک ده درم خرنوب نبطی و
حب الآس از هریک بیست درم کوفته و بیخته شربتی
سه مثقال سفوفی که همین خاصیت دارد صفت
آن دانه مویز تخم حماض انار دانه صمغ عربی از هریک
سه درم حب الآس و بلوط از هریک چهار درم
خشخاش سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال سفوف
خبثی از جهة سرعة انزال که سبب آن حرارة باشد
نظیر ندارد صفت آن بزرقطونا ده درم تخم خرفه
سه درم کشنیز خشک یکدرم و نیم شربتی یکمثقال ناشتیا
سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهة فواق
امتلایی صفت آن تخم کرفس سعد زیره کرمانی مسا
وی کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوفی که نافعست

از جهة ضعف معده که سبب آن حرارة باشد
صفت آن گلنار گل سرخ از هر یک سه درم عود خام دو درم
زرشک ده درم آمله طباشیر از هر یک سه درم سنبل
یکدرم زعفران و کافور از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته
شربتی یکمثقال با شراب انار سفوفی که رنگ را سرخ
گرداند صفت آن زوفای خشک ده درم زعفران
سه درم قند سفید سیزده درم کوفته و بیخته هر روز دو
درم سفوف سازند سفوفی که سده سپرز بگشاید
و طحال را نافع باشد صفت آن تخم کاشنی و کزمازج از
هر یک سه درم حب الفقد یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی
سه درم با سکنجبین سفوفی که نافعست از جهة
وجع کلیه که سبب آن برودة باشد صفت آن قسط
سنبل قردمانا حماما تخم کرفس مساوی کوفته و بیخته
شربتی یکدرم سفوفی که بدن را لاغر گرداند

صفت آن لک مغسول ده درم نانخواه تخم سداب
زیره کرمانی از هر یک چهار درم مرزنگوش بورة ارمنی
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی هر روز یکمثقال با گلقند
بنوشند سفوفی که همین خاصیت دارد صفت آن
لک مغسول سندروس از هر یک چهار دانگ مرزنگوش
نیم درم زاج زراوند مدحرج جنطیانا از هر یک دو دانگ نیم
کوفته و بیخته شربتی دو دانگ سفوفی که قطع سیلان
منی کند و سرعة انزال را نافع بود صفت آن تخم سداب
سه درم تخم فنجنکشت تخم سوسن از هر یک دو درم
گلنار ورق گل سرخ از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته
دو درم از آن در دوغ یا آب غوره حل کرده بنوشند
سفوفی که نافعست از جهة قروح کلیه و مثانه صفت
آن گل مختوم دم الاخوین نشاسته کندر مغز تخم خربزه
تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم کدو رب السوس لک

ریوند چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بزر البنج مساوی
کوفته و بیخته شربتی دو درم بزر البنج سفوفی که وجع کلیه
و مثانه را تسکین کند صفت آن بزر البنج دانگی افیون
قیلاطی مغز تخم خیارین سه درم تخم کاهو و تخم خرفه
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بشراب خشخاش بنوشند
سفوفی که از جهت استرخاء زبان نافعست صفت آن
دارچینی حماما سنبل از هر یک سه درم سادج نا
نخواه زراوند طویل تخم کرفس شبت مصطکی سیبا
لیوس دوقو انیسون از هر یک یکدرم مروارید
مروارید ناسفته کهربا از هر یک دو درم کوفته و بیخته
شربتی یکدرم با آب گرم یا شراب کهنه سفوفی که در
آبستنی معین باشد صفت آن نشاره عاج ونبا
از هر یک مثقال زن سه شب سفوف سازد
و شب چهارم مرد با او مجامعت کند آبستن شود

بشرط آنکه بعد از طهر باشد و بعضی گفته‌اند که نشاره
عاج را زن هفت روز متناولی هر روز دو درم با
العسل بیاشامد بعد از آن جماع دهد آبستن شود
سفوفی که بول براند و حرقة البول را نافع باشد
صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش
نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج
دو درم قند سفید برابر همه ادویه شربتی سه درم
بشراب خشخاش سفوفی که قی دم را نافع باشد
صفت آن گل ارمنی و صمغ عربی گلنار دم الاخوین
کندر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با ده درم رب
رب به بنوشند سفوفی که قی بلغمی را قطع کند
صفت آن کندر مصطکی از هر یک پنجدرم عود خام
هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل قاقله جوز
بوا لسباسه سعد تفاح از هر یک چهار درم پوست

ترنج فرنجمشک از هر یک ده درم گل سرخ شش درم
سنبل و آمله از هر یک سه درم کوفته و بیخته سفوف
سازند شربتی سه درم سفوفی که شهوة طین و
شهوة ردیه را نافع باشد صفت آن انیسون
تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک ده درم فلفل
سفید دو درم و نیم قرنفل سه درم کوفته و بیخته شربتی
هر صبح و شام یک مثقال سفوفی دیگر که همین خاصیت
دارد صفت آن مصطکی زیره کرمانی نانخواه قاقلتین
مساوی نبات برابر همه کوفته و بیخته سفوف سازند
سعوطی که صداع گرم و خشک را نافع باشد صفت
آن آب کاهو و روغن نیلوفر از هر یک یکجزو
شیر دختران دو جزو بیکدیگر ممزوج ساخته در بینی
چکانند سعوطی که درد سر و درد چشم اطفال را نافع
باشد صفت آن کندش حضض کندر از هر یک

یکدرم صعتر زعفران مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
گلولها سازند و بوقت حاجت با شیر دختران یا روغن
بنفشه یا بادام سایند و در بینی چکانند سعوطی که صداع
بلغمی و ریحی و دوار را نافع باشد صفت آن
صبر مر کندر حضض جندبیدستر زعفران صعتر دارفلفل
فلفل سفید از هر یک یکدرم کندش دو درم مشک
نیم درم کوفته و بیخته با آب مرزنکوش سرشته قرصها
سازند و بوقت احتیاج با آب مرزنکوش بسایند
و در بینی چکانند سعوطی که سکته و لقوه را سود دارد
صفت آن زهرهٔ کلنک با آب مرزنکوش یا آب
سداب سائیده بچکانند یا جندبیدستر با ماء العسل
در بینی چکانند سعوطی که صداع حار را نافع باشد
صفت آن روغن بنفشه بادام روغن نیلوفر روغن
کدو آب کاهو آب کاشنی شیر دختران مساوی

بهم بیامیزند و در بینی چکانند سعوطی که فالج و لقوه را
سود دارد صفت آن صبر شونیز بورهٔ ارمنی مساوی
در آب چغندر حل کرده در بینی چکانند سعوطی که
شقیقهٔ سرد را نافعست صفت آن روغن بادام
با آب مرزنگوش در بینی چکانند سعوطی که سرسام
و صداع حار را نافع بود صفت آن آب مورد
عرق بید صندل کافور بیکدیگر مخلوط ساخته در بینی چکانند
سعوطی که صداع بارد و نسیان را سود دارد صفت آن
جوزبوا درمنهٔ ترکی قرنفل مرزنگوش از هریک یکمثقال
بسباسه چهار مثقال کوفته و بیخته با آب مرزنگوش در بینی
چکانند سعوطی که خنازیر را نافع بود صفت آن
بسباسه کاوزبان از هریک یکدرم زهرهٔ خارپشت
و کافور از هریک یکدانگ و نیم زعفران نیم درم کندش
دو درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سعوطی دیگر

که همین

که همین خاصیت دارد صفت آن دارفلفل ماهیزان
شیطرج از هریک یکدرم مشکطرامشیع تخم فنجنکشت
از هریک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند
سعوطی که فالج و لقوه و شقیقه و جمیع امراض بارده
رطبه را که در سر و چشم باشد سود دارد صفت آن
حضض و مر از هریک ده درم عدس و صعتر از
هریک پنجدرم صمغ سداب زهرهٔ کلنگ جاوشیر
جندبیدستر شونیز از هریک سه درم نبات زعفران
از هریک دو درم صبر و فرفیون از هریک نیم درم
کوفته و بیخته با آب خالص قرصها سازند هریک مقدار
عدسی و در وقت حاجت یکی از آن با آب مرزنگوش
و روغن بنفشه یا بادام ساییده در بینی چکانند سعوطی
که رعاف را نافع باشد صفت آن کاه سوخته پوست
تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو در سرکه انداخته و سوخته

مغسول
و پوست انار ترش کندر صدف سوخته شادنج
کافور از هر یک قدری با آب بادروج در بینی چکانند
سنون سورنجان ضعف اسنان را نافع باشد صفت آن
سورنجان قرنفل سعد کزمازج پوست هلیله زرد صندل سفید
گل سرخ مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنون دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آن پوست هلیله زرد
و نمک هندی از هر یک پنج درم قرفه پانزده درم دارچینی
و سعد از هر یک سه درم شب یمانی و سماق از هر یک
ده درم عاقرقرحا هفت درم نوشادر دار فلفل آمله زعفران
از هر یک یک درم گل کز سه مثقال قاقله و گلنار از هر یک
چهار درم زرنباد شانزده درم کوفته و بیخته سنون
سازند سنونی که حافظ صحت اسنان است صفت
آن شاخ گوزن سوخته کزمازج سعد سنبل از هر یک
چهار درم نمک اندرانی یک درم کوفته و بیخته سنون سازند

سنونی که دندان را از چرک پاک کند صفت آن
نمک اندرانی جو سوخته زبد البحر سماق مسحوق بیا مساوی
کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که دندان متحرک
را محکم سازد صفت آن گلنار شب یمانی آمله اقاقیا
مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی دیگر که همین
خاصیت دارد صفت آن شب یمانی گلنار کزمازج
مساوی کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و در سایه خشک کنند
و دیگر باره بکوبند و سنون سازند سنونی که نافعست
از جهة درد دندان که بسبب آن ورم لثه باشد صفت آن
تخم خرفه کشنیز خشک سماق عدس مقشر صندل سفید عاقر
قرحا کافور مساوی کوفته و بیخته بر لثه و دندان افشانند
بعد از انکه گلاب و سرکه را یکساعت در دهن نگاه
داشته باشند سنونی که بیخ دندان سخت کند و خون
باز دارد صفت آن شاخ گوزن سوخته نمک

اندرانی سوخته پوست بلیله زرد گل سرخ از هریک ده
درم گلنار یکدرم کوفته و بیخته بر لثه و دندان افشانند
سنونی که دندانرا محکم کند و خون رفتن بازدارد و
بوی دهن خوش کند صفت آن بلیله بلیله آمله مقشر
گل سرخ گلنار اقاقیا شب یمانی قرظ طباشیر عاقرقرحا
مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون
رفتن از بیخ دندان بازدارد صفت آن شب
یمانی سوخته یکدرم نمک بریان کرده دو درم سماق
سه درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون الملوک
درد دندانرا نافع باشد و بوی دهن خوش کند
صفت آن مرا بهل جوز السرو عاقرقرحا مساوی کوفته
و بیخته استعمال نمایند سنونی که ناصور بن دندانرا
باصلاح آورد صفت آن بیخ سوسن عاقرقرحا از
هر یک یکدرم شب یمانی گلنار مازو سماق از هریک

دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که زردی
و سیاهی از دندان ببرد و بوی دهن خوش کند
صفت آن کزمازج زنجبیل زبد البحر دار فلفل قاقله
از هریک دو درم نمک بریان کرده ده درم جو
سوخته هفت درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنون یمانی خون رفتن از لثه بازدارد و بوی دهان
خوش کند صفت آن شب یمانی پنجدرم پودنه کوهی
ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که
نافعست از جهت درد دندان که سبب آن رطوبت باشد
صفت آن فلفل دو درم ونیم بوره ارمنی یکدرم ونیم عاقر
قرحا زنجبیل مویزج از هریک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که لثه را محکم کند و بوی دهان خوش کند صفت
آن سعد گل سرخ از هریک پنجدرم گلنار کزمازج فوفل
از هریک سه درم دم الاخوین کندر قرنفل نمک اندرانی

مصطکی پودنه سوخته از هر یک دو درم عود خام
یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که بیخ دندان
سخت کند و خون رفتن باز دارد صفت آن
پوست انار ترش ده درم شب یمانی هشت درم
عاقرقرحا گل سرخ گزمازج سماق از هر یک چهار درم
نمک هندی پوست هلیله زرد از هر یک دو درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن از بیخ دندان
باز دارد صفت آن کات هندی گلنار فوفل گل سرخ
سماق دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته شب بپاشند
وصباح بگلاب وآب سماق مضمضه کنند سنونی
که دندان سیاه شده را سفید کند صفت آن پوست
هلیله زرد ده درم فلفل چهار درم حماما سه درم سادج
هندی دو درم مازو سوخته هشت درم کوفته و بیخته بر دندان
می مالند سنونی که لثه را محکم گرداند ونشف رطوبات

کند صفت آن گلنار ده درم نوشادر دو درم مویزج
سه درم مازو یکدرم پودنه سوخته ده درم نمک بعسل
سرشته وسوخته ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که دندانها را جلا دهد و لثه را محکم گرداند و بوی
دهان خوش کند صفت آن شب یمانی سوخته دو درم
شنج سوخته و نمک اندرانی و زبد البحر و جو سوخته و
چوب تاک سوخته از هر یک ده درم عاقرقرحا
کبابه گل گز از هر یک پنج درم قرنفل و سماق از هر یک
چهار درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون
باز دارد و لثه را محکم کند صفت آن گل گز آمله از هر یک
سه درم عصاره لحیة التیس گل مختوم اقاقیا از هر یک
یکدرم دارچینی نیم درم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی
که دندان را سفید گرداند و بوی دهن خوش کند
صفت آن زبد البحر نمک بریان کرده از هر یک دو درم

عود سوخته و جو سوخته و سفال سوچینی و گزمازج و کلنار
و عاقرقرحا و قرنفل و سادج و گل سرخ و سعد و سماق از هر
یک پنجدرم زراوند طویل سک حب الاس از هر یک
سه درم کوفته و بیخته بر دندان مالند سنونی که چون
در محل واردی آتشک مالیدن بر دهن و بیخ دندان
افشانند منع دهن جوشش کند و اگر دهن جوشیده
باشد استعمال نمایند باصلاح آورد صفت آن
زراوند مدحرج برگ مورد کندر سعد کلنار بیخ سوسن
دم الاخوین مازو مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که قلاع را نافع بود و بوی دهن خوش کند
و بیخ دندان محکم سازد صفت آن شیاف مامیثا
طباشیر تخم گل لسان الحمل پوست هلیله زرد کلنار برگ
زیتون گزمازج شب یمانی مساوی کوفته و بیخته استعمال
نمایند سنونی که اکله و ناصور بیخ دندان را نافع باشد

وخون رفتن باز دارد صفت آن مرزنگوش و بیخ سوسن
زرد بیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که همین خاصیت دارد صفت آن بیخ سوسن
عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی کلنار مازو سماق از
هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی
که دندان متحرک را محکم سازد صفت آن مر توتیا
شب یمانی نشاسته گل سرخ سماق پوست انار ترش
استخوان هلیله زرد سک کلنار مازو گزمازج مساوی کوفته
و بیخته بر بیخ دندان افشانند سنون یمانی که دهن و لثه
را نافع باشد صفت آن پوست انار ترش و شیرین
از هر یک سی درم مازو کلنار شب یمانی کاغذ سوخته
عاقرقرحا از هر یک ده درم سماق پانزده درم نمک
هندی و نوشادر از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بسرکه تر کنند
و گلولها سازند و در سایه خشک کنند و در وقت ا

بیاز عنصل احتیاج دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند سونیجان دیگر
پست ... استرخا و ورم لثه را نافع بود و دندان از چرک پاک کند
زو عفار خشک صفت آن پوست انار ده درم گلنار زرجوبه سماق شب
یمانی مازو از هریک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند باب
اصل السوس الثمین شراب افنتین معده را از اخلاط فاسده
پاک کند صفت آن افنتین رومی پنجدرم ورق گل
گل گاوزبان سرخ بیست درم تربد سفید ده درم در دو من آب بجوشانند
... و به پالایند و یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب افنتین
بنوعی دیگر معده ضعیف و جگر سرد و سپرز را سود
دارد و طبع نرم کند و بادها روده دفع کند صفت آن
افنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم تخم کرفس یک
... درم در دو من آب بپزند تا به نیمه آید و یا یکمن قند بسته
بپزند شراب افنتین بنسخه دیگر افنتین پنجاه درم
اینسون و گل سرخ و سلیخه و اسارون از هریک ده درم
مثقال سرکه ... دو سه شبانه روز خیسانیده بجوشانند
و چهارصد پنجاه مثقال آب
تا به نصف رسد صاف نموده با سیصد مثقال قند بقوام آورند
هر روز سه مثقال تا ده مثقال با آب مطبوخ ... مصطکی

مصطکی و سنبل از هریک هفت درم در دو من آب بجوشانند
بعد از مصطکی و صاف کنند و با یکمن و نیم قند بقوام آورند
بعد از آن مصطکی صلایه کرده با آن ممزوج سازند شراب
افنتین که معده را از صفرا پاک کند و سوء المزاج گرم
را زایل گرداند صفت آن ورق گل سرخ هفت درم
شاهتره و افنتین از هریک پنجدرم آلو سیاه بیست عدد
تمر هندی بیست درم مویز منقی سی دانه در دو من آب بپزند
تا بنصف آید صاف سازند و یکمن شکر سفید در آن حل
کنند و بقوام آورند شربتی ده درم با یکدرم صبر سقوطری
شراب سعال سرفه کهنه را بغایت مفید بود و سینه را از
اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را نافع باشد صفت
آن انجیر سفید شش وقیه پیاز عنصل یک وقیه اینسون
نیم وقیه در قدری خل الخمر و آب خیسانند سه روز و بجوشانند
و صاف کنند و دو رطل عسل اضافه کنند و بقوام آورند

شراب فواکه معده را قوة دهد و قی باز دارد و دل را قوة دهد **صفت آن** آب به و آب سیب و آب انار ترش و آب انار شیرین و آب امرود از هر یک پنج من و آب زرشک و آب سماق و آب غوره و آب زعرور از هر یک نیم جزو بجوشانند تا بجلی آید و آن مقدار قند که کفاف باشد اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید **شراب انار ترش** قی باز دارد و صفرا دفع کند و معده را قوة دهد **صفت آن** آب انار ترش ده من نعناع تازه دو شاخه عود خام آمله مصطکی از هر یک دو درم پوست بیرون پسته چهار درم کوفته در آب بجوشانند سوای مصطکی تا به نیمه آید صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی اضافه نمایند **شراب انار منعنع** فواق بنشاند و قی باز دارد و معده را قوة دهد **صفت آن** انار ترش و شیرین با شحم بکوبند و آب آن بگیرند دو من و یک من قند و یک وقیه آب نعناع اضافه نمایند و بقوام آورند

شراب آلو مسهل صفرا و بلغم دفع کند **صفت آن** آلو سیاه صد عدد تمر هندی پنجاه مثقال ترید سفید و بنفشه از هر یک بیست درم در کیسه کنند و در پنج من آب بجوشانند تا بیکمن آید و نیک بمالند و به پالایند و یکمن ترنجبین صاف کرده اضافه نمایند و بشربت بپزند و فرو گیرند و یکمثقال سقمونیا دران حل کنند **شراب خشخاش** منع نزلات کند و ریش سینه و شش را نافع بود و بیخوابی زایل گرداند **صفت آن** خشخاش بزرگ با پوست صد عدد نیم کوفته کنند و با دو من و نیم آب باران بپزند و بپالایند و با یکمن و نیم قند بشربت بپزند و اگر از خشخاش بی پوست پزند بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و بپزند و با یکمن قند بقوام آورند لیکن اولا آن بود که با پوست پزند **شراب سیب** معده و دل را قوة دهد و مفرح بود و قی باز دارد و اسهال صفراوی باز دارد **صفت آن** سیب اصفهانی

اندرون پاک کرده و در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب
آن بگیرند ده من و بجوشانند تا بده من آید و یکمن قند اضافه
کنند و بجوشانند تا بقوام آید شراب به دل را قوة دهد
و معده را و معده را قوی گرداند و اشتهای طعام آورد و
طبع ببندد و قی و غثیان بازدارد صنعت آن به ترش
و شیرین اندرون آن پاک کنند و آب آن بگیرند و هر منی
آب به یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب
ریباس اسهال صفراوی را نافع باشد و قی بازدارد و تشنگی
بنشاند و معده را قوة دهد صنعت آن ریباس را سر
و دنبال بگارد چوبین بیندازند و در هاون سنگین یا چوبین
بکوبند و آب آن بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا بنصفی
آید و زمانی بگذارند و بکرباس بپالایند و هر یکمن آب یکمن
قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب حماض صفرا بشکند
و قی بازدارد و معده و دل را قوة دهد و خفقان گرم را

نافع باشد صنعت آن آب حماض پنجاه مثقال قند
سفید یکمن بشربت پزند چنانکه رسم است شراب
لیمو معده را قوة دهد و اشتها آورد و صفرا بشکند و قی
بازدارد و هاضمه را قوی گرداند و دفع خمار کند صنعت
آن مانند حماض است شراب نارنج تشنگی بنشاند
و دماغ را قوة دهد و درد سر که از گرمی باشد ساکن گرداند
صنعت آن آب نارنج یکمن بجوشانند تا بنصفی آید و
کف زرد آن بگیرند و با دو من قند بشربت پزند شراب
غوره تشنگی بنشاند و تب گرم را سود دارد و خمار دفع کند
صنعت آن آب غوره بگیرند و بجوشانند تا بنصفی آید و
کف آن بگیرند و زمانی بگذارند و بکرباس نو بپالایند و هر
یکمن آب یکمن قند سفید اضافه کنند و بشربت پزند شراب
عود معده را قوة دهد و بوی دهن خوش کند و هاضمه
را قوی گرداند صنعت آن عود هندی و آمله مقشر

از هر یک ده درم سنبل قرنفل مصطکی جوزبوا از هر یک نیم
دو درم مجموع نیم کوفته در کیسهٔ کتان ریزند و در سه چهار
گلاب بجوشانند و کیسه را نیک بمالند تا قوة آن بگلاب
دهد و یکمن قند بقوام آورند و آن گلاب بر سر آن ریزند
و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید و فرو گیرند و نیم درم مشک
خالص سوده در آن حل کنند شراب حب الآس معده را
قوة دهد و اسهال باز دارد صنعت آن حب الآس
و امرود خشک از هر یک پنجاه درم قرظ و طراثیث از هر یک شش
ده درم آب به و آب سیب و آب انار از هر یک یکمن
داروها کوفته در این آبها بجوشانند تا بثلثی آید و به پالایند
و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید شراب حب الآس
نسخهٔ دیگر اسهال با سرفه را نافع باشد صنعت آن
حب الآس بکوبند و بجوشانند تا نیک مهرا شود
و به پالایند و بهر دو جزو از آن ده جزو قند سفید اضافه

کنند

کنند و اگر قدری طباشیر اضافه کنند بهتر باشد شراب
دینار طبع را نرم کند و جگر و دل را قوة دهد و سده بگشاید
و سوء القنیه و استسقا و ذات الجنب را نافع بود و
تشنگی بنشاند صنعت آن تخم کاشنی نیم کوفته ورق گل
سرخ از هر یک بیست درم بیخ کاشنی چهل درم نیلوفر
و گاوزبان از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان
بسته سه درم بجوشانند تا مهرا شود و صاف
کنند و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال
ریوند چینی سائیده در آن حل کنند شراب زوفا
سرفهٔ بلغمی را نافع بود و سینه و شش از اخلاط پاک کند و ربو
و ضیق النفس را سود دارد صنعت آن عناب سی دانه
سپستان پنجاه دانه انجیر سفید بیست دانه بنفشه چهار درم
پرسیاوشان هفت درم تخم خطمی و تخم خباری از هر یک
پنج درم اصل السوس و زوفا از هر یک هفت درم بجوشانند

گل نیلوفر ... لحم کدو ... ریوند چینی ... قند سفید

و به پالایند و یکمن قند اضافه کنند و بعضی پنجدرم فراسیون
داخل میکنند **شراب تمر هندی** طبع را نرم کند و صفرا بشکند
و معده را قوة دهد و قی باز دارد **صنعت آن** تمر هندی
یکمن بجوشانند و شیرهٔ آنش بگیرند و به پالایند و یکمن قند اضافه
کنند و بقوام آورند **شراب صندل** دل را قوة دهد و خفقان
گرم و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند **صنعت آن**
صندل سفید سائیده بیست درم در گلاب خیسانند یکشبانروز و
روز دیگر اندک جوشی بدهند و شیرهٔ آن بگیرند و با یکمن قند شربت
پزند **شراب انجیر** گرده و مثانه را نافع باشد و منی بیفزاید
و باه را قوة دهد و درشت را زایل کند **صنعت آن**
انجیر خوب دو من در پنج من آب بپزند تا یکمن و نیم بماند و باز
یکمن نخود سفید در پنج من آب بپزند تا یکمن و نیم آید و هر
دو را بدست بمالند و صاف کنند و یکمن و نیم عسل صاف
بر سر آن کنند و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب

ادیه

از هر یک یکدرم زعفران نیم درم در کیسه بسته در آن اندازند
و بجوشانند تا بقوام آید شربتی پنج مثقال **شراب بنفشه**
ذات الجنب را و ذات الریه و تب و سرفه و صداع
و ورم چشم و درد گرده را نافع بود و بول براند و سینه
را نرم کند **صنعت آن** گل بنفشهٔ تازه یکچهار یک بجوشا
نند و به پالایند و با یکمن قند شربت پزند و اگر بنفشهٔ تازه
نباشد یکوقیه بنفشهٔ خشک کنند و باید که بسیار نجوشانند
شراب نیلوفر صداع حار و تبهای صفراوی را و سرفه و ذا
ت الجنب و ذات الریه را نافع باشد **صنعت آن** گل
نیلوفر یکوقیه و اگر تازه بود یکچهار یک بجوشانند و با یکمن
قند شربت پزند **شراب عناب** تا شرا و آبله و حصبه و درد — شراب عناب
سینه و سرفه و غلبهٔ خون را نافع بود **صنعت آن**
عناب جرجانی یکچهار یک در دو من آب بپزند و بدست
بمالند و به پالایند بی مبالغه و با یکمن قند شربت بپزند

شراب گاوزبان دل را قوه دهد و سوداوی مزاج را بغایت
نافع بود و خفقان را زایل کند صفت آن آب گاو
زبان تازه یک من با یک من قند بجوشانند و کف بردارند و
بقوام آورند و بیست مثقال گلاب دران ریزند و فرود
گیرند و اگر گاوزبان تازه نباشد یک چهار یک خشک کنند
شراب بادرنجبویه دل را قوه دهد و خفقان سرد را نافع بود
و توحش سوداوی را زایل کند صفت آن بادرنجبویه
تازه بستانند و آب آن بگیرند یک من و با یک من قند بشربت
پزند و اگر تازه نباشد پنجاه مثقال خشک کنند شراب هلیله
اوجاع مفاصل و تبهاء گرم را نافع بود و طبع را نرم کند
صفت آن هلیله زرد صد عدد نیم کوفته و در ظرفی بکنند
و آب بر سر آن ریزند و نگاه دارند و دیگر آب بر سر آن
ریزند و سه روز دیگر در آفتاب نهند و آب اول و دوم
باهم بیامیزند و صد و پنجاه مثقال ترنجبین دران حل کنند

وصاف

وصاف سازند و بر سر آتش نهند و بقوام آورند و فرو گیرند
و یک مثقال سقمونیا سوده دران حل کنند شرالی که فواق
بنشانند خاصه آنچه از پس طعام آید صفت آن زیره کرمانی
فو و نانخواه انیسون کندر از هر یک ده درم در دو من آب
بجوشانند تا نیمی آید و به پالایند و جرعه جرعه می نوشند
شراب هلیون ریگ از گرده و مثانه پاک کند صفت
آن هلیون سی مثقال در دو من آب بجوشانند و به پالا
یند و با یک من قند بشربت پزند شراب بزوری معده و جگر
را نافع بود و باد و نفخ دفع کند و مفاصل را سود دارد
صفت آن پوست بیخ کاشنی سی درم تخم کاشنی پوست
بیخ رازیانه از هر یک بیست درم رازیانه تخم کرفس پوست
کرفس از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان بسته
اندران بجوشانند و به پالایند و یک من و نیم قند بشربت پزند
شراب ورد مکرر مسهل صفرا بود و تبهاء مرکبه را نافع

بود

صفت آن ورق گل سرخ تازه یکمن و ده من آب بجوشانند

تا صفت من آید بپالایند و یکمن دیگر برگ گل در آن آب

بجوشانند و دیگر بپالایند چند نوبت همچنین میکنند تا یکمن

آید صاف کنند و با یکمن قند بشربت بپزند شربتی درم

باده درم سکنجبین و آب یخ یا برف شراب توت

درد گلو و خناق را نافع بود صفت آن آب توت

سیاه بگیرند و صافی کنند و بجوشانند تا به نیم آید و بهر ع

رطل از آن آب سه رطل قند صاف اضافه کنند و بقوام

آورند شراب انار عذب جگر را قوة دهد و تشنگی بنشانند

صفت آن آب انار شیرین بگیرند و بجوشانند تا به نیمه

و بهر یکمن از آن آب یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند

شراب عنبر درد معده و اعصاب را سود دارد

و خفقان بارد را زایل کند صفت آن عسل دو من

در دو من آب بجوشانند کف بردارند و بقوام آورند

و عنبر و زعفران از هر یک یکمثقال سوده اضافه کنند

شربتی پنج درم شراب مشک معده را قوة دهد و امراض

بلغمی را نافع باشد و پیران را موافق بود صفت آن

عسل یکمن قند سفید یکمن در دو من بجوشانند و بقوام

آورند و یکمثقال مشک و نیم درم زعفران سوده اضافه

کنند شربتی سه درم شرابی که نافعست از جهة اسها

ل دموی و ضعف معده صفت آن رب به شیرین

یکمثقال گلنار رغدبه آمله صندل سفید حب الآس از هر یک

یکمثقال گلاب و قند سفید از هر یک بیست مثقال الطریق

معهود شربت سازند شراب ابریشم جگر و دل و احشا

را قوة دهد و سده بگشاید و استسقا و جمیع امراض

بارده را نافع بود و باه را زیاده کند و نشاط آورد

صفت آن ابریشم پنجاه درم در آب آهنگران خیسانند

سه شبانروز و در دیگ سنگین بجوشانند تا به نیم آید و

صاف کنند خولنجان وج مصطکی از هر یک سه درم زعفران یکدرم
صلایه کرده اضافه نمایند و با یکمن قند بشربت پزند شربتی چهار درم
شراب اسطوخودوس صرع و مالیخولیا و صداع بارد و جمیع امراض
دماغی را که سبب آن برودة باشد سود دارد صفت آن
اسطوخدوس پرسیاوشان عود صلیب از هر یک پنجدرم اصل
السوس گاوزبان رازیانه پوست بیخ کرفس تخم خطمی بنفشه گل
سرخ از هر یک سه درم منقی سپستان از هر یک پانزده دانه
جوشانیده و صاف کرده با یکمن قند بشربت پزند شراب
مواصل پوست بیخ کبر پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست
مثقال تخم کرفس رازیانه انیسون ناخواه ماهیزهره سورنجان
از هر یک ده درم پوست بیخ کرفس بیست درم قند
سفید یکمن بطریق معهود بشربت پزند شراب اصول
مواد غلیظه را نضج دهد و سده بگشاید و بادها بشکند و سود
القینه و استسقا و جمیع امراض بارده جگر و معده را نافع باشد

بشویند تا برگ آن پاک شود پس او را احبها سازند و ریسمان
از نو تا گذرانند و در میان آب نیم انداز ند یکشب تا محکم شود
انند بجوش و بعد از آن در روغن تا توره اندازند چون آگاه و بجوش ...

٨٣

صفت آن پوست بیخ رازیانه پوست کرفس پوست
پوست بیخ کاشنی از هر یک سی درم پوست کبر پانزده درم
رازیانه تخم کرفس تخم کاشنی از هر یک بیست درم انجیر زرد
بیست دانه منقی چهل دانه فقاح اذخر سنبل اسارون
سلیخه از هر یک ده درم قند سفید یکمن بشربت پزند چنانکه
رسمست شراب کندر وریشت را نافع بود و باه را قوه
دهد بهتر صفت آن کندر شسته پاکیزه ده من سروبن
بیندازند و درم درم کنند و در دیک سنگین اندازند و
آب بر بالای آن ریزند و سر دیک و دیک بگل یا خمیر محکم
کنند چنانچه بخار از وی بیرون نرود و بآتش نرم بپزند
و بگذارند که سرد شود پس سر دیک بگشایند و نیک بما
لند و آب آن بستانند و صاف کنند و با همسنگ آن
عسل در دیک ریزند و سنبل و خولنجان و قرنفل و دارچینی
از هر یک یکدرم زعفران نیم درم مجموع بهم کوفته در کیسه

کنند و در آن و یک اندازند و هر لحظه بدست می مالند و می
جوش کنند تا بقوام آید شراب الجبار اسهال و موی
و نفث الدم و سیلان طمث را نافع بود و معده و
جگر گرم را قوة دهد صفت آن صندل سرخ و سفید ساییده از هر یک
پنج مثقال الجبار صفت مثقال اقاقیا دو مثقال قند سفید
یعنی بطریق معهود شربت پزند شراب حب الآس نسخه دیگر
آمله مقشر یکمثقال حب الآس دو مثقال پوست بیخ الجبار
گلنار گل سرخ تخم حماض بری از هر یک دو درم رب سیب شیرین
و گلاب از هر یک بیست مثقال شراب صندل سی مثقال
بدستور معهود شربت پزند شرابی که از جهة مالیخولیا
و امراض سوداوی نافع است صفت آن تخم کاشنی
تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه از هر یک ده درم گاوزبان
سه درم بادرنجبویه هفت درم و نیم ابریسم دو درم و نیم
اصل السوس پنج درم رازیانه و بسفایج فستقی از هر یک سه درم

و نیم و در شش من ادویه گلاب و دو مقابل ادویه آب
سیب شیرین بجوشانند تا ثلثی باقی ماند و با یکمن قند شربت
پزند شراب قند بلغم دفع کند و سرد مزاجان را نافع باشد
صفت آن زنجبیل و دارچینی از هر یک پنج درم هیل و قا
قله از هر یک دو درم قرنفل یکدرم مجموع نیم کوفته و در یک
هفت رطل آب بجوشانند تا به پنج رطل آید و به پالایند
و با پنج من قند سفید بقوام آورند و نیم زعفران ساییده اضافه
نمایند شراب عسل معده و جگر را گرم کند صفت آن
سنبل مصطکی دارچینی قاقله عود هندی هیل جوز بوا
از هر یک یکدرم قرنفل نیم درم مجموع نیم کوفته و در سه
رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید بپالایند و با پنج رطل
عسل بجوشانند و بقوام آورند شراب خمار در دفع
خمار بی نظیر است صفت آن آلو سیاه و تمر هندی
پلاوانه از هر یک یک رطل عناب پنجاه دانه در شش رطل

آب بجوشانند تا بدو رطل آید بپالایند و آب انار ترش و شیرین
و آب سیب و آب لیمو از هر یک نیم رطل اضافه نمایند
و با یک رطل قند بقوام آورند **شراب فنجنوشی** سرد
انزال را نافعست **صنعت آن** آب انگور خام شش
رطل سماق مازو گلنار گل سرخ کشنیز خشک کندر صعتر
سعد از هر یک ده درم زعفران حرشف یمانی از
هر یک یکدرم خبث الحدید سی مثقال بجوشانند تا ثلثی بماند
بماند صاف کنند و استعمال نمایند **شراب دارو بحت** مقوی اعضا
رئیسه است و نسیان و امراض بلغمی و سودایی را نافعست
و باه را قوة دهد و پیر از اموافق باشد **صنعت آن** آب
انگور صد عدد به شیرین سه من سیب اصفهانی ده من گلاب
نیم آب خالص ده من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل الطیب
کبابه چینی خیربوا خولنجان از هر یک پنج درم عود خام سیاه
و وانه از هر یک سه درم زعفران مثقال مشک نیم مثقال

بلم

عنبر یک مثقال سیب و به را در آب انگور بجوشانند تا مهرا
شود بعد از آن برکشند و صاف کنند و مشک و زعفران
و عنبر در گلاب حل کنند و اضافه وا دویه نیم کوفته در
کیسه کنند و در محل جوشانیدن کیسه را در دیگ اندازند
و زمان زمان بدست می مالند تا شیره باز دهد و چون
شیره انگور را در خم ریزند کیسه را نیز در خم اندازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند **شراب خبث الحدید**
معده را قوة دهد و هاضمه را قوی کند و لون را نیکو گرداند
و باد بواسیر را نافع بود **صنعت آن** تخم کرفس رازیانه زیره
کرمانی انیسون نانخواه صعتر الجدان کاشم کرویا کشنیز خشک
فلفل دار فلفل کندر دارچینی سنبل قرفه جوزبوا تخم جرجیر
تخم بیار سعد زنجبیل از هر یک یک مثقال خبث الحدید ده
مثقال در شش مقابل ادویه شراب بجوشانند تا به نیم
آید و صاف کنند شربتی هر روز سی درم **شراب ریحانی**

نسیان و امراض بلغمی را نافع باشد و معده را قوة دهد و جمیع اعضا
موافق باشد صفت آن شیره انگور صد من در خم ریزند و
شش من قند اضافه کنند و دارچینی قرنفل بسباسه جوز بوا
از هر یک ده درم مجموع نیم کوفته در کیسه کنند و در خم اندازند
و سر خم بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و باید که خم
را اول پاک بشویند و اندرون آن موم گداخته بگردانند و
بمشک و عنبر بوپا کرده باشند شرابی که معده و دل را قوة
دهد و امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد صفت آن
آب سیب سه رطل آب به شیرین دو رطل در دیگ سنگی یا
کنند و قرنفل یکدرم و نیم عود هندی دو درم گاوزبان
و بادرنجبویه و گل سرخ از هر یک سه درم کوفته در کیسه
بسته در دیگ اندازند و با آب سیب به بجوشانند تا به
نیم آید در خم ریزند و شراب ریحانی دو من بر بالای آن
ریزند و قند سفید یک رطل و نیم اضافه نمایند و سر خم

بگیرند

بگیرند و بیست روز در آفتاب بگذارند بعد از آن صاف
نموده استعمال نمایند شیاف احمر لین سلان و غلظ
اجفان آخر مدرا نافع بود صفت آن شادنج عدسی
مغسول ده درم مس سوخته هشت درم صمغ عربی و کثیرا
و مرصاف از هر یک دو درم بسد مروارید ناسفته
سادج هندی از هر یک چهار درم دم الاخوین و زعفران
از هر یک یکدرم صلایه کرده شیاف سازند شیاف احمر حاد سبل
و ظفره و سلاق و بیاض را نافع باشد صفت آن شادنج
مغسول شش درم صمغ عربی پنجدرم مس سوخته زاج سوخته از
هر یک دو درم افیون صبر سقوطری از هر یک نیم درم زنگار دو
درم و نیم زعفران و مر از هر یک دانگی نیم کوفته و [illegible] استعمال — شیاف سازند
نمایند شیاف اخضر جرب و سبل و بیاض را نافع بود صفت
آن زنگار سه درم اقلیمیا نقره اشق صمغ عربی سفیداب
ارزیز از هر یک دو درم صمغ و اشق را در آب سداب

حل کنند دوا رو های دیگر را کوفته و بیخته بدان سرشند و شیاف سازند
شیاف دیناج کمنه و جرب و سبل و سلاق و نم را ابدرا نافعست
صنعت آن زنگار شش درم صمغ عربی و اشق از هر یک چهار درم
اقلیمیا طلا و افیون از هر یک دو درم بازرد یکدرم کوفته و بیخته باب
شداب سرشند و شیاف سازند شیاف طرخماطیقان کمنه و جرب
و سلاق و استرخا جفن را و ریح سبل را نافع بود صنعت آن
شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار و قلقطار سوخته
از هر یک یکدرم مس سوخته چهار درم افیون و زعفران از هر یک
یکدرم باب رازیانه سرشند و شیاف سازند شیاف ابیض لین رمد گرم
را نافع بود و درد صعب را بنشاند و تخدیر کند صنعت آن سفیداب
ارزیز هشت درم صمغ عربی یکدرم افیون و کثیرا از هر یک یکدرم سفیده
تخم مرغ سرشند و شیاف سازند شیاف ابیض انزروتی ابتدا رمد را نافع
بود صنعت آن سفیداب ارزیز هشت درم انزروت مربی بشیر
کثیرا از هر یک چهار درم به سفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف

گل سرخ نسخه محمد زکریا رمد را نافعست و صورة آن کمتر از صورة
ابیض است و بهترین و سبکترین شیافات و ردیست صنعت آن
گل سرخ چهار مثقال زعفران و سفیداب ارزیز از هر یک دو مثقال افیون
و صمغ عربی از هر یک یکمثقال بسرشند و شیاف سازند شیاف بدیوما رمد را
و درد را بصلاح آورد صنعت آن شیاف ماقیشا و انزروت مربی
از هر یک هشت درم زعفران ... و درم افیون نیم درم کثیرا یکدرم
کوفته و بیخته باب باران سرشته شیاف سازند و به سفیده تخم مرغ در چشم
کشند شیاف بدیوما نسخه دیگر رمد را نافع بود و سرخی ببرد و اماس
بنشاند و درد را تسکین کند صنعت آن اقلیمیا نقره و روی سوخته از
هر یک سه مثقال کثیرا و اقاقیا و صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون
و زعفران از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته به سفیده تخم مرغ سرشته شیاف
سازند شیاف قیصر طرفه و رمد را ابتدا نافع باشد صنعت آن
شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی و مس سوخته از هر یک شش درم
قلقطار سوخته و زنگار از هر یک دو درم باب رازیانه سرشته شیاف سازند

سازند شیاف خلوقی بادها را که کهنه شود و اماس ملتحمه نشاند
صنعت آن مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کثیرا و صمغ عربی
و سنبل و زعفران از هر یک یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف
اسود نافعست بادها را که در چشم و جفن بود و کشیدن و طلا کردن
صنعت آن مس سوخته افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران د
شیاف ماميثا از هر یک نیم درم مروارید ناسفته و سپید از هر یک
یکدرم اقاقیا یکدرم کوفته و بیخته بآب باران سرشته شیاف سازند
شیاف ابیض کندری قرحه و مره غلیظه را نافع باشد صنعت
آن سفیداب ارزیز هشت درم افیون و انزروت مربی و کثیرا
از هر یک یکدرم صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم بآب باران شیاف
سازند شیاف آبار قرحه و مور سرخ را نافع بود و حراره نشاند
و حور اپر سازد صنعت آن اقلیمیا طلا سفیداب ارزیز مس سوخته
سرمه اصفهانی صمغ عربی کثیرا اسرب سوخته از هر یک هشت درم
مر و افیون از هر یک یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف

ابار

ابار نبوعی و یمنی منفعت آن قریب بمنفعت اولست صنعت آن
ابار سوخته سرمه اصفهانی توتیا مس سوخته کثیرا صمغ عربی
از هر یک شش درم افیون نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند
و بعضی اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک شش درم کندر
چهار درم اضافه میکنند شیاف کندر قرحه و بثره را نافع باشد
و گوشت برویاند صنعت آن اشق و انزروت از هر یک یکدرم
کندر ده درم زعفران دو درم اشق را در لعاب حلبه حل کنند و باقی
ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشند و شیاف سازند شیافی که ابتدا آب
را نافعست صنعت آن خربق سفید یک وقیه فلفل نیم وقیه اشق
یکدرم بآب ترب شیاف سازند شیاف روشنائی جرب و ظفره
و انتشار و ابتدا نزول آب را نافع باشد صنعت آن اقلیمیا نقره ا
قلیمیا طلا مروارید ناسفته از هر یک دو درم کافور و مشک از
هر یک دانگی حل کرده بآب باران شیاف سازند شیاف اطفال
از جهت ابتدا نزول و تاریکی چشم نافعست صنعت آن انزروت

صمغ عربی یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف اسود
نسخهٔ دیگر رمد و حرقهٔ عین و دمعه و سبل را که با او حرارة باشد
نافع بود صفت آن اقلیمیا طلا سفیداب ارزیز صمغ عربی
افیون از هر یک چهار درم مس سوخته سنبل الطیب نشاسته
از هر یک یکدرم و نیم اقاقیا شسته بیست و چهار درم کوفته و بیخته
و بعضی را آب سود کرده بآب عنب الثعلب شیاف سازند
شیاف اصطفطیقان استرخاء جفن و تاریکی بصر و
ابتداء آب را نافعست صفت آن اقلیمیا طلا فلفل سیاه
افیون از هر یک چهار درم صمغ عربی و شیاف مامیثا از هر یک
هشت انزروت و نمک هندی و زرنیخ زرد از هر یک یکدرم
بورهٔ ارمنی دوازده درم باب رازیانه شیاف سازند چنانک
رسمست شیافی که نافعست جرب و غلظ جفن و سبل کهنه را
که با آن حرارة و حمره نباشد و بیاض و تاریکی چشم را زایل کند صفت
آن افیون اقلیمیا نقره از هر یک یکدرم سفیداب ارزیز صمغ عربی

عربی شیاف مامیثا از هر یک هشت درم بورهٔ ارمنی فلفل
ابیض از هر یک چهار درم زرنیخ زرد دو درم زعفران یکدرم نیم
کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف اصفر بنوعی دیگر بلیله زرد توتیا
هندی از هر یک پنج درم فلفل سفید صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران
یکدرم بآب رازیانه شیاف سازند شیاف سماق جرب و خارش
و سوزش و جحوظ را نافع بود صفت آن سماق یک مثقال بآب
باران بپزند و به پالایند و باز بجوشانند تا غلیظ شود و بگذارند
تا سرد گردد و ده درم سفیداب ارزیز با آن بسرشند و شیاف سازند
و بعضی آب سماق را بجوشانند تا غلیظ میشود و گرد سماق با آن
سرشته شیاف میسازند شیاف دینارجون سبل رقیق را سود دارد
صفت آن شادنج مغسول زردچوبه صبر سقوطری شیاف مامیثا
مساوی کوفته و بیخته بآب باران شیاف سازند شیاف وردی
صعوبت درد چشم را در حال بنشاند صفت آن ورق گل سرخ
پانزده درم زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل دو درم

زنگار اشق از هر یک دو درم با پی کر اشق دران حل کرده باشند
شیاف سازند **شیافی** که نافعست ابتداء رمد را و درد ساکن
کند و خواب آورد **صنعت آن** شیاف ماميثا هفت درم
زعفران افیون حضض مکی صمغ عربی از هر یک دو درم کثیرا المقود
از هر یک چهار درم جندبیدستر یکدرم کوفته و بیخته شیاف سازند
شیافی که نافعست قرحه حاره جدیده را و چشم را اختلاج سازد
گوشت برویاند **صنعت آن** سفیداب ارزیز دو درم کندر
و انزروت از هر یک یکدرم افیون نیم درم کافور دو دانگ کوفته
و بیخته شیاف سازند **شیاف زنگاری** جرب و باد سبل را نافع
بود **صنعت آن** صمغ عربی سفیداب ارزیز زنگار مساوی باب
سداب شیاف سازند **شیاف غوره** جرب و حکه و کمنه را
نافع بود **صنعت آن** زنجبیل نیم درم هلیله زرد صمغ عربی توتیا
مغسول از هر یک ده درم حضض مکی چهار درم زرد چوبه
زعفران از هر یک دو درم با آب غوره شیاف سازند **شیاف**

غرب صبر کندر گلنار انزروت دم الاخوین سرو شب یمانی از
هر یک یکدرم زنگار دانگی نیم بگلاب شیاف سازند و سوراخ
را از چرک پاک کنند و در آنجا چکانند **شیاف ورد** قرحه و کمنه و بثره
و صور سرخ و نتو قرنیه و غشیه و کمنه الملده و رمد کهنه را نافع باشد
صنعت آن برگ گل تازه هفتاد و دو مثقال اقلیمیا نقره محرق مغسول
و صمغ عربی از هر یک پنج و چهار مثقال زعفران شش مثقال
افیون و سرمه از هر یک سه مثقال زنگار و توبال نحاس و سنبل هندی
از هر یک دو مثقال مرصافی چهار مثقال کوفته و بیخته بآب باران
شیافها سازند **شیاف دینارجون بنسخه دیگر** رمد سوداوی
را نافع باشد **صنعت ان** سفیداب ارزیز اقلیمیا از هر یک ده درم
افیون و نشاسته از هر یک یکدرم کثیرا یکدرم و نیم نطرقیق مهود
شیاف سازند **شیاف ابار بنسخه دیگر** اقلیمیا طلا توتیا سرمه سفیداب
ارزیز روی سوخته کنند از هر یک ده درم دم الاخوین و افیون
از هر یک یکدرم انزروت یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند
و سه مثقال چبوه دزنه بماند

شیاف کندر قرحه و بثور را نافع باشد صفت آن انزروت
اشق از هر یک یکدرم کندر ده درم زعفران دو درم بلعاب حلبه
شیاف سازند شیاف قلقطار از برای طرفه نافعست صفت آن
روی سوخته پنجدرم زنگار دو درم نوشادر قلقند بوره ارمنی
از هر یک یکدرم زاج نیم درم بسرکه بسرشند و یکهفته بگذارند پس شیاف
سازند و استعمال نمایند شیاف احمر طرفه را نافع بود صفت آن
کندر مر زعفران از هر یک یکدرم زاج سرخ نیم درم شیاف سازند
و بآب کشنیز تازه در چشم چکانند شیاف مرارات انتشار و ابتدا
نزول را نافع باشد صفت آن زهرهٔ کلنگ زهرهٔ شبوط زهرهٔ
بزکوهی زهرهٔ باز زهرهٔ عقاب زهرهٔ کبک مجموع خشک کرده ده
ده درم تخم حنظل سکبینج افیون از هر یک یکدرم بآب رازیانه شیاف
سازند شیاف مرارات بنسخهٔ دیگر ضعف بصر و ابتدا آب
را نافعست صفت آن زهرهٔ باشق زهرهٔ عقاب زهرهٔ
خرس زهرهٔ روباه زهرهٔ شبوط خشک کرده ده درم ساذج

باب رازیانه

بآب رازیانه شیاف سازند شیاف مرارات بنوعی دیگر زهرهٔ
کلنگ زهرهٔ کبک زهرهٔ گرگ زهرهٔ بزکوهی زهرهٔ باشق زهرهٔ خر
گور زهرهٔ کبوتر زهرهٔ شیر زهرهٔ لقلق زهرهٔ خوک زهرهٔ روباه زهرهٔ
خرگوش زهرهٔ آهو زهرهٔ ماهی از هر یک خشک کرده یکدرم سکبینج افیون
تخم حنظل از هر یک یکدرم سکبینج را بآب بادیان حل کنند و داروهای
دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند و شیاف سازند شیافی که قایم مقام مرارات
است صفت آن زهرهٔ بزکوهی در ظرف مسین خشک کرده
ده درم تخم حنظل نیم درم سکبینج دو درم افیون و نوشادر از هر یک
یکدرم بآب سداب و آب رازیانه شیاف سازند شیاف علایی
حکه و جرب و سلاق و ظلمت دمعه و سبل و طرفه و خشونت اجفان را
نافع باشد صفت آن توتیای مغسول شش درم مامیران چینی
و شیاف مامیثا از هر یک پنجدرم دارفلفل زنجبیل زبد البحر حضض
هندی پوست هلیله زرد ساذج هندی از هر یک سه درم زعفران
زعفران دو درم کثیرا و صمغ عربی از هر یک دو مثقال بآب غوره

پرورده شیاف سازند شیاف حلتیت خیلات وابتدای آب
را نافع باشد صفت آن حلتیت خربق سفید از هریک ده درم
سکبینج سه درم بعسل بسرشند و شیاف سازند شیاف دینار چون بنو
عی دیگر سبل و ظفره و جرب را نافعست و چشم را جلی دهد صفت
آن اقلیمیا طلا وسفیداب ارزیز از هریکی ده درم کثیرا او از هریک
پنجدرم مروارید ناسفته سه درم الاخوین از هریک چهار درم زاج سرخ
نبات اقاقیا از هریک نیم درم افیون هفت درم زعفران شسته
روی سوخته از هریک دو درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی
که جرب و سبل و لحم زاید را نافع باشد صفت آن ساذج هندی شش
درم صمغ عربی پنجدرم زنگار سه درم مس سوخته و قلقطار سوخته از
هریک دو درم افیون و مر از هریک یکدرم زعفران نیم درم باب
سداب شیاف سازند شیافی دیگر که همین خاصیت دارد صفت
آن زنگار سه درم سفیداب ارزیز اقلیمیا نقره و صمغ عربی اشق
از هریک دو درم اشق را باب سداب حل کنند و داروهای دیگر را

کوفته

کوفته و بیخته باب آن بسرشند و شیاف سازند شیافی که سبزه و قرحه را سود
دارد و نشان قرحه ببرد صفت آن شاخ گوزن سوخته
شسته سرب سوخته شسته از هریک چهار درم توبال مس شسته
دو درم صمغ عربی سه درم افیون یکدرم شیاف سازند چنانک بهیئت
در چشم کشند شیاف مسهل قولنج بگشاید و بلغم و صفرا دفع کند
و درد پشت را نافع باشد صفت آن سکبینج مقل جاوشیر اشق
نمک هندی تخم حنظل بورهٔ ارمنی سقمونیا تربد حب النیل مساوی
صمغها را باب سداب حل و داروهای دیگر را کوفته و بیخته باب آن بسرشند
و شیاف سازند هریکی دو درم شیافی که درد پشت و جمیع انواع
مفاصل که بسبب آن بلغم و سردی بود نافعست صفت آن
سکبینج جاوشیر مقل بورهٔ ارمنی اشق زنجبیل سورنجان شقاقل
تخم حنظل تخم کرفس رازیانه انیسون نمک هندی انزروت جند
بیدستر زرنباد قسط ماهیزهره سعد سداب خشک مساوی
کوفته و بیخته باب سداب تازه بسرشند و شیاف سازند شیافی

دیگر کرد و درد پشت و اوجاع مفاصل و بواسیر را نافع است صفت آن
سکبینج جاوشیر مقل یا زرد شحم حنظل بید انجیر ماهیزهره بوزیدان از هر
یک یکدرم بزر البنج یکدرم و نیم سورنجان و تربد از هر یک سه درم
جند بیدستر نیم درم با آب گندنا شیاف سازند شیاف زحیر زعفران
حضض حرافیون کندر مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف
خیارچنبر قولنج بگشاید و طبع را نرم کند صفت آن
بنفشه دو درم خطمی سه درم سنا مکی پنجدرم نمک هندی یکدرم عسل خیارچنبر
وشکر سرخ از هر یک ده درم شیاف سازند شیاف بنفشه که همین
خاصیت دارد صفت آن بنفشه پنجدرم سقمونیا و نمک هندی
از هر یک دو درم بوره ارمنی و تربد از هر یک سه درم قراقروت
و فانید از هر یک پنج مثقال شیاف سازند شیاف قولنج بوره
ارمنی ده درم شحم حنظل مقل سکبینج از هر یک پنجدرم سقمونیا ده درم
و نیم شکر سرخ ده درم شیاف سازند شیاف فرفیون ضعف
صفت
مثانه و سلس البول و قتیق را نافع باشد و باه را قوة دهد

آن نارجیل حب الصنوبر حب المحلب مقشر مغز بادام تخم کرمدانه
حب الزلم از هر یک دو دو درم فرفیون جند بیدستر سداب از هر
یک سه درم مقل ده درم با آب گندنا شیاف سازند شیافی که مقوی
باه است صفت آن حلتیت فرفیون از هر یک یکدرم مشک
کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی دیگر که همین منفعت دارد
صفت آن تنه سوسمار زهره کرک حب القطن عاقرقرحا
مساوی کوفته بروغن سنبل شیاف سازند شیافی که استسقاء
طبلی را نافع بود و بادها دفع کند صفت آن سداب حرمل از هر
تخم کرفس تربد سفید بوره ارمنی از هر یک یکدرم شکر سرخ پنجدرم
با آب سداب شیاف سازند شیافی خون رفتن از بواسیر باز
دارد صفت آن کندر انزروت دم الاخوین گلنار سرمه
سفید از هر یک یکدرم زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل [illegible] شیاف
سازند شیافی دیگر که همین منفعت دارد قنطوریون دقیق
تخم سوسن انزروت از هر یک یکمثقال مازو نیم مثقال زنگار دانگی

بعسل سرشته شیاف سازند شیافی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن اقاقیا لحیة التیس گلنار گل ارمنی از هر یک یکدرم
و دم الاخوین سوخته سفیداب از هر یک نیم درم بآب لسان الحمل یا
آب خرفه سرشته شیاف سازند شیافی دیگر که همین عمل کند
صفت آن عصارهٔ لحیة التیس اقاقیا جفت بلوط دم الاخوین
از هر یک یکدرم سفیداب صدف سوخته از هر یک نیم درم بآب
لسان الحمل سرشته شیاف سازند شیافی که در عقب مسهل ا
ستعمال کنند اگر در اسهال تقصیری باشد و کرم خراجانی ایضا
فق است صفت آن تخم خیار بخدرم صابون رقی
خطمی نمک طعام از هر یک دو درم شکر سرخ بخدرم شیاف سازند
شیافی که اسهال دم را نافع بود صفت آن حرا اقاقیا
رالبنج صمغ عربی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته بآب مورد
شیاف سازند شیافی که زحیر را ببندد صفت آن اقاقیا صمغ عربی
گلنار کندر مازو بلوط برنج بریان کرده ذرّه بریان کوفته و بیخته

شیاف سازند شیافی که نافعست از جهة زحیر و اسهال
دم و اغراس صفت آن صمغ عربی اقاقیا افیون مازو بزر
البنج کندر گل ارمنی برنج بریان کرده ذرّه بریان کرده کوفته و
بیخته بآب مورد یا آب گشنیز تازه شیاف سازند شیاف عذوط
اقاقیا آمله گلنار صمغ عربی کوفته بآب مورد سرشته و شیاف سازند
و پس از مجامعت استعمال نمایند شیافی که از جهة کرم کوچکی
که در امعاء سفلی اطفال باشد سود دارد صفت آن تخم حنظل
قنطوریون دقیق نمک هندی مغز استخوان زرد آلو تلخ مساوی
کوفته شیاف سازند شیاف ثقل سمع دوی و طنینی که سبب
آن ریح غلیظ باشد و وجع بلغمی گوش و طرشی که سبب آن اخلا
ط غلیظ بود زایل گرداند صفت آن تخم حنظل یکدرم بورهٔ ار
منی درم جندبیدستر زراوند مدحرج و عصارهٔ افسنتین از هر یک
نیم درم قسط دانگی و نیم فرفیون دانگی کوفته و بیخته بزهره گاو
بادام سرشته و شیاف سازند و در وقت حاجت یکی از ان بروغن تلخ

حل کرده درکوش چکانند باب الصاد
صبغی که بهق ابیض را برنک بدن آورد صفت آن
تخم ترب شیطرج فوه کندش خردل کوفته وبیخته بسرکه کهنه
ترکنند ودرآفتاب بمالند صبغی که برص را ازنکیج کند صفت
آن شوره مرشب یمانی فوه کوفته وبیخته بدردشراب ترکنند
وچند نوبت بمالند صبغی دیکر که همین خاصیت دارد صفت
آن شیطرج عاقرقرحا حضض خردل شونیز کل شقایق حرزنج
فوه مساوی کوفته وبیخته بخون بز سرشته صبغی دیکر که همین عمل
کند صفت آن شیطرج فوه نیل شب یمانی کل سرخ کوفته بیکشبانروز
درسرکه خیسانند روز دیکر بمالند صبغی دیکر که بهق اسود را
ببرد وبرنک بدن آورد صفت آن تخم ترب ده درم کندش
وقسط ازهریک دو درم بسرکه کهنه بمالند صبغی که رنک را
سرخ کرداند صفت آن زعفران فوه کندش حرمل مصطکی
مساوی کوفته بآب بلبوس ترساخته شب بمالند وصباح

بآب کرم بشویند صبغی که نشان آبله وجراحات وریشها ببرد
وبرنک بدن آورد صفت آن مرداسنک شستنج لی کهنه
آرد نخود آرد برنج استخوان پوسیده مغز تخم خربزه حب البان قسط
کوفته وبیخته بلعاب حلبه وبزرکتان شب بمالند وصباح ببسوس
وآب کرم بشویند صبغی دیکر که همین خاصیت دارد صفت
آن ایرسا قسط مرداسنک مغسول شاخ کوزن سوخته نوره
ارمنی اشق کوفته بماء الشعیر بمالند باب الضاد
ضماد التین صلابه طحال را نافعست صفت آن مقل
دو درم اشق یکدرم آرد باقلا کرسنه نخود اکلیل الملک بزرک
حلبه بابونه ترمس سنبل ازهریک نیم درم انجیر زرد بیست وچهار
درم کوفته وبیخته بروغن بابونه یا روغن سداب ضماد سازند ضمادی
که نافعست ازجهة اورام صلبه معده وجکر صفت آن زعفران
وصبر ازهریک یکدرم افسنتین وسنبل ازهریک یکدرم ونیم کوفته وبیخته
بآب کرم ضماد کنند ضماد حی العالم نافعست ازجهة حرارت

و ورم جگر صفت آن بنفشه حی العالم گل سرخ صندل سفید
از هر یک چهار درم قصب الذریره دو مثقال کافور یکدرم کوفته
بآب کشنیز تازه ضماد کنند ضمادی دیگر که ورم جگر را نافعست
صفت آن جو مقشر که خیسانیده تا جدا شود پنج درم طباشیر سفید
فوفل از هر یک پنج درم افسنتین ورق گل سرخ قصب الذریره صندل
سفید شیاف مامیثا از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته در
کتان مالند و بر موضع جگر اندازند ضماد شوصه بنفشه سبوس گندم
آرد جو خطمی آرد باقلا اکلیل الملک مساوی کوفته بروغن بنفشه
بادام ضماد کنند ضماد دمامیل بزرگ حلبه از هر یک ده درم
میوه سایله چهار درم موم سفید بیست درم بروغن یاسمین ضماد
کنند ضمادی که شکم ببندد صفت آن اقاقیا مراطه کندر
سعد اذخر سنبل مصطکی از هر یک پنج درم کعک ده درم
کوفته و بیخته بآب به ضماد کنند ضمادی که معده بارده گرم کند
و قوة دهد صفت آن سعد مصطکی سنبل قسط افسنتین

از هر یکی

از هر یک پنج درم اذخر آمله قرنفل دارچینی قصب الذریره از
هر یک دو درم کوفته و بیخته بآب به ضماد کنند ضمادی
که ورم کهنه معده را التحلیل دهد صفت آن مقل حب البان
تخم کرنب از هر یک ده درم سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک پنج درم
موم سه درم روغن ناردین پانزده درم صمغها را در شراب حل کنند
و باقی ادویه را کوفته اضافه نمایند و با موم و روغن ضماد کنند
ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن حلبه شبت
بابونه خطمی بزرگ بابونه مصطکی از هر یک پنج درم سنبل سعد قصب
الذریره اذخر از هر یک دو درم موم سه درم روغن بابونه پانزده
درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد الصندلین از جهت معده
و جگر گرم نافعست صفت آن صندل سرخ و سفید گل
سرخ شیاف مامیثا کافور کوفته و بیخته بآب عنب الثعلب
و قدری سرکه ضماد کنند ضمادی که مستسقی زقی و استسقاء لحمی
را که با آن حرارت باشد نافع بود صفت آن آرد جو

عناب بریان کرده و پوست بیرون پسته مغز زبیب
از هر یکی سه درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان کرده
خشخاش سفید از هر یک پنجدرم عود خام دو درم رب
شیرین رب سیب رب مورد مساوی معجون سازند

باب الثانی در [illegible] اوجاع کنند

و معده و طحال و کلیه و رحم و نسیان و تاریکی چشم و ربو
و صداع و جذام و صرع و برص و لقوه و رعشه و فالج
و جمیع امراض عتیقه مزمنه و انواع سوء المزاج بارد
رطب را نافعست و قولنج بگشاید و استسقا که از سردی
و ضعف جگر باشد زایل کند و اسهال آن را که مشقت
نباشد و ادرار بول و حیض کند و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و حرارة غریزی را تقویه دهد و بدن را از اخلاط
فاسده پاک کند و بادها را دفع کند و سده جگر و سپرز
بگشاید و رنگ را نیکو سازد صفت آن صبر

سعد پشک گوسفند کهنه بورة ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته
بسرکه ضماد کنند ضمادی که نفخ طحال را سود دارد و صلابة
را نرم کند صفت آن سداب ده درم بورة ارمنی و فوذنج
از هر یک سه درم اشق هفت درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه ضماد کنند
ضماد الاشق صلابة طحال را سود دارد صفت آن اشق
مقل بورة ارمنی نمک هندی از هر یک چهار درم اشنه و کزمازج
از هر یک شش درم سداب هشت درم کوکرد دو درم انجیر
ده عدد انجیر را در سرکه بپزند و اشق و مقل را در آن بگدازند
و باقی ادویه را کوفته با آن اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی
که وجع رحم و بواسیر را تسکین کند صفت آن زعفران افیون
بزر البنج پیه مرغ از هر یک دو درم خطمی و بزرک از هر یک
پنجدرم زرده تخم مرغ نیم پخته یک بیضه بروغن استخوان زردآلو
ضماد کنند ضمادی که از جهة فتق نافع باشد صفت آن
جوز السرو ده درم خطمی و بزرک از هر یک پنجدرم زرده تخم مرغ

سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران
زعفران دارچینی وج مصطکی روغن بلسان از هریک
سه درم ریوند چینی یکدرم و نیم عود بلسان فرفیون فلفل
سفید و سیاه دارفلفل مرجنطیانا حب بلسان فقاح
اذخر حماما از هریک دو درم کمادریوس قسط افتیمون
از هریک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هریک
شش مثقال سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته و بیخته
بروغن بلسان چرب کنند و با سه چندان عسل بسرشند
شربتی چهار مثقال و قوة این معجون تا چهار سال باقی باشد
ثیاذریطوس دیگر منفعت آن قریب بمنفعت او
لست صفت آن صبر سقوطری سی درم غاریقون بیست
دو درم زعفران وج دارچینی مصطکی سورنجان سلیخه
از هریک سه درم کمادریوس فلفل ابیض اسارون
عود بلسان از هریک دو درم فلفل سیاه جندبیدستر

بیخته سعد مر صمغ عربی مرزنجوش مازو اقاقیا کندر از هریک
یکدرم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضمادی دیگر که همین
خاصیت دارد صفت آن جوزالسرو صبر و رق سداب
بابونه مساوی کوفته و بیخته بروغن قسط ضماد کنند ضمادی
دیگر که همین منفعت دارد صفت آن مصطکی کندر انزروت
جوزالسرو و برگ سرو مر سریشم بلوط مساوی کوفته و بیخته
بسرکه ضماد کنند ضمادی که تترس بار در اسود دارد و
بقایای اورام بارده را تحلیل دهد صفت آن مقل کندر
حلبه بزرک اشق کوفته بشراب ضماد کنند ضمادی که بلغم را
از بدن بیرون کشد صفت آن پیاز نرگس اشق پیاز لفی
کوفته بعسل ضماد کنند ضماد اصطمطیقون برودت معده
و کبد و طحال را نافع بود صفت آن افسنتین سنبل سلیخه
صبر سقوطری از هریک سه درم عود بلسان و زعفران از هریک
دو درم موم سفید هشت درم موم را در روغن ناردین یا روغن

قطیا روغن زنبق بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند
و ضماد کنند ضمادی که ضعف معده را که سبب حرارت باشد
نافع بود صفت آن حب الآس آمله عود گلنار برگ مورد
پوست بیخ پوست سیب گل سرخ قصب الذریره صندل سرخ
و سفید کوفته و بیخته بگلاب و آب سیب ضماد کنند صفت
آن ضمادی که نقرس و اورام حاره را نافع بود صفت آن
صندل سرخ عدس مقشر قوفل شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته
بگلاب و آب کاسنی ضماد کنند ضماد قیطاریون لقوه
و فالج و صداع و درد چشم و شقیقه و درد دندان را نافع بود و
نزلات را از چشم منع کند چون بر صدغین ضماد کنند و چون
بر مثانه ضماد کنند بول براند و چون بر گزیدگی عقرب مالند
درد ساکن گرداند و چون بر شکم ضماد کنند اورام اعضا
باطنه را نافع بود صفت آن رعی الحمام دو درم موم
سفید ده درم راتینج سه درم روغن زیت چهل درم

موم و

موم و راتینج را در روغن زیت بگدازند و رعی الحمام را کوفته
و بیخته اضافه فرمایند و ضماد کنند ضمادی که اگر بر معده نهند قی
آورد و اگر بر ناف ضماد کنند شکم براند و اگر بر عانه نهند حیض
براند صفت آن برنگ کابلی عصاره افسنتین قثاء الحمار
از هر یک سه مثقال خربق سفید و مرداسنگ از هر یک چهار درم
روغن زیت ده درم موم سفید و پیه بز از هر یک پنج درم موم و پیه
را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن ضم کنند و بر
کاغذ پاره کشند و ضماد کنند ضمادی دیگر که چون بر لته کشند و بر
فم معده بچسبانند اسهال سودا کند و چون بر زیر بغل ضماد کنند ا
سهال صفرا کند و چون بر ما بین الورکین ضماد کنند بلغم براند و
این ضماد از اسرار اطباست اطفال و پیران و کسانی را
که طاقت اسهال بدوا مسهل نباشد بدین معالجت کنند
صفت آن ترمس مقشر یک کف بکوبند و در دیگ کنند و آن
مقدار شیر تازه که از آبه بپوشاند بر سر آن ریزند و بجوشانند تا آن

رعی الحمام نوعی از [illegible] که [illegible] دارد [illegible] قدری [illegible]

مس شیر را جذب کند بعد از آن مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام آید و استعمال کنند و چون خواهند که قطع ا
سهال شود لته بر دارند و موضع را بگلاب بشویند **ضمادی**
که جبر و کسر و دق را نافع باشد **صفت آن** مغاث ماش
گل ارمنی از هر یک چهار درم خطمی و مرد از هر یک دو درم اقاقیا و
صبر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب مورد و زرده تخم مرغ ضماد
کنند **ضمادی** که عرق النسا و وجع الورک را نافعست
صفت آن پوست بیخ کبر فودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک دو درم
عصاره قثاء الحمار و حب الغار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بشراب
عسل ضماد کنند **ضمادی دیگر** که همین خاصیت دارد **صفت
آن** نطرون عاقرقرحا از هر یک دو درم قسط و بیخ بوره بیرک
از هر یک یکدرم زفت پنجدرم زفت را در روغن زیت بگدازند
و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن ضم کنند و ضماد کنند **ضمادی**
که بوسیت که بر گردنها حنی بر خیزد باصلاح آورد **صفت آن**

مصطکی

از هر یک چهار درم ریوند چینی موم سنبل از هر یک یکدرم
عسل سه وزن ادویه شربتی چهار درم تا با آب گرم

باب پنجم جوارش شهریاران

سردی جگر و معده و قولنج و عسر البول را نافع باشد
صفت آن قرفه قرنفل دارچینی سلیخه سنبل الطیب
جوزبوا اهیل مصطکی قاقله حب بلسان زعفران از هر یک
چهار درم و نیم سقمونیا سه درم تربد سفید و حب النیل
از هر یک هشت درم قند سفید بوزن ادویه کوفته و
بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال تا هفت مثقال
با آب گرم دهند **جوارش اترج** معده را قوه دهد و
اشتهای طعام آورد و بوی دهن خوش کند **صفت ان**
پوست ترنج خشک کرده سی درم قرنفل جوزبوا دار
فلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یکدرم
مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشند **جوارش عود**

باد ناف بشکند و خفقان و دلتنگی زایل کند صفت آن
عود هندی مد ازیانه تخم کرفس وج سنبل از هر یک سه درم
بسباسه نارمشک سعد قرنجشک زرنب زرنباد
از هر یک یکمثقال دارچینی زنجبیل فلفل قرنفل مصطکی از
هر یک دو درم گاوزبان پنجدرم کافور دانگی نیم مشک
دو دانگ کوفته و بیخته بعسل سرشند جوارش عود بخوری دیگر
معده و دل را قوة دهد و پیران را موافق باشد صفت آن
عود خام قرنفل سادج زنجبیل قاقله و قرنجشک دارفلفل
از هر یک دو مثقال زعفران یکمثقال کوفته و بیخته
بعسل سرشند جوارش عود بخوری دیگر ضعم را قوة دهد
و اشتهای طعام آورد و بلغم و رطوبة را دفع کند صفت آن
قرنفل سه درم قاقله کبار و سنبل از هر یک دو درم
عود پنجدرم زعفران یکدرم کوفته و بیخته بعسل سرشند جوارش
عود بخوری دیگر معده سرد را گرم کند و اشتهای طعام آورد

مصطکی سه درم دریا پنزده درم روغن گل بگدازند و دو درم
نمک با آن بیامیزند و بر آن موضع ضماد کنند ضمادی که از
جهة برص اطفال نافع باشد صفت آن زرنیخ سرخ شب
یمانی گوگرد از هر یک یکدرم زفت رومی ده درم زفت را
در عسل و سرکه بگدازند و داروهای دیگر کوفته و بیخته تا آن سرشند
و ضماد کنند ضمادی که استسقای طبلی را سود دارد صفت
آن بابونه اکلیل الملک مرزنگوش شبت فودنه از هر یک
ده درم زیره کرمانی سه درم کوفته و بیخته با آب سداب ضماد
کنند ضمادی که ورق بلغمی معده را نافع بود صفت آن جعده
پنجدرم اکلیل الملک حماما بابونه شبت مصطکی از هر یک ده درم
افسنتین سنبل صبر از هر یک هفت درم کندر شش درم تخم خطمی
پانزده درم پیه بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید
سی درم ضماد سازند چنانک رسمست ضماد بواسیر کم کند
بزرک مقل ازرق از هر یک پنجدرم بروغن گاو سرشته ضماد کنند

ضمادی که قروح متعفن را نافع باشد صفت آن افیون زعفران
از هر یک نیم دانک مرداسنک یکمثقال سفیداب ارزیز نیم درم رو
غن گل بموم ضماد سازند چنانک بسمت(؟) ضمادی که اخراج مشیمه
و جنین میت کند صفت آن شحم حنظل قسط سداب از
هر یک سه درم مر یکدرم کوفته و بیخته بزهرهٔ گاو سرشته و بر عانه
و ناف ضماد کنند ضمادی که صداع بارد را نافع است صفت
آن بابونه اکلیل الملک درمنهٔ ترکی شبت ورق [illegible] مرزنگوش
مساوی بروغن خیری ضماد کنند ضمادی که اسهال صفراوی را
را نافع باشد صفت آن برگ مورد گل سرخ گلنار صندل
مازو آمله لادن سماق اقاقیا حضض مساوی کوفته و بیخته با آب
مورد سرشته بر شکم ضماد کنند ضمادی که زلق الامعا و بلغمی را نا
فع بود صفت آن لادن سعد مصطکی قصب الذریره
اذخر مرزنگوش تمام از هر یک پنج درم عود جوزبوا قرنفل از هر
یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب مورد ضماد کنند ضمادی که بول دم

حبس کند صفت آن گل ارمنی گل مختوم صمغ عربی تخم خرفه
کثیرا ورق گل سرخ گلنار شاخ گوزن سوخته عصارهٔ لحیة التیس
از هر یک دو درم مازو یکدرم کوفته و بیخته با آب مورد ضماد کنند
ضمادی که اورام ثدی را سود دارد صفت آن نان گندم
آرد جو باقلی خطمی حلبه از هر یک ده درم زعفران نیم درم کوفته
و بیخته بزردهٔ تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که نگذارد پستان
بزرگ شود صفت آن ودع سوخته آرد جو مساوی بسرکه
سرشته و در هر ماهی سه روز متوالی ضماد کنند ضمادی که
اماس چشم بنشاند و درد ساکن کند صفت آن آرد جو ده
درم آرد باقلا پنج درم اقاقیا یکدرم سفیدهٔ تخم مرغ یک بیضه
با کشنیز تر و آب کاسنی ممزوج ساخته ضماد کنند ضمادی
که از جهت اخلاط غلیظ در اعضا حادث شده نافع است صفت آن
آرد جو ده درم سبوس گندم بنفشه از هر یک پنج درم خطمی سه درم با آب
برگ بید و روغن گل و قدری سرکه ضماد کنند ضمادی که اماس

بناگوش را بنشاند صفت آن پیه بط و پیه مرغ از هر یک
پنج درم بگدازند و پنج درم پشک گوسفند کهنه کوفته و بیخته با آن بسرشند
و ضماد کنند ضمادی که اسهال را که بسبب آن ضعف قوة ماسکه
و برودة جگر باشد نافع است صفت آن سنبل قصب الذریره
افسنتین قشور کندر مصطکی لادن برگ مورد ورق گل سرخ صندل
از هر یک ده درم پوست انار ترش و آمله از هر یک پانزده درم
کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضمادی که درد بواسیر بنشاند صفت
آن مقل کوهان شتر مغز ساق گاو و مغز استخوان زرد آلو موم
زرده تخم مرغ مساوی در روغن گاو که پیاز در وی جوشانیده باشند
حل کنند و ضماد سازند و پیاز بر روغن گاو بریان کرده نیز ضماد کا
نافع است ضمادی که قیلة الماء را سود دارد صفت آن
آرد جو پشک گوسفند کهنه گل ارمنی سرگین گاو خشک از هر یک
ده درم سعد بوره ارمنی زیره کرمانی مس سوخته تخم حنظل صبر
سقوطری قثاء الحمار از هر یک یک درم کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند

ضمادی که افراط طمث را نافع باشد صفت آن عدس
مقشر پوست انار ترش مازو برگ مورد مساوی کوفته و بیخته بسرکه
بسرشند و بر پشت و شکم و عانه ضماد کنند ضمادی که شیر زنان زیاده
کند صفت آن آرد باقلی ده درم تخم بادروج پنج درم کوفته و بیخته
باب بادروج ضماد کنند ضمادی که نگذارد ناف بیرون آید
صفت آن شب یمانی سه درم مازو سه عدد کوفته و بیخته
بشش درم سرکه ضماد کنند و بر فاده محکم ببندند ضمادی که نیش
کژدم را سود دارد صفت آن آرد جو بیست درم افیون ده درم
باب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی که نقرس مرکب را نافع بود
صفت آن مغاث خطمی تخم مرو آرد جو سورنجان مساوی
بروغن گل و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که جمیع انواع
مفاصل را نافع بود صفت آن بابونه خطمی اکلیل الملک
از هر یک بیست درم اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم
موم و سرکه از هر یک پنج درم روغن شبت بیست درم

ضماد کنند چنانک رسمست **ضمادی** که جمیع اورام حاره را در
ابتدا نافع بود و ماده را ردع کند **صفت آن** شیاف مامیثا
اقاقیا فوفل صندل سرخ با آب عنب الثعلب ضماد کنند **ضمادی**
که بواسیر و درد مقعد و زحیر را نافع بود **صفت آن** مر ساق
کاو ده درم سفیده سه درم اقاقیا دم الاخوین کندر و از
هر یک نیم درم مرداسنگ سفیداب ارزیز از هر یک یکدرم و نیم
مقل یکدرم افیون دانکی روغن گل بیست درم بطریق معهود
ضماد کنند **ضمادی** که مخصوص به بواسیر است **صفت آن**
روغن مغز استخوان زرد الو نیم مثقال پیه بط پنج درم میعه سایله
درم مقل دو درم زفت یکمثقال و نیم ضماد سازند **ضمادی**
که عجیبی خاصیت دارد **صفت آن** پیاز نرگس با پیه زعفران
و در روغن گاو بریان کرده از هر یک پنجدرم مقل یکدرم
نیم درم افیون دانکی و نیم ضماد سازند **ضمادی** که عجیبی عمل
کند **صفت آن** روغن مغز استخوان زرد آلو ده درم کوهان

شتر نه مثقال برگ شفتالوی خشک و موم سفید از هر یک سه درم
مقل یکمثقال مرداسنگ دو درم ضماد سازند چنانک رسمست
ضمادی که ورم بارد خصیه را نافعست **صفت آن** آرد باقلا
حلبه بابونه زیره مویز منقی بروغن کنجد ضماد کنند **ضمادی** که خنازیر
را تحلیل دهد **صفت آن** کشنیز انجدان نانخواه دو درم صبر یکدرم
با آب کشنیز تازه ضماد کنند **باب الطلاء**
طلای که از جهة صداع حار نافعست **صفت آن** صندل سرخ
و سفید تخم کاهو از هر یک سه درم گل نیلوفر گل سرخ از هر یک چهار
درم زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم تخم خشخاش
یکمثقال با آب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند
طلای که ورم بینی گوش را نافع بود **صفت آن** صندل سرخ
فوفل شیاف مامیثا صبر زعفران مرسا دی بگلاب طلا کنند
طلا رعاف آرد جو گلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون
صندل سفید از هر یک سه درم کافور دانکی بگلاب تر ساخته بر پیشانی

طلا کنند طلای که موی را از ریختن نگاه دارد صفت آن سپیدبادشان
لادن افسنتین حب الغار ساوی بکوبند و در روغن مورد بپزند و
طلا کنند طلایی که شکستن و شکافتن موی را سود دارد صفت
آن برگ چغندر لعاب بزرقطونا در حمام بر سر و رویش
طلا کنند طلای که سبوسهٔ سر را ببرد صفت آن آب برگ
چغندر چهل درم بوره ده درم زهره گاو یک درم بعسل بسرشند
و بر سر طلا کنند   که منع انبات موی کند   وزغ
را در سایه خشک کنند و بسایند و خون لاک پشت نهری خشک کرده
و آهک و بوره و مرداسنگ و صدف سوخته از هر یک قدری بآب
بسرشند چون موی بغل و عانه برکنده باشند بران طلا کنند و نیک
بمالند دیگر بر آنجا موی نروید و جمیع مخدرات و مبردات همین خاصیت
دارند مثل آنکه اگر موی از موضعی برکنند و آن موضع را به بنگ
و افیون و شوکران پخته طلا کنند چند بار منع انبات کند طلای
دیگر که درین باب مجربست صفت آن شیره گلخیر و خایه مورچه

زبد البحر و ترشی ترنج از هر یک قدری بگیرند ممزوج سازند و موی
را برکنند و سه بار بران موضع طلا کنند منع انبات کند و اگر
پیش از بلوغ و انبات عانه این طلا را استعمال نمایند موی
از آنجا نروید طلاهای که موی برویاند و داء الثعلب را نافع
باشد صفت آن لادن سوخته چوب کتان گل شقایق با روغن
روغن مورد طلا کنند یا برگ مورد کوفته با لادن و حرور روغن مصطکی
بمالند یا قعاح اذخر و قرنفل و سعد و مازو کوفته و بیخته با شراب
طلا کنند یا سم استر سوخته با روغن دنبه بمالند بعد از آنکه
پیاز عنصل چندان مالیده باشند که آبله کرده باشد نافع بود و
اگر زبد البحر و برنجاسف سوخته بروغن زیت طلا کنند همین
عمل کنند طلای که حکه و جرب یابس را نافع باشد صفت آن
مغز استخوان زردآلو و تخم ریواس از هر یک پنج درم نمک طعام و
زیبق مقتول از هر یک دو درم مجموع را در بیست درم ماست
ممزوج سازند و طلا کنند و یکساعت بگذارند پس بشویند طلای دیگر

که همین خاصیت دارد صفت آن زیبق مقتول خما شحم حنظل
اقلیمیا نوره عدس مقشر مساوی با سرکه و روغن گل طلا کنند طلای دیگر
که همین منفعت دارد صفت آن مغز بادام تلخ سنا مکی مرداسنگ
از هر یک سه درم کنجد ده درم با سرکه و روغن گل طلا کنند طلای دیگر
از جهت جرب رطب نافعست صفت آن کندش دفلی مرداسنگ
از هر یکی ده درم نمک پنج درم با سرکه و روغن گل تر ساخته در حمام طلا
کنند طلای دیگر که جرب رطب را نافع باشد صفت آن زرد چوبه
بوره مرقسط کندش از هر یک یکدرم میعه سایله پنج درم با روغن گل
تر ساخته در حمام طلا کنند و سه ساعت بگذارند پس بسبوس و
آب گرم بشویند طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
کوکرد زرد یکمثقال پیه بز ده مثقال روغن گل ده مثقال پیه را
در روغن گل بگدازند و کوکرد صلایه کرده بان ممزوج سازند
شب بمالند و صباح در حمام بشویند طلای دیگر که همین منفعت
دارد صفت آن زیبق مقتول پنج درم کندش ده درم

زراوند

زراوند طویل هفت درم با روغن گل سه روز طلا کنند طلای
دیگر که همین عمل کند صفت آن عاقرقرحا مویزج خردل
حنا زیبق مقتول کوکرد موم مساوی با روغن دنبه ممزوج
ساخته طلا کنند طلای دیگر که از جهت جرب نظیر ندارد
و مکرر بتجربه رسیده صفت آن کوکرد حنا از هر یک
یکمثقال پوست هلیله زرد زیبق مقتول شیطرج هندی
از هر یک نیم مثقال فلفل دانکی روغن دنبه بیست
مثقال بطریق معهود بیکدیگر ممزوج شب بمالند و صباح
در حمام بسبوس و سرکه و آب گرم بشویند طلای که از
جهت حکه نافعست صفت آن تخم خشخاش و اسفاناخ
کوفته در سرکه خیسانند و در حمام بمالند طلای که حکه
خصیه را نافع باشد صفت آن شیاف ماشیا اق
قیا از هر یک چهار درم اشنان دو درم نوشادر
دانکی زعفران یک طسوج کوفته و بیخته با روغن گل و سرکه

تر کرده طلا کنند طلای دیگر که همین خاصیت دارد صنعت آن
شیاف مامیثا اقاقیا از هر یک سه درم صبر نوشادر از هر یک چهار دانگ
یکدرم بگلاب و سرکه طلا کنند طلای که قوبا را نافع باشد صنعت آن
کوکرد دو درم سفیداب هشت درم مویزج یکدرم بسرکه طلا کنند جا
بیک رحمت طلای که همین خاصیت دارد صنعت آن خربق
سفید چهار درم ترمس صدف سوخته نطرون از هر یک سه درم
کوفته و بیخته بسرکه تر ساخته طلا کنند طلای که همین منفعت دارد
صنعت آن اشق ترمس از هر یک یکدرم بورهٔ ارمنی دو درم بسرکه کهنه
سرشته طلا کنند و بعد از ساعتی بآب گرم بشویند طلای که قلع ثالیل
کند صنعت آن مازو شب یمانی تخم حجر کوفته و بیخته بزهرهٔ گاو سرشته
و چند نوبت طلا کنند طلای که سوختگی آتش را نافع باشد صنعت
آن عدس مقشر و گل سرخ بپزند تا مهرا شود پس سفیداب و آرد جو
و روغن گل با آن بیامیزند و طلا کنند طلای که تربل و آماس نرم
که بعد از بیماریها دراز در پشت چشم و روی و پا پیدا شده
باشد

باشد زایل کند صنعت آن صبر اقاقیا مامیثا سعد شیاف مامیثا زعفران
حضض گل ارمنی کوفته و بیخته بسرکه و آب عنب الثعلب طلا کنند
طلای دیگر که صداع را نافع باشد صنعت آن مر زعفران افیون بزر
البنج کندر مساوی کوفته و بیخته بگلاب تر کرده بر صدغین طلا
کنند طلای منوم نیلوفر بنفشه تخم کاهو از هر یک سه درم پوست
خشخاش و شیاف مامیثا از هر یک دو درم صندل سرخ و سفید
از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته بآب برگ کاهو بر پیشانی و
صدغین طلا کنند طلای که اسهال و قی باز دارد صنعت آن
گل سرخ یکدرم اقاقیا گلنار مازو شب یمانی جوز السرو صندل
سرخ و سفید عدس برگ مورد از هر یک سه درم طباشیر دو درم
بآب برگ به بر شکم و معده و پشت طلا کنند طلای که ورم
حار جگر را نافع باشد صنعت آن بنفشه خطمی آرد جو از هر
یک هفت درم گل سرخ چهار درم صندل سفید بابونه اکلیل
الملک تخم کاشنی تخم کشوث نیلوفر از هر یک دو درم شیاف مامیثا

سه درم ریوند چینی یکدرم سنبل نیم درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاشنی
طلا کنند **طلایی** که ورم حار خصیه را نافع بود **صفت آن** بابونه
اکلیل الملک خطمی شیاف مامیثا پوست دربندی از هر یک هشت درم
صندل سرخ و سفید از هر یک سه درم بنفشه دو درم کوفته و بیخته بگلاب
و آب کاشنی طلا کنند **طلایی** که افراط حیض را باز دارد **صفت**
آن گل سرخ عدس مقشر از هر یک پنجدرم اقاقیا گلنار صندل لبنی از
از هر یک سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط و کثیرا از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته بآب به بر عانه و پشت طلا کنند **طلایی** که از جهت نبات
اللیل نافع باشد **صفت آن** خطمی بابونه اکلیل الملک از هر یک
چهار درم ترمس پوست دربندی از هر یک یکدرم حر شیاف مامیثا
از هر یک یکدرم و نیم آرد باقلا سه درم کوفته و بیخته بآب کرفس طلا
کنند **طلایی** که از جهت سعفه تر که بر روی اطفال باشد نافع بود
صفت آن سفیداب ارزیز سه درم گل سرخ دو درم اقاقیا گلنار
و زرد چوبه از هر یک یکدرم کافور طسوجی موم سفید دو درم و نیم

روغن گل

ده درم موم را در روغن بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته
بآن ممزوج سازند و طلا کنند **طلایی دیگر** که همین خاصیت دارد
صفت آن اشنان سبز و مرده سنگ از هر یک پنجدرم گل ارمنی حضض
پوست انار از هر یک سه درم حنا و قنبیل از هر یک چهار درم اقاقیا
شیاف مامیثا صندل از هر یک سه درم بگلاب تر ساخته طلا کنند **طلا**
یی که از جهت سعفه **صفت آن** برگ مهک چهار درم حنا و
مازو از هر یک دو درم بروغن دنبه طلا کنند **طلای دیگر** که همین منفعت
دارد **صفت آن** آب برگ چغندر روغن دنبه از هر یک صد درم بجو
شانند چندانکه آب برود و روغن بماند بعد از آن برگ مهک
و حنا از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و طلا کنند
طلای دیگر که از جهت سعفه که در بدن اطفال پیدا شود **صفت آن**
زرد چوبه حنا زراوند مرداسنگ پوست انار بروغن گل و سرکه
طلا کنند **طلایی** که از جهت سعفه کهنه **صفت آن** نمک سوخته
زاج سفید سوخته گوگرد خاک زیبق مازو زرد چوبه زراوند مرداسنگ

کوفته و پخته بروغن گل و سرکه طلا کنند طلای دیگر که سعفه تر را نافع
باشد صفت آن نمک و اشنان بسرکه تر کرده چند نوبت بمالند و آگر
صابون رقی بگلاب بزنند تا کف برآرد و بعد از آن بیخ بنفشه و موم
سفید و روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا
کنند و یکساعت بگذارند پس بآب گرم بشویند سعفه را استیصال
نماید طلای که شپش را دفع کند صفت آن مویزج شوره
از هر یک دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زیبق مقتول بکدام سرکه
و روغن گل طلا کنند و اگر بدن را بروغن کافور چرب کنند
و بآبی که در و گل سرخ و برگ مورد جوشانیده باشند بشویند
بغایت نافع باشد طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت
آن مویزج زرنیخ سرخ زراوند طویل مساوی بروغن زیت بر
بدن طلا کنند در حمام بعد از آنکه عرق کرده باشد طلای
که کلف را ببرد صفت آن پوست بیخ خربق اشنان بآب
خربزه پرورده آرد جو بیخ لی پوست عدس آرد باقلی قرنفل

کف دریا

کف دریا مامیران چینی مساوی بآب ترب طلا کنند طلای دیگر
که برش را ببرد صفت آن سپیدان سفید زرنیخ سرخ مساوی
بشیر تازه طلا کنند طلای که اثرهای زردی از روی ببرد صفت
آن زراوند مدحرج شیطرج هندی از هر یک ده درم آرد باقلا آرد
نخود عدس سرخ از هر یک نیم درم سفیده تخم مرغ ترساخته شب
طلا کنند و صباح بآبی که تخم خرفه و کوفته در آن جوشانیده باشند
بشویند طلای که حصف را نافع باشد صفت آن حنا و نمک
کوفته و بیخته بسرکه ترسازند و در حمام بمالند و یکساعت بگذارند
پس بآب گرم و سبوس بشویند طلای که جذام را نافع باشد صفت
نطرون اشق فرفیون کوکرد زرد برگ انجیر مساوی بسرکه
طلا کنند طلای از جهة کلف صفت آن ترمس تخم ترب
تخم جرجیر قسط مغز بادام تلخ بوره ارمنی فلفل مقل مساوی بآب
برگ ترب طلا کنند طلای که بهق و برص را زایل کنند
صفت آن قوه گندم شیطرج خردل تخم ترب مازریون

تخم حنظل خربق سیاه و سفید مویزج سقمونیا شیطرج تخم ترب خردل
از هر یک یک جزو شقایق دو جزو کوفته در سرکه خیسانند یکشبانروز
روز دیگر طلا کنند طلای که بهق اسود و ابیض را سود دا
رد صنعت آن گل شقایق سقمونیا شیطرج تخم ترب خردل
صمغ اکوا از هر یک یک مثقال کوفته در سرکه خیسانند یکشبانروز
و بعد از انک در حمام کیسه بران مالیده باشند و جو را رنده
کرده با سرکه مالیدن همین عمل کنند طلای که حب القرع و کرم
دراز اطفال را اخراج کند صنعت آن افسنتین سه درم برگ
شفتالو ده درم زهره گاو یکعدد بر حوالی ناف طلا کنند طلای
که چون بر سر اقرع مالند موی بر وی باید صنعت آن فلفل کوفته
و پیه یا زهره خوک و عسل سرشته طلا کنند طلای ارتیاسوس
شعیره و برده را نافعست صنعت آن کندر مر از هر یک
یکدرم لادن شب یمانی بوره ارمنی از هر یک دانگی نیم موم نیم
درم بروغن زیت طلا کنند طلای که چون بر پیشانی و دست

چشم مالند ابتداء نزول را سود دارد و ماده را دفع کند
صنعت آن شیاف مامیثا صبر حضض گل سرخ صندل سرخ فوفل
زعفران مساوی با آب گشنیز تازه یا آب کاشنی طلا کنند طلای
که شرناق را نافع بود صنعت آن صبر یکدرم شیاف مامیثا
اقاقیا مر از هر یک ده درم زعفران نیم درم کوفته
و بیخته با آب مورد یا آب کاشنی طلا کنند طلای که ورم چشم
را بنشاند و درد ساکن کند صنعت آن عدس مقشر صندل
گل سرخ از هر یک دو درم کافور دانگی نیم با آب کاشنی بر
پیشانی و جفن طلا کنند طلای دیگر که همین خاصیت دارد
صنعت آن صبر شیاف مامیثا حضض گل زعفران افیون ا
قاقیا گل ارمنی صندل سرخ مساوی با آب عنب الثعلب
با گلاب طلا کنند طلای که صداع بارد را نافع بود صنعت
آن مشک زعفران فرفیون صبر جندبیدستر صمغ عربی عود
از هر دو دانگ افیون دانگی نیم با آب کرفس یا آب مرزنگوش

تر سازند و بر کاغذ پاره کشند و بر پیشانی و صدغین اندازند طلای
که حمره را نافع بود صفت آن زعفران صبر اقاقیا فوفل گل ارمنی
صندل سرخ شیاف ماميثا بآب کاشنی یا آب عنب الثعلب طلا کنند
طلای که سکته را نافع بود صفت آن خردل جندبیدستر کبر
کهنه بر سر طلا کنند بعد از آنکه سر را تراشیده باشند طلای که
لقوه را سود دارد صفت آن صبر حضض مکی مر از هر یک یکدرم زعفران
دو دانگ بگلاب طلا کنند طلای که جحوظ عینی را سود
دارد صفت آن صبر حضض اقاقیا عصاره لحیة التیس بآب
عنب الثعلب طلا کنند طلاء الزرد اورام حاره را نافع بود صفت
آن صندل سرخ شیاف ماميثا از هر یک ده درم گل ارمنی
ده درم فوفل اقاقیا حضض مکی از هر یک دو درم سفیداب
ارزیز مرداسنگ از هر یک یکدرم قیمولیا نخود درم کوفته و بیخته
بآب کاشنی سرشند و گلوله سازند بمثقال کعبتین وقت دو درم
یکی را از آن بآب گشنیز تازه بسایند و طلا کنند طلای که شکم

ببند

ببندد و اسهال بازدارد صفت آن اقاقیا سعد مر کندر کعک
جوز السرو مازو گل سرخ آمله گل ارمنی گاورسی بیخ عدس بلوط
گلنار بزر البنج صندل بآب مورد یا آب بدبوشکم طلا کنند طلای
که چون بر خصیه اطفال مالند نگذارد که بزرگ شود صفت آن
قیمولیا و سفیداب ارزیز از هر یک دو درم شب یمانی و مازو از هر
یکی [illegible] نمک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بخل و روغن مورد چند
نوبت [illegible] طلا کنند طلای که گشتگی رحم را سود دارد صفت
آن زرنیخ ترکی صدف سوخته بوره ارمنی سرگین گاو کهنه
مساوی با سرکه طلا کنند طلای که منع آبستنی کند و اگر آبستن باشد
بچه بیندازد صفت آن سداب خشک نطرون مساوی کوفته
و بیخته بآب سداب تر سرشند و بر قضیب طلا کنند و مباشرت
ننمایند طلای که در آبستنی معین باشد صفت آن حب بلسان
جاوشیر مقل بادآورد مساوی کوفته و بیخته با زهره گاو بر قضیب
طلا کنند و بگذارند تا خشک شود بعد از آن مجامعت کنند زنان

آبستن گردد طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن برگ
سپند خشک بکوبند و با زهره گاو بر قضیب طلا کنند و مباشرت
نمایند طلای که کرامت عرق زایل کند صفت آن سک کلاج
سنبل سعد شب یمانی مر از هر یک قدری کوفته و بیخته بگلاب
تر ساخته بر بدن طلا کنند طلای که صنان زایل کند
صفت آن راسن زراوند طویل برگ خیار کاغذ آبگینه مجموع
سوخته زعفران مساوی کوفته و بیخته با آب مورد سرشته و گلو
لها سازند و خشک کنند بعد از ان نعل را بجوشانند تا چون آلود
شود و یک گلوله از آن بگلاب سوده در ان مالند و یکبار زد و ز
بگذارند دیگر ان نتن نباشد طلای که حبس عرق کند صفت آن
برگ مورد گلنار مازو مساوی کوفته و بیخته با آب غوره یا آب برگ
مورد تر سازند و بر بدن طلا کنند طلای که صنان را نافع باشد
صفت آن شب یمانی مر گل سرخ برگ مورد مرداسنگ بغل
را بآب اشنان بشویند و داروها کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته

بر آن

بر آن طلا کنند طلای که منع نزلات کند صفت آن اقاقیا
صبر شیاف مامیثا حضض گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته
بسپیده تخم مرغ بسرشند و بر پیشانی و شقیقه طلا کنند طبیخی که
حیض بیارد صفت آن اسارون یکدرم سداب نیم درم رازیانه
دو درم لوبیا سرخ پنجدرم عسل ده درم بجوشانند و صاف کنند
و سه روز متوالی باز خورند طبیخی دیگر که همین خاصیت دارد
و نافعست مردان را نیز چون ایشان محتبس شده باشد
صفت آن افسنتین درمنه ترکی ترمس سداب رازیانه تخم کرفس
از هر یک دو درم انجیر پنجعدد گلقند ده مثقال بجوشانند چنانکه
رکست و صاف کنند و سه روز متوالی باز خورند سه روز
دیگر استراحت نمایند باز سه روز دیگر بنوشند همچنین عمل
میکنند تا ادرار تمام واقع شود طبیخی که قی باز دارد
و معده را قوة دهد صفت آن انار دانه ده درم مصطکی
و نعناع خشک از هر یک یکدرم در یک رطل آب بجوشانند

تا به نیمه آید صاف کنند و عود و مشک از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
اضافه کنند و بنوشند طبیخی که حیض براند صفت آن لوبیا سرخ
حلبه اینیسون فوه از هر یک چهار درم سداب سه درم در سه
رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند و قدری شکر اضافه کنند
و هر صباح چهار درم بنوشند طبیخی دیگر که همین منفعت دارد
صفت آن لوبیا سرخ سه درم فراسیون فوه از هر یک چهار
درم فودنه ده درم در پنج رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف
کنند و قدری میبختج اضافه کنند و هر صباح سه درم بنوشند

باب العین

عطوسی که فالج و سکته و لقوه
و امراض بارده راس را نافع باشد و تنقیه دماغ کند و عسر
البول را سود دارد و اخراج مشیمه کند صفت آن کندش شونیز
فرفیون فلفل جندبیدستر زراوند جب بلسان مشک عاقرقرحا بورق
ارمنی مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند عطوسی دیگر که همین
خاصیت دارد صفت آن تخم حنظل فلفل اسطوخودوس

جندبیدستر

جندبیدستر از هر یک سه درم کندش هشت درم کوفته و بیخته
قدری در بینی دمند عقد سیماب از جهت سرعت انزال
نظیر ندارد صفت آن زیبق پنج مثقال با قدری سرکه بدستهٔ
آبگینه یا آهن نیک صلایه کنند تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی
سوده داخل نمایند و مغرفه آهنین را با از سرکه سازند و اینها
را دران مغرفه ریزند و بر سر آتش نهند و سه مثقال روی سوخته
صلایه کرده اندک اندک بجوز دان میدهند و بدستهٔ آبگینه یا آهن
بهم میزنند تا ملغمه شود بعد ازان انرا بوصله مثقالی پاک چالانید
آنچه در کرباس بماند بستانند و چندان با آب بشویند که تمام پاک
شود و چرک ازان برود پس انرا گلوله سازند و میان انرا سو
راخ کنند و ریسمانی دران بگذرانند و در آب لیمو اندازند و
یکشب بگذارند تا محکم شود ماشند بحری بعد ازان انرا در
روغن تا لوزه بجوشانند و در محل حاجت در دهن نگاه دارند
چون خواهند که انزال شود از دهن بیرون آورند والله اعلم

باب الغین غرغره از جهة ثقل لسان که
سبب آن بلغم باشد صفت آن نوشادر سه درم زنجبیل نمک
هندی شونیز عاقرقرحا مویزج صعتر ایارج فیقرا ایرسا از هر یک
هفت درم بوره ارمنی وج از هر یک پنجدرم زوفا و دار فلفل
از هر یک ده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و با سکنجبین غرغره
کنند غرغره که قروح حلق را نافع باشد صفت آن زاج سفید
وسیاه کاغذ سوخته مازو سبز کندر حنا زعفران از هر یک یک مثقال
نمک سوخته نوشادر از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند
غرغره دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مازو سبز کاغذ سوخته
زنگار زاج سفید کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره دیگر که همین منفعت
دارد صفت آن اصل السوس خرنوب کوفته و بیخته بعسل و گلاب
غرغره کنند غرغره دیگر که همین عمل کند صفت آن کندر یکدرم
مازو سوخته یک عدد زنگار نیم درم کاغذ و نمک سوخته یک ورق از
زعفران دانگی کوفته و بیخته در سرکه و عسل حل کرده نیم گرم غرغره

کنند

کنند غرغره که فالج ولقوه وصرع را نافع بود و سر و دماغ
را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن ایارهٔ فیقرا ایرج خردل
مویزج عاقرقرحا زنجبیل فودنه صعتر اصل السوس پوست بیخ کبر
کوفته و بیخته بعسل غرغره کنند غرغره که ثقل لسان و سکته و
فالج را سود دارد صفت آن مویزج خردل زنجبیل عاقرقرحا
فلفل دار فلفل بوره ارمنی ایرسا مرزنگوش مساوی کوفته و
بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که خناق و ذبحهٔ صفراوی
و دموی را نافع باشد و حرارة لهاة بنشاند صفت آن
گل بنفشه طباشیر نشاسته تخم گل زعفران از هر یک دو درم
تخم کرفس سه درم مازو سماق از هر یک نیم درم قند چهارده
درم کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که دماغ را
از فضول پاک کند صفت آن مویزج دانگی نیم عاقرقرحا
خردل از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بسکنجبین عنصلی غرغره
کنند غرغره که قلاع و بثور خاش لثه را و ذبحه را نافع باشد

صفت آن سماق برگ مورد گل سرخ زیتون جوشانیده
صاف کرده رب توت ده درم اضافه نمایند غرغره کنند
غرغره که سقوط لهات را که سبب آن رطوبت باشد نافع
بود صفت آن گلنار شش درم شب یمانی دو مثقال نمک
اندرانی دو مثقال و نیم اقماع الرمان و تخم گل از هر یک یک درم
و نیم کوفته و بپزند برب توت غرغره کنند غرغره که قلاع سودا
وی را نافع باشد صفت آن سماق گل سرخ گشنیز گلنار برگ
مورد خرنوب جوشانیده غرغره کنند غرغره که نافعست از جهة
سرفه که سبب آن نزله باشد صفت آن گل سرخ گلنار
خرنوب بجوشانند و صاف کنند و پیش از خواب غرغره کنند
غمره که روی را سفید و براق گرداند و صاف گرداند صفت
آن آرد جو آرد نخود آرد باقلا ناشسته کثیرا تخم ترب
کوفته و بیخته بشیر تر سازند و شب بر روی مالند و صباح
ببوسی و آب گرم بشویند غمره دیگر که همین خاصیت دارد

صفت آن

صفت آن آرد جو آرد باقلا آرد نخود از هر یک یک جزو
عدس مقشر کثیرا نشاسته زعفران از هر یک نیم جزو
مغز تخم خربزه دو جزو به سفیده تخم مرغ سرشته شب بمالند
و صباح بابی که در آن پوست خربزه و نخود جوشانیده باشند
بشویند غمره که همین منفعت دارد باقلا
مقشر کرسنه ترمس تخم ترب مغز تخم خربزه نخود نشاسته
کوفته و بیخته روی را بآن بشویند باب
الثا
فی الجوارشن معده را قوة دهد و بواسیر را نافع بود و باه را
زیاده کند و رنگ را نیکو گرداند و دفع سرعة انزال
کند صفت آن پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست
بلیله و آمله مقشر و شیطرج هندی و سنبل الطیب
و فلفل و دارفلفل و زنجبیل و سعد از هر یک ده درم
تخم شبت و تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید صد
درم عسل سه وزن ادویه خبث الحدید را چهار شبانروز در سرکه

گوی

خیسانند بعد از آن خشک کنند و صلایه نمایند چندانکه بر روی
آب بایستد و بته آب فرو نرود و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه
نمایند و بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی دو درم و بعضی دو درم مشک اضافه میکنند فیروز
نوشش نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض زنان حامله را که
سبب آن برودة باشد سود دارد و بادهای غلیظ را دفع کند
صفت آن فرفیون عاقرقرحا سنبل زعفران از هر یک هفت درم
افیون و بزر البنج از هر یک بیست درم کوفته و بیخته بعسل سرشته
و بعد از شش ماه استعمال نمایند فیروز نوشی ممسک معده را
صفت قوة دهد و باه را زیاده کند و سرعة انزال را دفع کند
آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شیطرج هندی تخم کر
فس حب بوا قسط تلخ سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان زرشک
از هر یک شش درم پوست بلیله آمله منقی نانخواه دار فلفل
از هر یک چهار درم تودری قرفه سنبل جوزبوا زنجبیل

فلفلمویه از هر یک هفت درم سعد ده درم مشک دو مثقال
عنبر یک مثقال خبث الحدید مدبر بوزن ادویه روغن گاو چهل مثقال
عسل مصفی دو وزن نیم ادویه بطریق معهود معجون سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم به بنید زبیب
یا به شیر گوسفند تازه فندادیقون درد معده و امعا را سود
دارد و معده را گرم کند و بادها بشکند صفت آن زعفران انجدان
تخم سداب تخم کرفس زنجبیل جاوشیر مغز چلغوزه از هر یک
شش درم فلفل هشت درم عسل دو وزن ادویه شربتی یک مثقال
یا دو مثقال فندادیقون بنسخه دیگر منافع همه وقریب بیکدیگر
یکدیگرست صفت آن زنجبیل فلفل سنبل از هر یک شش درم
مصطکی نانخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس فودنه از هر یک
پنج درم زیره کرمانی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا از هر یک دو درم
ساذج هندی یک درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند فلونیا
رومی این معجون مبارک است نزلها باز دارد و دردها

ساکن گرداند و قی و دم و اسهال دموی و قولنج و هیضه و سیلان طمث
را نافع باشد **صفت آن** فلفل سفید و دار فلفل و بزر البنج از هر یک
بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال تخم کرفس کوهی و
سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم کرفس نبطی ساذج هندی و
سلیخه حب بلسان عاقرقرحا از هر یک یک مثقال و در بعضی نسخها بعوض
تخم کرفس نبطی دو قوست مجموع کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دانگی تا نیم مثقال از جهة قولنج
در طبیخ شبت و از جهة درد گرده در طبیخ جعده و از جهة درد معده
در طبیخ انیسون و از جهة سپرز با سکنجبین و از جهة گرده و مثانه در طبیخ
رازیانه و از جهة باز داشتن خون در طبیخ سماق دهند **فلونیای**
فارسی استفراغ خون از هر موضع که باشد باز دارد و رحم
را قوة دهد و بادهای رحم را دفع کند و محافظت جنین نماید
و اسهال و قی باز دارد و دردها بنشاند و دماغ را قوة دهد و حافظه
زیاده کند **صفت آن** فلفل سفید بزر البنج از هر یک بیست

فرفیون

درم افیون و گل مختوم از هر یک ده درم زعفران پنج درم فرفیون
و سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جند بیدستر یک درم زرنباد
و درونج عقرب و اریدباسغنه مشک از هر یک نیم درم کافور دانگی نیم کوفته
و بیخته بعسل سرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یک درم
فودنجی درد معده و جگر که سبب آن برودة باشد و حمیات
بلغمی و تب ربع را و تبهای کهنه را سود دارد **صفت آن** فودنج نهری
و فودنج کوهی و فطراسالیون و سیساليوس از هر یک دوازده درم
تخم کرفس بابونه حاشا از هر یک چهار درم کاشم پانزده درم
فلفل سیاه چهل و چهار درم کوفته و بیخته با سه وزن ادویه عسل
مصفی سرشند شربتی یک درم با آب گرم **فلافلی** درد معده و شهوة
کلبی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام هضم کند
صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک سی درم حب بلسان
و مقل حماما و سنبل از هر یک دو درم زنجبیل تخم کرفس سیساليوس
سلیخه اسارون راسن از هر یک یک درم کوفته و بیخته با سه مثقل ادویه

عسل بسرشند شربتی یکدرم با آب گرم **فلدفیون** اکله و عفونت کشته را
نافع بود و گوشت برویاند و گوشت مرده ببرد **صفت آن** اقاقیا
دوازده درم زرنیخ سرخ و زرنیخ زرد از هر یک یکدرم حرصاف چهار
درم اهک زنده هشت درم شب یمانی شش درم کوفته و بیخته
ببرگ کهنه بسرشند و قرص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت
استعمال نمایند **فتیله** که رعاف را باز دارد **صفت آن** کلنار کندر
آسیا مازو از هر یک نیم درم افیون دانگی کوفته و بیخته بعصاره
سرکین خر بسرشند و بخانهٔ عنکبوت بگردانند و در بینی نهند بعد
از انکه بینی را بگلاب و سرکه شسته باشند **فتیله دیگر** که همین خاصیت
دارد **صفت آن** مازو سوخته و در سرکه انداخته دو درم زاج
سیاه چهار درم شب یمانی شش درم کافور دانگی کوفته فتیله
را از کتان بسازند و بدان بگردانند و در بینی نهند **فتیله دیگر** که
همین منفعت دارد **صفت آن** کاغذ سوخته پوست بلج سوخته
اقاقیا پوست انار از هر یک دو درم کوفته و بیخته و با آب مادرج

این دوا تا بچشم و سر و گوش و بینی و زبان و لب و دندان و ردی و انگشت و دست و بازو و پای و شکم و

با آب لسان الحمل بسرشند فتیله را بدان تر سازند و در بینی نهند **فتیله**
که گند بینی ببرد **صفت آن** حرپوست انار ریتشی از هر یک دو درم
قصب الذریره بزرالبنج از هر یک یکدرم و نیم زاج و قرنفل از هر یک
یکدرم فتیله را بشراب تر کنند و داروها کوفته و بیخته بدان آلوده
کنند و در بینی نهند **فتیله** که ریش بینی را نافع باشد **صفت آن**
زاج سیاه شب یمانی مرمازو توبال مس سوخته از هر یک
یکدرم زراوند طویل شش درم کندر دوازده درم مجموع کو
فته در ده من آب بپزند و به پالایند و باز بجوشانند تا بقوام
عسل آید و فتیله را بدان آلوده میکنند و در بینی می نهند
فتیله که خشم را نافع باشد **صفت آن** سعد صبر سنبل
گل سرخ قرنفل کوفته و بیخته با آب فودنه بسرشند و در بینی
نهند بعد از انکه بینی را بگلاب و سرکه چند نوبت شسته
باشند و اگر شوتیز را بریان کنند و یکشبانروز در سرکه خیسانند
و با قدری روغن زیت در بینی چکانند همین عمل کند **صفت آن**

فتیله که نافعست از جهة وجع گوش و ریم که از گوش آید صفت آن
انزروت بلّم مر بعسل سرشته فتیله را بدان تر کنند و در گوش نهند
فتیله که گرانی گوش ببرد صفت آن خردل سفید بکوبند و انجیر سفید
فربه و تخم و عسل از و جدا کنند و بوره و قو دمانا و خردل آنرا بسرشند
و فتیله سازند و در گوش نهند و خردل کوفته و انجیر کوفته در گوش
نهادن همین عمل کند فرزجه که اخراج مشیمه و جنین میت کند صفت
آن زراوند مدحرج ابهل ترمس جوف از هریک جزوی کوفته و بیخته
بزهره گاو بسرشند و فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین خاصیت
دارد صفت آن تخم جبازی خردل سفید مقل ازرق از هریک
جزوی کوفته و بیخته با قطران بسرشند و فرزجه سازند فرزجه
که مانع آبستنی گردد صفت آن تخم حنظل قوقی سرگین فیل خردل
حب قلقل استخوان زعرور مساوی کوفته بمیعه سایله بسرشند
و به پشم پاره بردارد هرگز آبستن نشود و اگر آبستن باشد بچه
بیندازد و گفته اند که هر زنی که حبه از حب الخروع بلع کند یکسال

آبستن نشود

آبستن نشود و اگر دو دانه دو سال و قس علی هذا فرزجه که
بچه زنده و مرده بیندازد صفت آن اشنان فارسی عاقرقرحا شونیز
سداب فراسیون از هریک قدری کوفته و بیخته بروغن زیت
بسرشند و استعمال نمایند فرزجه که در آبستنی معین باشد صفت
آن سرگین بز کوهی و مایهٔ خرگوش از هریک قدری کوفته
و بیخته بعسل گرم کرده بسرشند و به پشم پاره استعمال نمایند فرزجه
دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مشک زعفران سوده
بزهره گاو بسرشند و به پشم پاره استعمال نمایند فرزجه دیگر که همین
منفعت دارد صفت آن مایهٔ خرگوش دارچینی عنبر زراج نبات
مساوی کوفته و بیخته بگلاب سرشته استعمال نمایند فرزجه دیگر
که همین عمل کند صفت آن مامیران چینی سورنجان صبر ازیانه
زنجبیل از هریک دانگی با شکر سرخ فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین
عمل کند صفت آن میوه سایله چند بیدستر مرقسط بازرد جاوشیر
مقل مشک کوفته فرزجه سازند بعد از طهر چند نوبت و بعد از

فرزجه ساز

چهار ساعت مباشرت نمایند **فرزجه دیگر** که حیض منفعت دارد
صفت آن مایه خرگوش و سرگین او بعسل سرشته به پشم پاره بردارند
سه شب و بعد از آن مجامعت نمایند **فرزجه** که بچه مرده فرود
آورد **صفت آن** مر جاوشیر خربق سفید همساوی کوفته و بیخته بزهره
گاو سرشته و احتمال نمایند **فرزجه** که حیض براند **صفت آن** اشنان
عاقرقرحا جاوشیر سداب از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم کوفته
و بیخته بقطران سرشته فرزجه سازند **فرزجه** که منع حبل کند **صفت
آن** مازو حب الآس مساوی کوفته و بیخته بآب گرم سرشته فرزجه
سازند و پیش از مجامعت استعمال نمایند **فرزجه** که وجع رحم
و وجع بواسیر را نافع بود و ورم صلب رحم را نرم کند **صفت آن**
بابونه پیه بط افیون موم مساوی به پشم پاره بردارند **فرزجه** که
اورام رحم را نافع بود **صفت آن** کندر انزروت دم الاخوین
حب الآس گل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته بآب لسان الحمل سرشته
به پشم پاره احتمال نمایند **فرزجه** که رحم را قوه و فرج را تنگ

ان بکوبند و بوزن آن آرد کرسنه اضافه نمایند و با قدری
شراب بسرشند و دست را بروغن گل چرب کنند و قرص سازند
و بعد از دو ماه استعمال نمایند **قرص افعی** بدانکه انواع
افعی بسیار است و آنکه در تریاق فاروق مستعملست
اشقر باید زیرا که سیاه سخت زهرناک باشد و زهر آن
بد بود و سفید ضعیف باشد و اشقر معتدل بود و جوان
و تن درست باید و نشان جوانی آنست که حرکتهای او
قوی باشد و سریع الحرکة باشد و نشان تن درستی و قوة او آنست
که سر برافراشته دارد و چشمهای او سرخ باشد و دلیر بود و ماده
باید زیرا که زهر ماده ضعیف تر از زهر نر باشد و نشان ماده گی
آنست که در دهان او چهار دندان زهر باشد که آنرا نیش
دندان گویند از هر جانبی دو و نر را یکی باشد و مخرج ثفل
او و فرج او بدنبال نزدیک بود و دنبال او دراز نباشد
و این را مارگیران کلته دم خواهند و نیز باید که پوست شکم او صلب

باشد زیرا که صلابه علامه آن بود که در تن رطوبات فضلیه کم است
و سرهی باید از جهة آنک سرهی علامه قوة دماغست و در میان
فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد و اگر بهار طبع
زمستان داشته باشد در آخر بهار یا در اول تابستان باید گرفت
تا قوی باشد و ماوای او در میان درختان نباید خاصه درخت
بلوط و آب نزدیک نباید و در زمین شوره نباید بلک در
صحرای پاکیزه باید و بهتر آن باشد که در محلی که او را بگیرند بکشند
تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلود نگردد و تشنه و بیمار نشود و کشتنی
او چنان باید که چهار انگشت از سر و دنبال او بیک ضرب ببرند
و به تیشه تیز چنانچه قطعا هیچ پوست بر وی نماند و بیک
ضرب جدا شود زیرا که زهر در دهان و جانب سر او باشد
و فضلهای بد در جانب دنبال و چون کشته باشند نظر کنند اگر
از و خون بسیار آید و تا دیر گاه حرکت کند نیک باشد و اگر
زود از حرکت فرو ایستد ضعیف باشد بدین کار نشاید و آنکه

شایسته این کار باشد شکم او بشکافند و پاک کنند و پوست
او باز کنند و او را بآب صافی چند نوبت بشویند پس در آب
صاف و اندکی نمک با چند شاخه چوب شبت بجوشانند تا
مهرا شود و گوشت از استخوان جدا کرده و بگذارند تا سرد
شود و آب از و به پالایند و آن گوشت را با چهار یک وزن
آن نان سفید پاکیزه بریان کرده و یا آن آبی که از آن پالوده باشند
بسرشند و دست و بینی را بروغن بلسان چرب کرده اقراص
سازند هر یکی یک مثقال و در سایه خشک کنند چنانچه مطلقا اثر
نم در آن نماند و در ظرف آبگینه نگاه دارند و باید که در محل بیختن ادویه
و کوفتن و قرص ساختن بینی بگیرند تا بوی آن بدماغ نرسد
قرص اندروخورون مستعمل در تریاق فاروق و این نسخه
اختیار حنین ابن اسحق است **صنعت آن** دارشیشغان قصب
الذریره اسارون عود بلسان فو سلیخه مصطکی از هر یک شش مثقال
فقاح اذخر و زعفران از هر یک دوازده مثقال دارچینی و حماما

قرص قیفون

از هر یک بیست و چهار مثقال اقحوان بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب
ریحانی بسرشند و دست را بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند
و در سایه خشک کنند **قرص قیدفیون** مستعمل در بثره و لیطوسی
صنعت آن مویز منقی چهار درم علک البطم بیست و چهار درم اذخر
و ورد از هر یک دوازده درم دارچینی مقل اظفار الطیب سنبل رومی سلیخه
اکلیل الملک سعد حب الغار از هر یک سه درم قصب الذریره نه درم
زعفران یکدرم قنز الیهود دو درم کوفته و بیخته بشراب بسرشند و اقراص
سازند **قرص اندرومیا** که در مختصر اکبر مستعمل است **صنعت آن**
تمامادار شیشعان قسط قصب الذریره قرنفل فلفل ابیض ناخواه
از هر یک سه مثقال فو یکمثقال سنبل الطیب وج هندی از هر یک
هفت مثقال مر دارچینی مصطکی زعفران از هر یک شش مثقال کوفته
و بیخته بشراب صاف بسرشند و اقراص سازند قرصی یکمثقال و در سایه
خشک کنند **قرص کوکب** معده ضعیف را قوة دهد و نگذارد
که فضول از آن منقطع شوند و چون بر پیشانی طلا کنند صداع را

نافع

نافع باشد و منع نزلات کند و چون با زرد با او بخایند و بر
دندان کرم خورده نهند درد ساکن کند و چون با آب مرزنگوش
در گوش چکانند درد بنشاند و نفث الدم و سیلان خون از هر
موضع که باشد باز دارد و سرفه کهن را سود دارد و تبهاء
دایره را نافع بود و چون با آب مرزنگوش دهند و چون با آب
سداب بیامیزند و بیاشامند جمیع زهرها و گزیدن جانوران زهر
دار را نافع باشد و اگر بشراب بنوشند اسهال دموی و قروح امعا
و مثانه را نافع بود **صنعت آن** مر جندبیدستر سنبل سلیخه گل مختوم
پوست بیخ لفاح از هر یک چهار درم افیون زعفران قسط کوکب
الارض و از اطلق نیز گویند از هر یک یکدرم انیسون دوقو سیا کیو
بزر البنج میعه سایله تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغ عربی را در شراب
ریحانی حل کنند و داروهاء دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص
سازند قرصی یکدرم و در سایه خشک کنند **قرص طباشیر ملین**
سرفه و خشونت سینه و تبهاء محرقه را نافع بود و طبع نرم کند

وتشنگی بنشاند **صنعت آن** طباشیر سفید چهار درم ترنجبین سه
درم مغز تخم خیارین مقشر تخم کدو نشاسته صمغ عربی خشخاش کثیرا از
هر یک یک درم بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند **قرص
طباشیر ممسک** تبهای صفراوی را نافع بود و شکم ببندد و خون
باز دارد و تشنگی بنشاند **صنعت آن** گل سرخ پانزده درم صمغ
عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی از هر یک ده درم طباشیر سفید
سماق زرشک منقی از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند
و اقراص سازند **قرص طباشیر لولوی** مروارید ناسفته طباشیر
از هر یک سه مثقال بسد کهربا تخم حماض بریان طراثیث صمغ
عربی از هر یک دو درم خشخاش بریان کرده پیچیده کوفته و بیخته بگلاب
اقراص سازند **قرص طباشیر کافوری** تب دق و مرقه و سرفه
گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند **صنعت آن** طباشیر گل سرخ صندل
سفید مغز تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه از هر یک یک مثقال
کافور دانگی کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند **قرص**

کهربا خون رفتن از شکم باز دارد **صنعت آن** کهربا بسد
مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک یک درم شاخ بز کوهی سوخته پوست
بیضه سوخته صمغ عربی از هر یک سه درم کشنیز خشک بریان کرده
خشخاش سفید و سیاه از هر یک شش درم ودع سوخته و بزرالبنج
از هر یک دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند
قرص گلنار خون رفتن باز دارد **صنعت آن** سلیخه گل ارمنی صمغ
عربی از هر یک چهار درم گل سرخ گلنار اقاقیا از هر یک سه درم کثیرا دو
درم کوفته و بیخته باب گلنار اقراص سازند **قرص زرشک کبیر** ورم معده
و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را نافع بود **صنعت آن** عصاره زرشک
مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک سه درم گل سرخ و ترنجبین از هر
یک شش درم تخم کشوث رب السوس طباشیر تخم کاسنی مصطکی
سنبل الطیب عصاره غافت فوه کلک مغسول ریوند چینی از هر
یک دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته باب ترنجبین سرشته اقراص
سازند **قرص زرشک صغیر** زرشک منقی پانزده درم تخم کاسنی تخم خرفه مقشر

تخم خیارین از هر یک سه درم گل سرخ پنج درم ریوند چینی و سنبل از هر
یکدرم بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص زرشک حار زرشک
پنجدرم لک مغسول ریوند چینی عصارهٔ غافت سنبل انیسون مصطکی
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص زرشک بارد زرشک
پنجدرم رب السوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاشنی از هر یک
دو درم و نیم بگلاب اقراص سازند شربتی دو مثقال بسکنجبین و آب
کاشنی و آب عنب الثعلب قرص ریوند ورم و صلابه جگر و سپرز
و تبهای کهنه را نافع باشد ریوند چینی شش درم فوه دلک
منقی از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون عصارهٔ غافت از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته باب خالص اقراص سازند قرص خشخاش
ریش سینه و شش را نافع باشد صنعت آن گل سرخ صمغ عربی
از هر یک چهار درم نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک دو درم
خشخاش سفید و سیاه از هر یک سه درم زعفران نیم درم طباشیر پنجدرم
باب خالص اقراص سازند شربتی یکمثقال با ده مثقال شراب خشخاش
بلعاب بزرقطونا قرص سازند

قرص گل

قرص گل درد معده و تبهای بلغمی را سود دارد صنعت آن
ورق گل سرخ شش درم رب السوس چهار درم سنبل الطیب
یکدرم طباشیر دو درم عصارهٔ غافت چهار درم کوفته و بمیبختج
سرشته اقراص سازند قرص گل بنسخهٔ دیگر اقوی از اول صنعت
آن گل سرخ ده درم اصل السوس عصارهٔ غافت افسنتین
از هر یک چهار درم مصطکی سنبل اسارون عود خام اذخر از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند قرص گل بنوعی
دیگر شطر الغب و تبهای مرکبه را نافع باشد و معده را قوة دهد
صنعت آن گل سرخ اصل السوس از هر یک چهار درم طباشیر
سنبل افسنتین از هر یک دو درم ترنجبین سه درم بگلاب
قرص سازند قرص غافت یرقان و درد جگر و سپرز و تب
ربع و تبهای کهن را نافع باشد و سوده بگشاید صنعت آن
عصارهٔ غافت بیست درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم
کوفته و بیخته باب صافی سرشته اقراص سازند قرص کاکنج قووج

طباشیر سفید کلیه و مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت آن مغز تخم خیار مغز
حب کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی دم الاخوین کثیرا
صمغ عربی بو داده کندر از هر یک ده درم تخم کرفس دو درم افیون یکدرم با آب صافی
اقراص سازند شربتی یکدرم تا یکمثقال قرص مقل ورم صلب معده
را نافع باشد صفت آن گل سرخ ده درم سنبل الطیب دو درم
زعفران و مر از هر یک یکدرم قسط و مغز بادام تلخ از هر یک یکدرم و نیم
مصطکی دو درم و نیم مقل سه درم مقل را در شراب حل کنند و داروهای
دیگر کوفته و بیخته با آن سرشند و اقراص سازند قرص کافور یرقان
و تپ گرم را سود دارد صفت آن زرشک منقی طباشیر گل سرخ از هر یک
هفت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاشنی کثیرا از هر یک سه درم
مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک پنجدرم صندل سفید و رب السوس
از هر یک دو درم کافور یکدرم بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص
سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص کافور نسخه دیگر
دق و غب و حرقه را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت آن

یک قرص آنرا با نیم مثقال و نیم شربت دینار ... گشته
... استسقا که با اسهال باشد نافع است

طباشیر تخم خرفه تخم کاهو از هر یک پنجدرم تخم کاشنی رب السوس
صندل سفید از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک
هفت درم ترنجبین ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزر قطونا
اقراص سازند قرص شبرم استسقاء زقی را نافع باشد صفت آن
شبرم و هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دانگی
با سکنجبین و بتدریج می افزایند قرص لک استسقاء لحمی را سود
دارد و سده بگشاید صفت آن لک مغسول ریوند چینی از هر یک
سه درم اسارون زراوند مدحرج جنطیانا سنبل مصطکی تخم کرفس
انیسون مامیران اذخر ابهل قسط مغز بادام تلخ فوه افسنتین عصاره
غافث از هر یک دو درم فلفل و زنجبیل از هر یک یکدرم شربتی یکمثقال
قرص افسنتین درد معده را که از پس طعام پیدا شود سود دارد
صفت آن افسنتین تخم کرفس انیسون از هر یک پنجدرم سلیخه
پست درم مر فلفل جند بیدستر افیون از هر یک دو درم کوفته
و بیخته با آب صافی اقراص سازند قرص افسنتین بنوعی دیگر

حمیات بلغمی و عسر البول و برودة جگر را نافع بود و سده طحال و کبد
بگشاید صفت آن افسنتین تخم کرفس اسارون مغز بادام مساوی
کوفته با آب خالص بسرشند و اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص
کبر اوجاع طحال را نافع بود و سده بگشاید صفت آن پوست
بیخ کبر و اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل دو درم تخم فنجنکشت
و فلفل از هر یک شش درم اشق را در سرکه کهنه حل سازند و باقی ادویه
کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند قرص انیسون تب بلغمی
و جگر ضعیف را نافع بود صفت آن انیسون افسنتین مغز بادام
تلخ سنبل صبر از هر یک چهار درم عصارة غافت سادج هندی اسارون
از هر یک سه درم مصطکی و تخم کرفس از هر یک یک درم کوفته و بیخته بگلاب
قرص سازند شربتی یک درم با طبیخ افسنتین قرص ایرسا سپرز صلب
را نرم سازد صفت آن ایرسا چهار درم فلفل سفید
اشق از هر یک دو درم اشق را در سرکه حل کنند و باقی ادویه
را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین

قرص فنجنکشت سده سپرز و جگر بگشاید صفت آن
تخم فنجنکشت تخم کاشنی تخم خرفه مغز تخم کدو مساوی کوفته با
سکنجبین بسرشند و اقراص سازند قرص فوه طحال را نافع
باشد صفت آن فوه دوازده درم پوست بیخ کبر ایرسا
زراوند طویل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند و
اقراص سازند و در طبیخ انیسون استعمال نمایند قرص عود قی
و هیضه باز دارد صفت آن عود چهار درم کبابه مصطکی قرنفل
سنبل از هر یک دو درم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته
اقراص سازند شربتی دو درم قرص عود بنوعی دیگر معده را
قوة و طعام هضم کند و اشتها آورد صفت آن قرنفل و مصطکی
از هر یک سه درم قاقله سنبل بسباسه از هر یک دو درم عود خام قرفه
پوست ترنج از هر یک یک درم زعفران جوز بوا زنجبیل دار فلفل
از هر یک یک درم قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص کندر قی و هیضه باز دارد صفت آن کندر سه درم قرفه

پنجدرم کبابه چینی قاقله سک از هریک دو درم مشک و کافور از هریک
دانکی قرنفل یکدرم کوفته و بیخته قرصها زنند شربتی یکمثقال با ده درم
شراب انار منعنع قرص آس قی و هیضه باز دارد و خواب آورد
صفت آن قرنفل ده درم سک وقند آس از هریک دو درم مصطکی
افیون پوست بیخ لفاح از هریک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص حب الآس اسهال و قی باز دارد صفت آن حب الآس سماق
کزمازج گل ارمنی نشاسته بریان کرده بلوط از هریک ده درم مقل
یکدرم پوست انار و مازو از هریک پنجدرم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربتی دو درم با آب به یا آب سیب قرصی که قی بلغمی و سوداوی
را قطع کند و معده را قوه دهد صفت آن پوست بیرون پسته
و گل سرخ از هریک چهار درم عود خام و مصطکی از هریک
سه درم سک پنجدرم کوفته و بیخته با آب سیب قرص سازند شر
بتی یکمثقال قرص بسد قی الدم را نافع باشد صفت آن بسد مغسول
ده درم کندر اقاقیا گلنار صمغ عربی از هریک چهار درم کثیرا گل مختوم

از هریک سه درم دارچینی یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربتی یکمثقال بشراب انجبار قرص سرمه قریب المنفعت
بقرص بسد صفت آن سرمه اصفهانی شادنج عدسی
مغسول دم الاخوین از هریک سه درم گلنار و مازو از هریک دو درم
شاخ بز کوهی سوخته و اقاقیا از هریک یکدرم لادن و زعفران از هر
یک نیم درم پرسیاوشان یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب لسان الحمل قرص زنند
شربتی دو درم قرص الطین قرحه مثانه و بول الدم را نافع باشد
صفت آن سنبل تفاح اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره از هر
یک سه درم زعفران افیون مر قسط تلخ فلفل از هریک یکدرم
مقل و مصطکی از هریک دو درم اشق نیم درم اشق و مقل را در مثلث
حل کنند و داروها دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و قرص سازند شر
بتی دو درم جهة ورم معده با مثلث و از جهة ورم جگر با سکنجبین
دهند قرص کزمازج ترکیب جالینوس است بیرز صلب را
بکار آید صفت آن کزمازج چهار مثقال فلفل سفید سنبل اسا

رون

اشق از هر یک دو مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کنند و داروها دیگر
کوفته و بیخته با آن سرشند و اقراص سازند شربتی یک مثقال با سکنجبین قرص
کهربا بنوع دیگر بول الدم را نافع باشد صفت آن کهربا صمغ
عربی نشاسته کثیرا متوکلم خیارین متوکلم کدو از هر یک سه درم گلنار
و اقاقیا از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بلعاب بزر قطونا سرشته اقراص
سازند شربتی دو درم بشیره تخم خرفه قرص شب همان خاصیت
دارد صفت آن شب یمانی شاخ گوزن سوخته کثیرا گل ارمنی
گلنار تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه اقراص سازند قرص
شب بنوعی دیگر شب یمانی دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم
کثیرا شش درم صمغ عربی دو درم کوفته با آب خرفه سرشته اقراص
سازند و با شراب حب الاسی بدهند قرص بزور جرب مثانه را
نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه ده درم متوکلم خیار یکدرم
متوکلم کدو تخم خطمی مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید
گل ارمنی تخم کرفس از هر یک سه درم بزر البنج یکدرم کوفته اقراص سازند

و بشراب بنفشه بدهند قرص بنفشه تب با سرفه را نافع باشد
صفت آن بنفشه مغز بادام شیرین متوکلم کدو متوکلم خیار
کثیرا گل سرخ از هر یک نیم درم رب السوس گل ارمنی نشاسته از هر
سه درم مصطکی یک مثقال سنبل یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربتی یک مثقال قرص بنفشه بنوع دیگر چون با تب و سرفه قبض
طبیعت باشد نافع بود صفت آن بنفشه ده درم تربد سفید
یکدرم رب السوس سه درم و نیم سقمونیا سه درم مصطکی یکدرم
و نیم کثیرا نیم درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم و نیم بجلاب
دهند قرص غاریقون سپرز غلیظ را بگدازد صفت آن
غاریقون گل سرخ از هر یک یکدرم طباشیر و زرشک از هر یک دو درم
عصاره غافت سنبل لک مغسول ریوند چینی پوست بیخ کبر در سرکه
خیسانیده و خشک کرده از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند
شربتی دو درم با سکنجبین قرصی که ضعف معده و ضیق النفس
و سلس البول را نافع باشد صفت آن گل سرخ سنبل از هر یک

سه درم صمغ عربی ماش مقشر از هر یک دو درم مصطکی یکدرم گلنار و طباشیر
از هر یک یکمثقال و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم با گلقند
قرص صموغ دشواری وضع حمل را آسان گرداند و بچه زنده و
مرده و ساعت بیرون آورد صفت آن مرجان و شیر سکبینج از
هر یک یکدرم حلتیت نیم درم مجموع یک شربت است با آب سداب یا
طبیخ حلبه دهند و تبخیر اینها نیز همچنین عمل کنند قرصی که قی الدم را نافع
باشد صفت آن اقاقیا تخم گل افیون بزرالبنج گل ارمنی گلنار
صمغ عربی مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه قرص سازند شربتی نیم
مثقال با رب به یا رب سیب قرص کهربا بنسخه دیگر اسهال د
موی وافراط خون بواسیر و حیض را نافع باشد صفت آن
کهربا مصطکی از هر یک ده درم زعفران دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزر
قطونا اقراص سازند قرص حابس معده را قوت دهد و قی و اسهال
باز دارد صفت آن گل سرخ طباشیر انار دانه کشنیز خشک بریان
کرده از هر یک دو مثقال پوست بیرون پسته و مصطکی از هر یک

نیم مثقال

نیم مثقال سماق سه مثقال زیره کرمانی مدبر یکمثقال کوفته و بیخته بگلاب
اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص لک بنسخه دیگر لک مغسول فوه تخم
کرفس عنب الثعلب از هر یک یکدرم رازیانه انیسون دوقو از هر یک
یکمثقال تخم کاشنی تخم کشوث از هر یک دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص مبارک تب دق و محرقه و تبهای حاده و یرقان را نافع بود
و تشنگی بنشاند صفت آن گل سرخ ترنجبین از هر یک پنج درم طباشیر
مغز تخم خیارین از هر یک دو درم تخم کاهو سه درم و نیم تخم کاشنی چهار
درم مغز تخم خربزه سه درم مغز تخم کدو دو درم رب السوس یکمثقال
کافور دانگی نیم کوفته اقراص سازند قرص الجبار اسهال دموی
وافراط طمث و قی دم را نافع باشد صفت آن تخم الجبار چهار
درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار نشاسته
گل ارمنی بسد طباشیر گل ارمنی رب السوس از هر یک دو درم اقاقیا
یکدرم و نیم کوفته با آب مورد قرص سازند قرصی که استسقا را نافع
صفت آن گل سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر

دارچینی افسنتین از هر یکی نیم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آن مغز بادام تلخ افسنتین
اسارون انیسون غاریقون مساوی کوفته قرص سازند قرص
ایلاوسی تخم کرفس انیسون دارچینی از هر یک شش درم افسنتین
مصطکی از هر یک چهار درم فلفل افیون مرجند بیدستر از هر یک دو درم
بآب خالص اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص که فواق امتلایی
را نافع است صفت آن قسط تلخ صبر سقوطری اذخر نمام فودنه
کوهی نعناع خشک سداب تخم کرفس کندر اسارون از هر یک یکدرم
افیون دانگی نیم گل سرخ نیم درم کوفته و بیخته بمثلث سرشته قرص سازند
قرص زحیر خون شکم و ترحر و نفث دم را نافع باشد صفت آن
گل مختوم گل ارمنی قرظ طباشیر طراثیث بلوط آرد کنار حب الآس از
هر یک دو درم تخم حماض بریان صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم خشخاش
و گل سرخ از هر یکی سه درم تخم کرفس سماق مصطکی از هر یک بازو زیره
کرمانی در سرکه خیسانیده و بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته

و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی یکدرم قرص سرطان
سل و دق و نفث دم را نافع باشد صفت آن گل مختوم گل
ارمنی نشاسته گل سرخ از هر یک شش درم سرطان سوخته ده درم
کثیرا طباشیر شادنج مغسول از هر یک پنج درم رب السوس سه درم کو
فته و بیخته بآب لسان الحمل اقراص سازند قرص سل تخم خیارین
ده درم تخم خرفه و اصل السوس از هر یک چهار درم طباشیر و سرطان
محرق از هر یک ده درم نشاسته و کثیرا از هر یک یکدرم کوفته بلعاب بزر
قطونا سرشته قرص سازند شربتی یکمثقال قرص که اسهال و سعال و
نفث الدم را نافع باشد صفت آن تخم حماض بریان کرده زرشک
منقی نشاسته طباشیر حب الآس شاهبلوط از هر یک پنج درم زعفران یکدرم
گل مختوم و صمغ عربی از هر یک ده درم کهربا و بسد از هر یک سه درم کو
فته و بیخته بآب خالص اقراص سازند شربتی دو درم قرص که تنقیح
قدیم را نافع باشد صفت آن رب السوس صمغ عربی نشاسته مغز
تخم کدو از هر یک دو مثقال انزروت عربی و ریوند چینی از هر یک یکمثقال

مغز بادام سه مثقال بلعاب بزرقطونا و لعاب مرو سرشته قرص سازند
شربتی دو مثقال **قرص مشک** نسخهٔ محمد زکریاست معده و دل
و جگر بارده را قوة دهد و غشی و خفقان بارد و اوجاع معده بارده
را نافع باشد **صفت آن** مصطکی قرنفل عود دارچینی سنبل سک
جوزبوا کبابه هیل پوست ترنج قاقله از هر یک یکمثقال مشک دانگی
کوفته و بیخته و بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال
قرص دیانیطس نسخهٔ ثابت قره **صفت آن** حب الاس
تخم حماض مقشر از هر یک دو درم صمغ عربی نشاسته از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی دو درم **قرص دیانیطس**
نسخهٔ دیگر طباشیر رب السوس از هر یک ده درم تخم کاهو بیست درم
تخم خرفه پانزده درم گل سرخ کشنیز خشک از هر یک پنج درم اقاقیا صندل
سفید گل ارمنی گلنار از هر یک دو درم کافور نیم کوفته و بیخته بگلاب
قرص سازند شربتی سه درم با آب انار ترش **قرص نفث الدم**
کهربا دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم و دو دانگ کهربا پنج درم

شادنج گل مختوم از هر یک ده درم شب یمانی دو درم و نیم افیون و
دارچینی از هر یک دو درم مجموع را ده قرص سازند شربتی یکعدد با آب
خرفه **قرص نفث الدم نسخهٔ دیگر** گلنار گل ارمنی صمغ عربی طباشیر
دم الاخوین مازو اقاقیا کندر از هر یک یکدرم افیون دانگی کوفته و بیخته
با آب برگ لسان الحمل اقراص سازند **قرص مروارید** دل و دماغ
را قوة و یرقان و خفقان حار را نافع باشد **صفت آن** گل
سرخ ده درم طباشیر مروارید ناسفته بسد صندل سفید از هر یک
یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک یکدرم تخم خرفه سه درم
زعفران نیم درم کوفته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی
یکمثقال با سکنجبین **قرص** که تب و صداع و سرسام را نافع بود و تشنگی
بنشاند و خواب آورد و هذیان دفع کند **صفت آن** مغز تخم خیار تخم کدو
مغز تخم کدو از هر یک پنج درم ربع رب السوس نشاسته کثیرا افیون از
هر یک سه درم کوفته با آب کاهو یا بلعاب بزرقطونا بیست قرص
سازند شربتی یکعدد یا دو عدد **قرص ذات الجنب** رب السوس

ده درم بنفشه ده درم نشاسته کتیرا تخم خطمی رازیانه از هر یک سه درم
کوفته و بیخته بلعاب بزر کتان و بزرقطونا و بهدانه سرشته قرص سازند
شربتی سه درم بشراب بنفشه **قرص فواق** منفعت ریحی و فواق امتلائی
را نافعست **صفت آن** کندر یکدرم راسن فودنه سداب تخم از
هر یک سه درم صعتر نانخواه سعد از هر یک یکدرم و نیم بگلاب قرص
سازند شربتی یکمثقال بطبیخ زیره **قرص مازریون** استسقاء ز
قی حار را نافعست **صفت آن** تخم کاشنی ده درم مازریون
غاریقون عصاره غافت از هر یک یکدرم و چهار دانگ گل سرخ
مغز تخم خیارین از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته مجموع را ده قرص سازند
و هر روز یک قرص بدهند **قرصی** که استسقاء حار و فساد جگر و سپرز
را که با اسهال بود نافع باشد **صفت آن** طباشیر گل سرخ گلنار
زرشک سماق کزمازج تخم حماض تخم کاشنی فلنجمشک تخم خرفه
از هر یک یکدرم سعد قفاح اذخر انیسون سنبل ریوند لک تخم پوست
بیخ کبر افیون از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته و بیخته اقراص سازند

شربتی سه درم **قرص افتیمون** قولنج را که حاصل نماید **صفت آن**
تربد افتیمون از هر یک ده درم سکبینج پنجدرم کوفته و بیخته ده قرص
سازند و هر روز یک قرص با ماء الاصول بدهند **قرصی** که نافعست
زحیر را که با آن ریاح و قراقر باشد و حرارت نباشد **صفت آن**
بزر البنج شبت رازیانه از هر یک پنجدرم نانخواه ده درم و نیم افیون
سه درم تخم کرفس ده درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یکمثقال
قرص خرنوب اسهال دموی و غیر دموی را نافعست **صفت آن**
مازو خرنوب کزمازج گلنار از هر یک جزو افیون و صمغ عربی
از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم برب به
قرص طباشیر افیونی اسهال با افراط حرارة را نافع باشد **صفت آن**
طباشیر گل سرخ تخم کاهو تخم خرفه تخم کاشنی سماق از هر یک یکدرم
گلنار صندل افیون از هر یک نیم درم تخم حماض یکدرم و نیم کافور
دانگی بآب خالص قرص سازند شربتی یکدرم **قرص آسی** اسهال با
سرفه را نافع باشد **صفت آن** حب الآس ده درم پرسیاوشان مغز

تخم خربزه از هر یک یکدرم رب السوس و صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم کوفته
اقراص سازند شربتی سه درم **قرصی** که بول الدم را نافع باشد **صفت
آن** مغز تخم خربزه مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک شش درم و نیم گل ار
منی صمغ عربی نشا کندر دم الاخوین از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم
تخم کرفس دو درم کوفته اقراص سازند شربتی دو درم بشراب خشخاش
قرص حیض براند و تسهیل ولادت کند **صفت آن** مر سه درم
ترمس یکدرم سداب فودنه قردمانا مشکطرامشیع فوه حلتیت
جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم
بطبیخ ابهل **قرص عشرة الادویه** سبب ربع و وجع کبد و تحلل
را نافع بود **صفت آن** افسنتین و عصاره غافت از هر یک چهار
درم اسارون ساذج هندی افسنتین تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ
مصطکی از هر یک یکدرم صبر دو درم کوفته و بیخته بطبیخ افسنتین قر
ص سازند شربتی یکدرم با آب گرم **قرص منوم حار** تخم شبت دو درم
زعفران مر بزرالبنج میعه از هر یک دانگی افیون یکطسوج کوفته و بیخته

بلعاب

بلعاب حلبه قرص سازند شربتی یکمثقال **قرص منوم بارد** تخم کاهو
خشخاش باقلا مقشر تخم خرفه گل گاوزبان از هر یک یکدرم افیون یکطسوج
کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند **قرصی** که نافعست از جهت
افراط خون بواسیر **صفت آن** مرجان کهربا ودع سوخته گل ارمنی
از هر یک دو درم هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک یکدرم تخم گندنا سه درم
مقل ده درم مقل را در آب کنند تا نا شسته حل گشته دوا را کوفته و بیخته
با آن بسرشند و قرص سازند شربتی سه درم با ده درم آب آهنگران **قرصی که**
قی و هیضه را باز دارد و طبع را بندد و خواب آورد **صفت آن**
سک قرنفل از هر یک دو درم کزمازج پوست انار رمان و از هر یک
یکدرم افیون دانگی کوفته و بیخته برب به بسرشند قرص سازند شربتی
یکدرم و نیم **قرص سعفه** زرد چوبه مغز بادام تلخ از هر یک جزو
مقل دو جزو مقل را در سرکه کهنه خیسانند سه روز متوالی و زرد
چوبه و مغز بادام تلخ را کوفته داخل سازند و با یکدیگر نیک صلایه
کنند و اقراص سازند و در وقت حاجت با آب کاشنی بسایند و طلا کنند

قرص مثلث صداع و شقیقه و سهر را نافع بود چون بر پیشانی و صدغین
طلا کنند صفت آن افیون مصری بزرگی لادن کافور زعفران زرد
البنج پوست بیخ لفاح از هر یک پنج درم کندر انزروت اکلیل ارمنی از هر
ده درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاهو سرشته اقراص سازند [illegible] سه پهلو
ممتاز باشد و در وقت حاجت استعمال نمایند قرص زرنیخ الکلا
دهن و لثه را نافع باشد و عفونه دفع کند صفت آن زرنیخ زرد و
سرخ و آهک زنده و مازو از هر یک ده درم زنگار قلقطار از
هر یک پنج درم شب یمانی اقاقیا گلنار از هر یک سه درم کوفته در سرکه
خیسانند و یک هفته در آفتاب بگذارند بعد از آن اقراص سازند
و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج و آهکی از آن بلثه و دهن
بمالند و یک ساعت بگذارند بعد از آن روغن گل قدری در دهن نگاه
دارند قرادارو بعد از آنکه سبیل چیده باشند استعمال نمایند
صفت آن نوشادر مس سوخته از هر یک ده درم توتیا دوازده
درم کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ سرشته و در پوست تخم مرغ کنند

و در گل

و در گل حکمت گیرند و در کوزه نو نهند و در کوزه فخاری بگذارند
تا پخته شود بعد از آن صلایه کنند و استعمال نمایند قطوری که نافعست
از جهت قرحه گوش و چرک که از گوش آید پاک کند صفت آن
انزروت صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر زنگار
خبث الحدید کوفته و بیخته در گوش چکانند بعد از آنکه چند نوبت بسرکه
ماء العسل چکانیده باشند و فتیله با عسل تر سازند و با دوته ط
کوزه بگذارند و در گوش نهند قطوری که درد گوش که از گر
می باشد ساکن کند صفت آن روغن گل شش درم روغن
بادام شیرین چهار درم سرکه ده درم بآتش نرم بپزند چندانکه
سرکه برود و روغن بماند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری
که طنین و گرانی گوش را ببرد صفت آن کندر زعفران
فرفیون جند بیدستر خربق سفید مر از هر یک سه درم نطرون
بوره از هر یک ده درم و نیم کوفته و بیخته در شراب حل کرده بچکانند
قطوری که کرم گوش را بکشد صفت آن آب برگ شفتالو

آب برگ پودنه آب برگ ترب از هریک نیم درم خربق سفید و بوره
ارمنی و سقمونیا و افسنتین و زراوند از هریک یکدرم کوفته و بیخته با آبهای
مذکوره بیامیزند و در آفتاب نهند تا خشک شود بعد ازان بسایند
و در گوش چکانند قطوری که درد گوش را که از سردی باشد ساکن
کرداند صفت آن افیون و جندبیدستر از هریک دو درم کوفته
در دو منی میبختج بپزند تا بقوام آید یا در روغن سوسن حل کنند و نیم گرم
در گوش چکانند قطوری که طرش را نافع بود صفت آن خربق
سفید یکمثقال جندبیدستر نیم مثقال نطرون دانگی و نیم کوفته و بیخته با سرکه
کهنه در گوش چکانند یا آب سرگین اسب تازه در گوش چکانند یا آب
ترب تازه با عسل بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش
را نافع باشد صفت آن افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم عفص
گل چهار درم سرکه کهنه سه درم بایکدیگر مخلوط ساخته نیم گرم در
گوش چکانند قطوری دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
زهره گاو تازه دو مثقال روغن خیری ده درم بجوشانند تا زهره

برود

برود و روغن بماند و قطره قطره در گوش چکانند قطوری
دیگر درد گوش بارد را نافع باشد صفت آن سیر نیم کوفته
با زهره گوسفند بجوشانند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری
که نافع است از جهت آب که در گوش رفته باشد صفت آن آب
ترب آب پیاز بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که گرانی گوش
را ببرد صفت آن شحم حنظل سه درم بوره ارمنی یکدرم جند
بیدستر زراوند قسط فرفیون افسنتین از هریک یکمثقال کوفته و بیخته
بزهره گاو بسرشند و گلولها سازند و در وقت حاجت یکی ازان
بروغن بادام بسایند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که
شبکوری را ببرد صفت آن آب سداب و آب کشنیز مساوی
بجوشانند تا به نیمه آید و دو نوبت در گوش چکانند قطوری که چون
در احلیل چکانند قرحه و سوزش بول را نافع باشد صفت آن
سفیداب کندر انزروت صمغ عربی نشاسته دم الاخوین مساوی
کوفته و بیخته گلولها سازند و در وقت حاجت یکی ازان بشیر دختر

چشم

ساییده بچکانند **قطوری** که دو کل و طنین و کرانی کوش را نافع
باشد **صفت آن** تخم حنظل یکدرم بورهٔ ارمنی نیم درم جندبیدستر راوند
مدحرج از هر یک یکدرم و نیم عصارهٔ افسنتین قسط فرفیون از هر یک
دانکی نیم کوفته و بیخته بزهرهٔ کاو بسرشند و کلولها سازند و در وقت حاجت
بروغن بادام دو قطره در کوش بچکانند نافع باشد **باب**
الکاف کلکلانج خوزی استسقا و برودهٔ معده و تبهای کهنه
و سرفهٔ بلغمی و ضیق النفس و قولنج و صرع و طحال و سلعهٔ بلغمی و ریح و
اختناق رحم را سود دارد و بول بکشاید **صفت آن** هلیلهٔ سیاه و
بلیله آمله مقشر از هر یک هفت درم فلفل دارفلفل زنجبیل فلفلمویه
نمک هندی سرخ نمک هندی سیاه نمک اندرانی نمک طبرزد نانخواه
لسان العصافیر شیطرج هندی سعد خیربوا قرنفل قرنفل صغیر زرنبک
کابلی مقشر شونیز حب النیل زیرهٔ کرمانی ساذج هندی تخم کرفس
کشنیز خشک از هر یک پنج درم تربد سفید صد و پنجاه درم فلوس خیار چنبر
ده درم مویز منقی نیمنا شیر آمله بکمین مویز و آمله را در شیر [illegible]

تا برو می آید

هرکه را بول در بند
برگ ترب را کوفته
آب وی را کرفته
در ذکر نا...
نوشت بکشا...

تا برو می آید و بپالایند و خیار چنبر در آن آب حل کنند و سه من
فانید هم در آن آب بکدازند و نیم من روغن کنجد با آن بیامیزند و
بجوش کنند تا بقوام آید و داروها دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند
شربتی پنج درم با شیر شتر یا آب عنب الثعلب **کلکلانج بارد** استسقا
حار را نافع است **صفت آن** مازریون مدبر غاریقون پوست
هلیلهٔ زرد از هر یک یکدرم عصارهٔ افسنتین سه درم بیخ سوسن
کل سرخ تخم کاسنی مقشر تخم خربزه رب السوس از هر یک ده درم ترنجبین
و فلوس خیار چنبر و فانید سنجری از هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام
آورند و داروها دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی دو درم تا
چهار درم **کلکلانج حار** نافع است استسقای را که با او حرارت نباشد
صفت آن مازریون مدبر غاریقون پوست هلیلهٔ زرد سکبینج
از هر یک پنج درم ایرسا سه درم ریوند چینی عصارهٔ غافث سنبل
الطیب انیسون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی سه درم تا چهار درم **کمونی** برودهٔ معده و شهوهٔ کلبی

وحمیات بلغمی و سوداوی و فواق بلغمی و امتلایی و فتق و قولنج ریحی
را نافع باشد و بادها بشکند **صفت آن** زیره کرمانی مدبر پنجاه درم
فلفل سیاه پانزده زنجبیل و سداب از هر یک بیست درم بوره ارمنی
پنجدرم عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمست شربتی
یک مثقال **کحل زعفران** حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه و سیلان را نافعست
صفت آن زعفران و سنبل از هر یک دو درم دار فلفل یکدرم فلفل
دکافور از هر یک دانگی و نیم نوشادر نیم درم مازو سه درم کوفته و بیخته
در چشم کشند **کحلی دیگر** که همین خاصیت دارد **صفت آن** شا
دنج مغسول دو درم دم الاخوین ساذج هندی سنبل دار فلفل
از هر یک نیم درم مازو یکدرم قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور نیم
دانگ کوفته و بیخته بدان اکتحال نمایند **کحل دمعه** توتیاء مغسول ده درم
سبد هلیله زرد صبر از هر یک چهار درم فلفل نیم درم دار فلفل یکدرم
کوفته و بیخته استعمال نمایند **کحل الجواهر** بصر را قوة دهد و تیز گرداند
صفت آن سرمه اصفهانی هشت درم مارقشیثا پنجدرم اقلیمیا طلا

دوازده درم مروارید ناسفته سه درم زعفران نیم درم ساذج هندی
دو درم صلایه کرده در چشم کشند **کحل الجواهر بنسخه دیگر** سرمه شش درم
توتیا چهار درم اسبد مارقشیثا از هر یک دو درم مروارید ناسفته
هفت درم ساذج هندی یکدرم مشک یک طسوج صلایه کرده
چنانکه رسمست استعمال نمایند **کحل الجواهر بنوعی دیگر** سرمه اصفهانی
توتیاء هندی از هر یک ده درم مارقشیثا مرجان سرخ و دهنه فرنگی
عقیق سرخ طلا و نقره ماميران چینی فلفل سفید دار فلفل اقلیمیا طلا
اقلیمیا نقره روی سوخته از هر یک چهار درم سرطان بحری مروارید
ناسفته ساذج هندی از هر یک شش درم یاقوت سرخ لاجورد
شسته زعفران توبال مس سوخته از هر یک دو درم صلایه کرده
استعمال نمایند **کحل روشنایی** نافعست از جهة ضعف بصر و
شبکوری **صفت آن** مس سوخته شادنج مغسول از هر یک
پنجدرم فلفل دار فلفل تخم حنظل زعفران از هر یک نیم درم
زنگار بوره ارمنی صبر سقوطری از هر یک یکدرم اقلیمیا دو درم

صلایه کرده استعمال نمایند **کحل عزیزی** بصر را تیز گرداند و تاریکی
چشم ببرد و دمعه و سبل را نافع بود **صفت آن** سرمه اصفهانی سوخته
پنجدرم اقلیمیا طلا و نوره شادنج عدسی مغسول توتیا هندی مس سوخته
از هر یک دو درم پوست هلیله زرد ساذج هندی فلفل دارفلفل لولو شادنج
صبر سقوطری حضض نمک زعفران سرطان بحری از هر یک یکدرم زنجبیل
نیم درم کافور نیم دانگ مشک سه حبه قرنفل دو دانگ صلایه کرده در
چشم کشند **کحل مازو** بصر را قوة دهد و دمعه باز دارد و حکه جفن
را سود دارد **صفت آن** شادنج عدسی ساذج هندی از هر یک دو درم
دارفلفل دم الاخوین از هر یک نیم درم روی سوخته و مازو از هر یک
از هر یک یکدرم قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور مطبوخ کوفته
و بحریر بیخته بدان اکتحال نمایند **کحلی** که بیاض و آثار قروح از چشم ببرد
و شعیره را نافع باشد **صفت آن** زبد البحر اقلیمیا نوره سفیداب
ارزیز مس سوخته از هر یک چهار درم سنبل مروارید ناسفته از هر یک
دو درم صمغ عربی کثیرا انزروت توبال الصفر نشاسته مسحوق

از هر یک یکدرم

از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند **کحلی** که نزول آب را نافع باشد
صفت آن زهره بز کوهی ده درم شحم حنظل یکمثقال فرفیون و نوشادر
از هر یک نیم مثقال سکبینج نیم درم کوفته و بیخته بآب رازیانه یا آب
سداب سرشند و خشک کنند و دیگر باره صلایه نمایند و در چشم کشند
کحلی که مژه برویاند **صفت آن** استخوان خرما سوخته پنجدرم
و دخان کندر چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک سه درم لاجورد شسته
ده درم کوفته و بیخته بر جفن کشند **کحل سعیبی** تاریکی چشم و دمعه و جرب
و حکه را نافع بود **صفت آن** شادنج مغسول دو درم دم الاخوین
دانگی روی سوخته دارفلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم ساذج
هندی دو دانگ قاقله و مشک از هر دانگی کافور نیم دانگ کوفته
و بحریر بیخته استعمال نمایند **کحلی** که صحه چشم را نگاه دارد **صفت آن**
توتیا ده درم شیاف مامیثا سه درم صبر سقوطری حضض مکی از هر یک
یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته بآب غوره یا آب سماق بپرورند و
در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند **کحل حکمت** کحل ازرق

پاک چهار من بکوبند و به پزند و یکمن کاغد و یمن نمک در آب
کنند و بدست بمالند تا حل شود و بعد از آن گل بر سر آن و یکبار یک
موی سر آدمی بتواضع چیده و یکبار یک سرگین اسب بچه داخل
کنند و نیک بمالند و هفت روز باب زمیکنند و می سرشند و آنگاه
وصله وصله کنند و خشک گردانند و در وقت حاجت المقدار که خوا
هند بکوبند و با آب بسرشند و استعمال نمایند باب
اللام لعوق سپستان سرفه و خشونت حلق را نافع بود
و سینه را نرم کند صفت آن سپستان دویست عدد مویز
منقی چهل درم فلوس خیار چنبر پانزده درم در شش رطل آب
بجوشانند تا بدو رطل و بدست بمالند و صاف کنند و یک رطل قند سفید
اضافه کنند و بقوام آورند لعوق زوفا ربو و سرفه کهنه را نافع
باشد و سینه و شش را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن
زوفا خشک تخم سوس از هر یک بیست درم در سه رطل آب
بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند و با یک رطل قند سفید بقوام

آورند لعوق

لعوق حب الرشاد سرفه بلغمی را نافع بود و سینه را از اخلاط
غلیظ پاک کند صفت آن تخم تره تیزک ده درم اصل السوس
چهار درم انیسون و رازیانه از هر یک سه درم مجموع هم کوفته در دو
رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند و با یک رطل عسل
صاف بقوام آورند لعوق بزر الکتان ربو و سعال مزمن را
نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند و بر نفث اعانت دهد صفت
آن بزرک بریان کرده سی درم قرطم ده درم کوفته بعسل
سرشند و لعوق سازند لعوق طباشیر سل و قرحه ریه و سرفه
حار را نافع باشد صفت آن نشاسته و کثیرا از هر یک ده درم
طباشیر چهار درم مغز تخم خیار مغز حلغوزه صمغ عربی فانیذ از هر یک
[illegible] درم قند سفید شصت مثقال کوفته بروغن بادام و عسل
سرشند و استعمال نمایند لعوق حلبه بحوحة و غلظ صوت را نافع
بود و سینه را نرم کند و نفث را آسان گرداند صفت آن
بزرک ده درم حلبه و مغز بادام مقشر از هر یک چهار درم کثیرا

واصل السوس و مغز جلغوزه و نشاسته و صمغ عربی از هر یک دو درم
کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند **لعوق بادام** سرفه و خشونت
حلق و حنجره را سود دارد **صفت آن** صمغ عربی و کثیرا و نشاسته
رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو و مغز بادام از هر یک پنج درم قند
سفید بیست درم کوفته بجلاب بسرشند و بروغن بادام چرب
سازند و لعوق سازند **لعوق رب السوس** سعال مزمن را
نافع بود و فضول لزج را از سینه پاک و بر نفث یاری دهد
صفت آن رب السوس کثیرا ا بارز و مغز بادام رازیانه مساوی
کوفته بروغن بادام و عسل صاف بسرشند و بلیسند **لعوق اسقیل**
ربو و سعال مزمن که با رطوبت باشد نافع بود **صفت آن** پیاز
عنصل مشوی سه درم ایرسا دو درم فراسیون جزو فا از
هر یک یکدرم کوفته بعسل مصفی بسرشند و لعوق سازند **لعوق زوفی**
که سرفه خشک را نافع باشد و سینه را نرم کند **صفت آن** رب السوس
بهدانه مقشر از هر یک دو درم آرد باقلا نشاسته کثیرا صمغ عربی

تخم خطمی و تخم خیارین مغز تخم کدو و مغز تخم خربزه از هر یک یکدرم خشخاش
دو درم مغز بادام و مویز منقی از هر یک بیست درم مویز را در
روغن بادام بریزند و دانه دیگر کوفته با آن بیامیزند و با میبختج
بسرشند و لعوق سازند **لعوق خیارچنبر** نسخه یحیی بن ماسویه
ورم حلق و تب و تشنگی و خشونت زبان را نافع باشد **صفت
آن** عناب پنجاه عدد سپستان صد عدد تخم خطمی ده درم مویز منقی
بیست و پنج درم بنفشه و اصل السوس نیم کوفته از هر یک پانزده درم
بزر قطونا بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند
تا بثلث آید صاف کنند و پنج درم مغز خیارچنبر در آن بمالند و دیگر
باره صاف کنند و یک رطل میبختج و سی درم کانید داخل کنند
و بجوشانند و لعوق سازند **لعوق خشخاش** سل و قرحه امعا
و نزف دم و سرفه بلغمی را نافع باشد **صفت آن** پوست خشخاش
سفید پنجاه درم در دو رطل آب بجوشانند تا برطلی آید و یک رطل قند

تا غلیظ شود
روغن بنفشه
بلیسند

اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام عسل آید بعد از آن رب السوس
و مغز بادام و تخم کدو از هر یک پنج درم کوفته با آن ممزوج سازند
شربتی ده درم بلیسند لعوق خشخاش نسخهٔ دیگر نزله گرم
رقیق را ساکن گرداند صفت آن تخم خشخاش سفید ده درم
نشاسته کثیرا صمغ عربی از هر یک چهار درم مغز تخم کدو مغز بادام مقشر
از هر یک سه درم کوفته بلعاب سرشته لعوق نمایند لعوق حب القلقل
سینه را از اخلاط پاک کند صفت آن مغز بادام شیرین ده درم
مغز حبه دانه دو درم آرد باقلا پنج درم کرسنه و فراسیون از هر یک سه درم
فانید شصت درم فانید را در آب بگدازند و بقوام آورند دواروهای
دیگر را کوفته با آن بسرشند شربتی یک ملعقه بامداد و شبانگاه لعوق
کرنب سینه را از اخلاط غلیظ پاک سازد صفت آن
آب کرنب پخته یک من و نیم با یک من عسل بپزند و بقوام آورند بعد از آن
مغز چلغوزه و مغز حبه دانه و آرد باقلا از هر یک ده درم بزرکتان

بریان کرده

بریان کرده و حلبه از هر یک پنج درم مغز پسته پانزده درم کوفته
با آن بسرشند شربتی پنج درم با شیر خر لعوق سیر سرفه بلغمی را سود دارد
و ماده را نضج دهد و سینه را پاک کند صفت آن سیر پاک
کرده یکمن در یکمن روغن گاو بپزند تا مهرا شود پس بکوبند و
نیک بمالند و با یکمن عسل صاف بقوام آورند لعوق چلغوزه
ربو و سعال مزمن و ضیق النفس را نافع بود و سینه را از اخلاط
پاک سازد صفت آن مغز چلغوزه بیخ سوس صمغ عربی کثیرا از هر یک
بریان کرده خرمای بی دانه از هر یک سی و پنج درم کوفته با دو رطل
عسل و دو رطل روغن گاو بسرشند شربتی دو ملعقه لعوق صبیان
چون بشرها درد گلوی اطفال ریزند سرفه و خشونت سینه را نافع بود
صفت آن صمغ عربی کثیرا رب السوس فانید از هر یک چهار درم
مغز بهدانه یکدرم کوفته بعسل بسرشند لعوق که ربو و ضیق النفس
و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت آن بزرکتان بریان کرده کوفته
ده درم با یک مثقال روغن بنفشه بادام و پنج درم عسل بسرشند و لعق نمایند

لعوق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن بزرگ کرسنه
مغز بادام از هر یک ده درم مغز جلغوزه پنج درم رب السوس هفت درم
صمغ عربی و کثیرا از هر یک سه درم بعسل صاف سرشته لعوق سازند
لعوق دیگر که همین منفعت دارد صفت آن مغز جلغوزه
چهل درم مغز بادام چهل و پنج درم رب السوس بیست و پنج درم بعسل
سرشته بلیسند لطوخی که شقیقه را نافع باشد صفت آن تخم
تخم کاهو از هر یک یکدرم بزر البنج و کثیرا از هر یک دو دانگ افیون
نیم دانگ کوفته و بیخته بسرکه سرشند و بر کاغذ پاره کشند و بر شقیقه
چسبانند و در دوران تسکین کند لطوخی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن زعفران افیون دم الاخوین صمغ عربی سفیده تخم
مرغ سرشته برد و صله کاغذ کشند و بر صدغین چسبانند
که خواب آورد صفت آن تخم گل و بیخ لفاح از هر یک یکدرم
افیون دانگی کافور دو دانگ کوفته و بیخته در ظرفی کنند و بیند
لخلخه که منع عفونت کنند و صداع را نافع باشد صفت آن

صندل سفید

صندل سفید ساییده گشنیز خشک گلاب سرکه در ظرفی کنند
و به بویند لبوب کبیر گرده را گرم و قوی گرداند و منی بیفزاید
و نشاط آورد و باه را زیادت کند و دل و دماغ را قوة دهد و بدن
را قوه گرداند و رنگ را نیکو سازد و اعصاب را محکم کند و در امر جما
معت نظیر ندارد صفت آن مغز پسته مغز فندق مغز بادام
مغز حب الخضرا مغز کدکان مغز جلغوزه مغز حب الزلم ماهی ریجان خو
لنجان شقاقل بهمن سرخ و سفید تودری سرخ و زرد زنجبیل کنجد
مقشر دارچینی از هر یک پنج درم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل
کبابه چینی حب القلقل تخم گندنا تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم اسپست
تخم هلیون لسان العصافیر درونج عقربی زرنباد از هر یک سه درم
جوز بوا بسباسه دار فلفل از هر یک دو درم خصیة الثعلب
نارجیل تازه مغز تر گنجشک خشخاش از هر یک ده درم قضیب
گاو سوده سورنجان بوزیدان نعناع خشک از هر یک چهار درم
مایه شتر اعرابی زعفران مصطکی از هر یک سه مثقال عود خام و

مشک
مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال
تنبح نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند لبوب
صغیر منی زیاده و کلیه و مثانه را قوی سازد و نسیان را نافع باشد
و زنگ روی را نیکو گرداند و دماغ را قوة دهد صفت آن مغز
بادام مقشر مغز گردکان مغز حبة الخضرا مغز جلغوزه مغز حب الزلم مغز
فندق مغز پسته نارجیل تازه مغز حب القلقل خشخاش سفید تودری
کنجد مقشر تخم جرجیر تخم پیاز تخم شلغم تخم اسپست بهمنین زنجبیل
دارفلفل کبابه قرنفل دارچینی شقاقل خولنجان تخم هلیون مساوی
عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمست شربتی
دو درم باب المیم مثرودیطوس
قریب المنفعتست بتریاق فاروق لیکن تریاق فاروق
در دفع سموم ازین انفعست و مقدار شربت این در امراض
مذکوره زیاده از آنست صفت آن مر زعفران غاریقون
زنجبیل دارچینی کثیرا از هر یک ده درم سنبل کهنه خردل سفید

عود بلسان

عود بلسان اسطوخودوس سیاالیوس قسط کمافیطوس قنه
علک البطم دارفلفل عصاره لحیة التیس جندبیدستر سادج هندی سعد
جاوشیر از هر یک هشت درم سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه سورنجان
سقوردیون جعده دوقو اکلیل الملک خطمیا روغن بلسان
حب بلسان اقراص فوفنیون مقل از هر یک هفت درم سداب
دو درم اشق سنبل رومی مصطکی صمغ عربی فطراسالیون
فرو زیارا زیارین افیون گل سرخ مشکطرامشیع از هر یک پنج درم انیسون
و تخم موسکبینج اسارون از هر یک سه درم فوا قاقیا ناف سقنقور
بهمنین غاریقون از هر یک چهار درم و نیم شراب ریحانی کهنه چندانکه
صمغها در ان حل کنند عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معهود
معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند مخلص اکبر
صرع و دوار و صداع کهنه و رعشه و فالج و تشنج بلغمی و اوجاع مفا
صل و درد دندان و وسواس و ربو بلغمی و قروح امعا و مغص
ریحی و گرده و مثانه را نافع باشد و قی دم را باز دارد و جوف را ب

لسان الحمل و هند درد معده و سپرز را نافع بود و چون با آب رازیانه
بنوشند تشنگی کهنه را زایل کند و محلل اورام بود و دفع سموم کند و
چون بر قضیب طلا کنند نعوظ آورد صفت آن سلیخه و
مر از هر یک یک وقیه و نیم جند بیدستر فطراسالیون از هر یک پانزده مثقال
تخم کرفس دو وقیه سیاليوس یک مثقال قسط دارچینی اقراص
میعه سایله اسارون از هر یک شش مثقال فلفل سفید دوازده مثقال
سنبل هفت مثقال حماما و زعفران و دار فلفل از هر یک چهار مثقال
افیون و انیسون از هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسم است و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از یک درم تا یک مثقال
معجون فلاسفه و از ماده الحیوة نیز گویند باه ضعیف را قوة دهد و
اشتها آورد و بلغم دفع کند و نسیان و سلس البول و درد پشت و درد
گرده و اوجاع مفاصل را نافع بود و منی زیاده کند و باه را برانگیزد
و مثانه را سخت گرداند و دل را قوة دهد و نشاط آورد و رنگ را
نیکو گرداند و بوی دهان خوش کند و پیران را موافق باشد صفت آن

زنجبیل

زنجبیل دارفلفل فلفل دارچینی آمله مقشر بلیله شیطرج هندی زراوند
مدحرج خصیة الثعلب مغز چلغوزه عروق بابونه نارجیل تازه از هر یک
ده درم تخم بابونه پنج درم مویز منقی سی درم عسل مصفی دو مقابل
ادویه بطریق متعارف معجون سازند شربتی دو درم معجون جا
لینوس گرده و مثانه سرد را گرم کند و سده را بگشاید صفت
آن فلفل سیاه و سفید حماما قسط سنبل الطیب قصب الذریره
ساذج هندی زعفران تخم کرفس انیسون عاقرقرحا الجزء تخم سداب
مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال در ماء الا
صول یا در آب بادیان و آب کرفس معجون ابومسلم این معجون را
فریادرس گویند همه دردها را تسکین کند صفت آن افیون
بزر البنج از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران سنبل عاقرقرحا
سورنجان قاقله دارفلفل از هر یک سه مثقال کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی از دانگی تا نیم مثقال معجون بد تکاشه قولنج صعب
را در زمان بگشاید صفت آن خیربوا قرفه ساذج هندی

فلفل دار فلفل زنجبیل زنبک کابلی قشر آمله مقشر و قرنفل از هر یک یکمثقال
تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم مثقال تربد و سقمونیا از هر
یک ده مثقال کوفته و بیخته باسه چندان عسل بسرشند شربتی دو درم
معجون زبل که همین خاصیت دارد صنعت آن زبل الذیب
چهار درم تربد پنجدرم تخم کرفس انیسون از هر یک سه درم کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار مثقال معجون ته
بدی قولنج بکشاید و بلغم دفع کند و درد پشت را ساکن گرداند
صنعت آن سقمونیا ده درم قاقله کبار روغنی زنجبیل دارچینی
قرفه نارمشک قرنفل فلفل از هر یک پنجدرم شکر سرخ و تربد سفید
از هر یک صد مثقال عسل مصفی بقدر احتیاج معجون سازند شربتی
دو درم معجون لوزی صفرا و بلغم دفع کند صنعت آن
مغز کافیشه مغز بادام سقمونیا از هر یک ده درم زعفران یکدرم نبات
بیست و پنجدرم نبات را در گلاب بگدازند و دارو ها کوفته بدان
بسرشند شربتی یکمثقال معجون اسود زحیر و اسهال کهنی را سود

دارد

دارد صنعت آن افیون جندبیدستر میعه بزر البنج زعفران اسارون
و تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته باسه
چندان عسل معجون سازند شربتی یکدرم با آب مورد یا آب به معجون
حجر الیهود سنگ گرده و مثانه بریزاند صنعت آن مغز تخم
مغز تخم کدو حب کاکنج از هر یک پنجدرم حجر الیهود پنجاه درم صلایه
کرده بعسل بسرشند شربتی دو درم تا سه درم معجون عقرب سنگ
گرده و مثانه بریزاند و گزیدگی عقرب را بغایت نافع بود صنعت
آن عقرب محرق سه درم و نیم جنطیانا یکدرم و نیم زنجبیل یکدرم
فلفل دار فلفل از هر یک دو درم کاکنج پنجدرم و نیم جندبیدستر چهار درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی دانگی با آب کرفس معجون کا
کنج قرحه گرده و مثانه و بول الدم را نافع باشد صنعت آن بزر
البنج تخم کرفس رازیانه از هر یک هفت درم مغز تخم خربزه تخم خشخاش
افیون مغز جلغوزه بریان کرده مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده
از هر یک سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج بیست و پنج عدد کشیرا

٢٠١

چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی یکدرم با خند قون یا ماء العسل یا شراب خشخاش بنوشند **معجون مبدل المزاج** لقوه و فالج و رعشه و برص و خدر را نافع باشد **صفت آن** زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط و ج عسل بلادر از هر یک دو درم سداب حلتیت زراوند صاف حنطیانا شیطرج حب الغار جند بیدستر خردل از هر یک پنج درم با عسل معجون سازند چنانک رسم است شربتی یکمثقال **معجون حب الغار** نسخه محمد زکریا قولنج بگشاید و استسقا طبلی و جمیع امراض ریحی را که با آن حرارت نباشد نافع بود **صفت آن** سداب خشک تخم نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز صعتر کرویا فطراسالیون تخم بادام تلخ فلفل فودنه دارفلفل و ج زوفا حب الغار جند بیدستر از هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغها را در شراب حل سازند و داروها کوفته داخل نمایند و بعسل سرشند شربتی دو مثقال **معجون زراوند** و انرا معجون ربو نیز گویند از ترکیب محمد زکریا است ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع

بلکه

معجون بوعلی سینا برای جهت مرض رفع کنند مثل فالج خدر سهری باد قلنج باد بواسیر درد چشم و درد دندان باشد **صفت آن** زراوند مدحرج قودنا فلفل کرسنه تخم سپندان ۱۴۴ سفید مغز بادام تلخ لحم الجزه از هر یک پنج درم رب السوس کبابه و زوفا از هر یک دو درم کوفته بعسل سرشند شربتی سه درم بطبیخ زوفا **معجون ابهل** مواد بارده را دفع کند و بادها بشکند **صفت آن** ابهل نانخواه کنند رمح دارچینی مساوی کوفته بعسل معجون سازند شربتی دو درم **معجون السعال** نافعست سرفه را که بسبب رطوبة باشد **صفت آن** مغز جلغوزه سه درم مغز پسته پنج درم مغز بادام مقشر و نبات از هر یک ده درم فانید سی درم بطریق معهود معجون سازند شربتی مقابل یک گردکان **معجون گل** ورم جگر را نافع بود **صفت آن** گل سرخ چهار درم بیخ سوسن هفت درم راوند چینی و لک مغسول از هر یک یکمثقال و نیم سلیخه و زعفران از هر یک سه درم مر نیم مثقال زعفرانها در سرکه حل کنند و داروها کوفته و بیخته بدان مخلوط سازند و بعسل سرشند **معجون راح**

قولنج را در ساعت بگشاید صفت آن فلفل دار فلفل زنجبیل زیره
کرمانی سداب خولنجان قرفه از هریک ده درم سقمونیا هفتاد درم
عسل صد و چهل درم شربتی یکمثقال معجون وج ابتدا ارتدل را
نافع باشد صفت آن وج حلتیت زنجبیل را زیانه سا
وی بعسل معجون سازند معجون لولوی ترکیب جالینوس است
هفت منفعت دارد قضیب را سخت کند و اوعیه منی بگشاید
و شهوة زیاده کند و اعصاب را قوة دهد و در خون تغیر عظیم
پیدا کند و نعوظ بسیار آورد و دوستی مرد در دل زن پیدا کند
صفت آن مروارید ناسفته و بسد از هریک مثقال ابنیون و بهمن
سفید از هریک سه درم کابلی و بیخ لبلاب از هریک یکدرم اقاقیا
اذخر سعد کرنازج سلیخه دارچینی اسارون مصطکی از هریک
نیم مثقال صمغ عربی و کثیرا از هریک نیم درم کوفته با سه چند آن
عسل سرشته شود و در وقت خواب و نزدیک مجامعت یکمثقال
باب نیم گرم نوشند معجونی دیگر که اعضا رئیسه را قوة دهد

و باه را زیاده کند و نشاط آورد و معده را قوی گرداند و اشتها
آورد و رنگ را نیکو سازد و طعام را هضم کند صفت آن دارچینی
سنبل الطیب پوست بیرون پسته جوزبوا اسغاشی خولنجان
بهمن سرخ و سفید شقاقل دواله پوست بلیله بادرنجبویه گاوزبان
از هریک سه درم مصطکی هیل زرنب زنجبیل قرنفل اسارون
ساذج هندی کبابه چینی پوست ترنج درونج رومی زرنباد صندل
سفید حب قلقل افتیمون نعناع بسباسه بلیله سیاه بوزیدان
زعفران مافرفین کهربا مروارید صلایه کرده مرجان از هریک
دو درم سعد کوفی ورق گل سرخ از هریک چهار درم ماهی ریسان
خصیة الثعلب تودری زرد و سرخ از هریک پنج درم مشک تبتی نیم مثقال
عنبر اشهب یکمثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد قند و
عسل مناصفه نیمی معجون سازند چنانکه رسم است معجون عطایی
تعطیر بول و سرعة انزال را نافع باشد صفت آن علک رومی
کندر جفت بلوط بزر البنج مساوی کوفته با دو مقدار آن

عسل برشند شربتی دو مثقال **معجون کندری** که همان خاصیت
دارد **صفت آن** کلنار بلوط شونیز کندر کشنیز خشک از هر یک
ده درم زیره کرمانی کرویا نانخواه از هر یک هفت درم پوست بلیله
بلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله مقشر از هر یک سه درم کوفته
و بیخته با سه مقدار آن عسل برشند شربتی دو مثقال صباح و شامی
نوشند و غذا کباب **معجون رشیدی** همان منفعت دارد
صفت آن کبابه چینی فوفل قرنفل خصیة الثعلب مصطکی
نانخواه از هر یک ده درم با نیم عسل معجون سازند شربتی دو درم
معجون بزور در تقویة باه بی نظیر ست **صفت آن** تخم گزر
تخم شلغم تخم پیاز تخم ترب تخم هلیون تخم اسپست تخم جرجیر مغز بلوزه
مغز جلغوزه حب القلقل حب الزلم بوزیدان قسط شیرین زنجبیل
تودریین لسان العصافیر شقاقل بهمنین دار فلفل خرف حلتیت
قرنفل مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم باده
ده درم شیر تازه یا شراب نوشیدن **معجون النفع** این معجون

از مفرحاتست

از مفرحاتست و بعضی از تریاقات شمرده اند و منافع بسیار
دارد **صفت آن** قرنفل فوفل زنجبیل سنبل دارفلفل خیربوا
جوزبوا قاقله کبابه شیطرج هندی لسان العصافیر درونج عقربی
بادرنجبویه مصطکی لسان الثور خولنجان زرشک خشک مروارید ناسفته
صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه گل سرخ یاقوت رمانی بهمن
سرخ و سفید از هر یک دو درم بسباسه شش درم پوست ترنج
سه درم پوست بلیله یکدرم عنبر اشهب و زعفران از هر یک
یکدرم و نیم مشک نیم درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
یکدرم تا دو مثقال **معجون اسطمیخقون** تمامی مزاج و درد
معده را سود دارد **صفت آن** صفت آن قسط حماما
زرنباد سنبل سلیخه مصطکی از هر یک دوازده درم زراوند طویل فلفل
سیاه تخم کرفس تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی فطرا
سالیون کاشم اسارون افتیمون انجدان فودنه نعناع
از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند **معجون بلوس**

حافظ را قوة دهد و نسیان را نافع باشد صفت آن بلادر
و افتیمون از هر یک ده درم صبر شصت مثقال غاریقون بیست
و چهار مثقال سلیخه وج زراوند زعفران دارچینی مصطکی از هر یک
شش مثقال قسط تخم سداب فلفل سفید از هر یک هشت مثقال
عسل سه چهار یک بطریق معهود معجون سازند معجون تمری قولنج
بگشاید صفت آن زنجبیل فلفل سفید از هر یک بیست درم تمر هندی
ده درم خرما دانه بیرون کرده مغز بادام برگ سداب از هر یک
شصت درم خرما را در سرکه خیسانند یک شبانروز و بکوبند و
داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند و غنی عسل صاف معجون سازند
شربتی سه درم تا چهار درم معجون جنطیانا صلابت سپرز و جگر
و درد معده و گرده و مثانه را نافع باشد و سده بگشاید
صفت آن جنطیانا رومی و فلفل سیاه از هر یک ده درم قسط
سادج سنبل ریوند چینی از هر یک هفت مثقال کوفته و بیخته با سه وزن
آن عسل بسرشند شربتی دو درم با آب سداب معجون افتیمون

درد معده و جگر که از سردی بود زایل گرداند و استسقا را نافع باشد
صفت آن افیتمون تخم کرفس افسنتین مغز بادام تلخ مساوی
کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند شربتی دو درم معجون سنبل
معده و جگر را نافع باشد صفت آن سنبل فقاح اذخر قصب
الذریره از هر یک چهار درم مویز منقی و سلیخه از هر یک پنج درم
زعفران مر افیتمون از هر یک یکدرم فلفل سیاه مقل از هر
یک دو درم مقل و مویز را در مثلث حل کنند و داروها
کوفته و بیخته بدان بیامیزند و با عسل معجون سازند معجون
قفقی سرفه و درد جگر و درد معده و سپرز اسود دارد و
آواز صافی کند و بول براند صفت آن مویز منقی بیست
و پنج درم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان از هر یک
یکدرم قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم مقل از هر یک
دو درم و نیم مر چهار درم انچه حل کردنیست در مثلث حل کنند
وانچه کوفتنیست بکوبند و به بیزند و مجموع را با عسل مصفی

[illegible]

الملک
بر شند شربتی یکدرم با شراب زوفا و آب گرم بنوشند معجون قباد
نافع مفاصل و نقرس و درد سپرز و تبهای کهنه و ضیق النفس و سرفه
کهنه و ریش روده و تاریکی چشم را نافع باشد و بادهای غلیظ را
دفع کند صفت آن جنطیانا رومی اسطوخودوس قردمانا جاوشیر
کاشم طوس تخم سداب فراسیون اسقوردیون میعه سایله از هر یک
پنج مثقال مر زعفران قسط فلفل سفید دارچینی سنبل فرفیون پوست
بیخ لفاح اشق فودنه رازیانه دوقو ورق گل سرخ ناردین حب
بلسان از هر یک سه مثقال قرنفل هشت مثقال سلیخه شانزده مثقال
عصاره غافت تخم جندقوقی صمغ بادام از هر یک چهار درم
افیون بزر البنج سفید از هر یک شش مثقال قند سفید چهار درم
آنچه حل کردنیست در مثلث حل کنند و آنچه کوفتنیست
بکوبند و با آن ممزوج سازند و بعسل معجون کنند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند معجون قیصر خفقان بارد و صرع و درد
معده که از سردی باشد و قوانی امتلائی را نافع بود

سده بکشاید

سده بکشاید صفت آن جند بیدستر رب السوس سلیخه قسط
تخم فلفل سیاه افیون میعه زعفران سنبل از هر یک سه درم
جاوشیر یکدرم دورونج عقرقرحا زرنباد جدوار بیدانه ناسفته از هر یک
نیم درم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل سرشند مقابل
یک نخود معجونی که از جهت ضعف معده نافعست صفت آن
طباشیر و پوست سنگدان خروس از هر یک دو مثقال گل سرخ
سه درم تفاح خشک پوست بیرون پسته پوست ترنج پوست
هلیله زرد از هر یک یک مثقال بهمن سرخ و سفید و صندل سرخ
و سفید و صعتر و کشنیز خشک بریان کرده و حب الاس از هر
یک دو درم کوفته و بیخته با شراب فواکه معجون سازند شربتی
دو مثقال معجون نجاح مسهل سودا و بلغم بود و امراض
سوداوی و بلغمی را نافع باشد صفت آن هلیله سیاه
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی آمله مقشر افتیمون از
هر یک ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس تربد سفید

از هر یک پنج مثقال غاریقون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول
از هر یک دو درم و نیم سقمونیا سه درم کوفته و بیخته با صد و بیست
درم عسل سرشته شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال **معجون خیارچنبر**
مسهل صفرا و بلغم باشد **صفت آن** ترید سفید چهل درم
بنفشه سی درم نمک هندی رب السوس از هر یک هفت
درم رازیانه انیسون مصطکی از هر یک پنج درم سقمونیا ده درم
عسل خیار چنبر صد درم روغن بادام چهل درم قند و عسل
از هر یک صد درم مغز خیار چنبر را در عسل و قند حل کنند و دواها
را کوفته بروغن بادام چرب کنند و در یکدیگر سرشته شربتی
از پنج مثقال تا هفت مثقال **معجون سورنجان** مسهل صفرا
و بلغم باشد و مخصوص بمفاصل و نقرس و عرق النسا است
صفت آن سورنجان شش مثقال ماهی زهره زیره کرمانی
پوست پنج کبر شیطرج هندی بوزیدان از هر یک دو درم
هلیله زرد هفت درم تخم کرفس نمک هندی برگ سنا زنجبیل

فلفل سفید

فلفل سفید رازیانه صعتر از هر یک یک مثقال گل سرخ زنجبیل
سقمونیا کشنیز خشک از هر یک سه درم ترید سفید یازده درم
روغن بادام چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم شربتی
پنج مثقال تا هفت مثقال **معجون مشک** درد جگر و ضعف
معده را نافع باشد و سده بگشاید و اورام صلب را تحلیل دهد
صفت آن مشک سلیخه سنبل ساذج لک قسط ریوند چینی خطائی
رومی از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی
از هر یک سه درم عود هندی سعد قرنفل از هر یک نیم مثقال
کوفته و بیخته با سه چندان عسل سرشته و معجون سازند **معجون نانخواه**
معده را پاک کند و اشتهای طعام آورد و باه را قوت دهد
صفت آن صعتر زوفا نانخواه نعناع شونیز زیره کرمانی از
هر یک پنج مثقال وج بسباسه رازیانه زنجبیل جوز بوا تخم کرفس
از هر یک سه مثقال حاشا دو مثقال کوفته و بیخته با سه چندان
عسل سرشته **معجون مسیحی** درد پشت و درد بار را نافع باشد
و باه را قوت دهد و معده را پاک کند و موی را سیاه کند
و سودا را دفع کند و سرعت انزال را سود دارد **صفت آن**

کل سرخ سعد عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران قاقلتین
جوزبوا بالسوی قند و عسل مصفی بقدر احتیاج قند را در گلاب
بگدازند و با عسل بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
معجون غیاثی اشتها آورد و بوی دهن خوش کند و حفظ
بیفزاید و منی زیاده کند صفت آن زعفران عاقرقرحا بیخ
انبج فرفیون خولنجان قاقله کبار دار فلفل چند بهتر
کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند معجون سیر لقوه و صرع
و فالج و رعشه و بوسیر و بهق و برص را نافع باشد و معده
را قوة دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوة بیفزاید و رنگ
را سرخ گرداند و حرارة غریزی برافروزد و سیر ابو الغا
مفید بود صفت آن سیر پاک کرده یمنی در یکمن شیر گاو
بپزند تا مهرا شود و سه چهار رنگ عسل و سی درم روغن گاو
بر سر آتش ریزند و با یکدیگر ممزوج سازند و از آتش فرو گیرند و
واین داروها کوفته و بیخته بدان بسرشند قرنفل جوزبوا ابیات

فلفل

فلفل مصطکی قاقله کبار و صنوبر بلیله کابلی دارچینی زنجبیل
از هر یک ده درم عود خام و زعفران از هر یک پنج درم شربتی
مثقالی یک سرد کار صفت آن معجون نمک هندی معده
را پاک کند و قی بلغمی و سوداوی باز دارد و درد بلغمی و سودا
وی را نافع باشد صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله هلیله کا
بلی اسطوخودوس از هر یک ده درم افتیمون چهار درم نمک
هندی ده درم ایارج فیقرا ده درم غاریقون چهار درم کوفته
و بیخته بسکنجبین بسرشند شربتی سه درم با آب گرم معجون قسط
اوجاع کبد و معده را نافع باشد صفت آن دارچینی
سلیخه قسط از هر یک سی درم انیسون ریوند چینی
تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون بیست و نه درم
زعفران هشت درم فقاح اذخر و مر از هر یک بیست
و چهار درم مر را در شراب حل کنند و ادویه دیگر کوفته
و بیخته با آن ممزوج سازند و بعسل صاف معجون کنند

معجون حمیری فالج و لقوه و استرخا و امراض بلغمی را نافع بود
و چون بر عضو مفلوج و مسترخی طلا کنند نافع باشد **صفت**
آن افیون فرفیون جندبیدستر دارچینی دارفلفل بزر البنج
سنبل بزر البنج زنجبیل زعفران مساوی کوفته و بیخته بعسل
بسرشند **معجون** که نقرس بلغمی را نافع باشد **صفت آن**
پوست هلیله زرد سورنجان عاقرقرحا از هر یک یکدرم
فلفل سفید یکدرم و نیم زیره کرمانی هفت درم راسن چهار درم
زنجبیل دو درم افیون نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
دو مثقال **معجون سکبینج** قولنج را نافع باشد **صفت آن**
سکبینج تخم کرفس جندبیدستر از هر یک یک جزو سقمونیا نیم جزو
سقمونیا را در روغن بادام بسایند و سکبینج را در عسل حل
کنند و با یکدیگر بیامیزند و داروها دیگر را کوفته و بیخته
با آن بسرشند شربتی سه مثقال **معجون حلغوزه** عسر البول را
نافع باشد **صفت آن** و حقوق ریوند چینی اذخر حب بلسان

افیون

افیون انیسون سلیخه زعفران دارچینی فطراسالیون
کاقیوسی از هر یک سه درم مغز حلغوزه سی درم تفاح خشک
نیم درم کوفته بعسل بسرشند **معجون ریوند** درد جگر و معده
و اورام رحم را نافع باشد **صفت آن** ریوند
چینی شهدانه مویز بیخ الجذان تخم کرفس انیسون رازیانه نانخواه
مساوی بعسل بسرشند و بعضی بعوض شهدانه راسن کنند شربتی
یک مثقال با ماء العسل **معجون فیقرا** شهوات ردیه را دفع
کنند و صداع را نافع باشد **صفت آن** ایارج فیقرا ده درم
ده درم پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله از هر یک دو درم
نانخواه فلفل دو درم و نیم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم
تا چهار درم در طبیخ فودنه **معجون فودنه** درد معده و جگر
و تنها بکنی و تب سرد را سود دارد **صفت آن** پودنه
کوهی و پودنه دشتی فطراسالیون سیسالیوس از هر یک
بیست درم تخم کرفس بابونه و حاشا از هر یک چهار
کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهل رد

٢١/٢

نسخها بیست وچهار درم با انگبین مصفی بسرشند معجون مقل باد بواسیر
را و بادی که اندر رودها باشد بشکند و اماسی مقعد را که خون آید
سود دارد صفت آن هلیله کابلی بلیله آمله تخم سنگدان سفید تخم
گندنا تخم شاهسپرم از هریک پنج درم مقل پنجاه درم مقل را در آب گندنا
حل کنند و داروها بدان بسرشند شربتی دو درم معجون ماسک البول
از کثرة توالی که ادرار بول را نافع باشد و سیلان منی باز دارد
و خاصه مرد پیر را صفت آن اقاقیا گلنار از هریک ده درم
صندل سرخ و سفید عدس سرخ قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی
طباشیر از هریک دو درم تخم مورد دو مثقال کندر یکدرم کوفته و بیخته
بگلاب بسرشند شربتی پنج درم غذا بره بریان و قلیه خشک تناول
کند معجون اختلاف اسهال بلغمی را و زحیر را نافع باشد
صفت آن افیون جندبیدستر میعه سایله بزر البنج زعفران اسارون
تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل الطیب گل ارمنی گلنار مساوی
کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند شربتی نیم درم برب به
آب سرد یا آب سماق معجون بنفشه اعراض سودا

وي را

وي را نافع باشد و سرفه را دفع کند صفت آن بنفشه مغز بادام
شیرین از هریک ده درم تخم کاشنی سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو سلیخه از هریک پنج درم کثیرا یکدرم اصل السوس یکدرم کوفته و بیخته
بقند و گلاب معجون سازند شربتی یکدرم بگلاب گرم کرده معجون
سقراط نسیان مالیخولیا و صرع و بهق و برص و اوجاع مفا
صل و درد معده و داء الحیه و داء الثعلب و داء الفیل و
تقطیر البول و سرفه کهنه و تب ربع و تبهای بلغمی و عسر البول و بواسیر
و یرقان سدی و طحال را نافع باشد و دفع غایله سموم کند
و والیدا قوة دهد و باه را زیاده کند و حب القرع را دفع کند و سنگ
گرده و مثانه بریزاند و حیض بگشاید و بوی دهن و بوی عرق
خوش کند و گرانی زبان ببرد و صداع را زائل کند و جمیع امراض
بلغمی و سوداوی را سود دارد و پیران را بغایت مفید بود صفت
آن جنطیانا قوه‌ها ناردشک تخم فلنجمشک حب الغار زراوند
طویل از هریک یک مثقال انیسون جندبیدستر حب بلسان
سلیخه اسارون مصطکی از هریک یکدرم و

نوزنباد لحم کرفس تخم جرجیر تخم پیاز تخم کندنا از هر یک دو درم صبر
سقوطری ده درم تربد سفید بیست درم عود خام دوازده درم
جوز بوا ریوند چینی قرنفل قاقله سیاه اشنه سنبل الطیب
زعفران اسطوخودوس بریان کرده زرنب شیطرج افلنجه دارچینی
از هر یک سه درم ورق گل سرخ بادرنجبویه لک مغسول از هر یک
پنج درم سعد حب المحلب از هر یک چهار درم هلیله سیاه پوست
بلیله آمله از هر یک شش درم کوفته و بیخته بروغن بادام
چرب کنند و با سه چندان عسل سرشته و در ظرف آبگینه کنند و
شش ماه در میان جو نهند شربتی از دو درم تا پنج درم

معجونی که منفعت از جهت کسی که بواسطه درد معده طعام
را قی کند **صفت آن** اصول اذخر سعد از هر یک یکدرم اشنه
هلیله فلفل کندر نانخواه از هر یک نیم درم دانه مویز کنجد زنجبیل
دارچینی سلیخه فودنه از هر یک دانگی و نیم مصطکی و عود خام
هر یک دو دانگ قرنفل و سک از هر یک دانگی دانه مویز را
قدری آب اضافه نمایند و شیره آن بگیرند و بجوشانند

تا غلیظ شود

تا غلیظ شود و ادویه دیگر را کوفته و بیخته بدان سرشته و هر صباح یک
بادام تناول نمایند **معجون میعه** اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد
صفت آن جند بیدستر اسارون افیون میعه سایله بزرالبنج
کندر مساوی بعسل معجون سازند شربتی دو درم یا سه درم

معجون فولاد این معجون هندویانست و ترکیبی عجیبست و
خواص بسیار دارد فالج و لقوه و صرع و رعشه و نسیان و
عرق النسا و مفاصل بلغمی و جمیع امراض بارده را نافع
بود و حفظ را زیاده کند و معده را قوة دهد و باه را بر
انگیزد و سرعة انزال و سلس البول را نافع بود و بیرا انزا
موافق باشد **صفت آن** زعفران فلفل دارفلفل شنجرف
مغسول باب لیمو صلایه کرده کبابه چینی مصطکی افیون
ماهی سقنقور سنبل سیاه قرنفل دارچینی صندل زیره کرمانی
سیاه دانه تخم جوزه تخم کاشی تخم خشخاش عاقرقرحا تخم
بهمن سفید هلیله سیاه کهربا مرجان مروارید بنفشه
لسان العصافیر تخم کرفس مغز نغنه دانه تخم تا دوده زه

بریان کرده جنطیانا ماهی زهره شتر زنجبیل مقشر کنجشک مغز سر خروس
کنجد مقشر کندر رومی بابونه جوز بوا آمله قاقله کبار زنجبیله شیطرج
نانخواه جوز هندی بالیون سلیخه سنبل بواهینکر از هر یک ده مثقال
اسطغار مغز چلغوزه بهار کردکان حب النیل هندی خصیة الثعلب
زرنباد درازیانه بلادر زهر گرفته کجلا بریان کرده زهر گرفته
بریان کرده کرده افتیمون زراوند طویل بیاز عنصل
راوند مدحرج شاهتره از هر یک پنج مثقال افیون مصری چهار
مثقال عنبر خالص مشک تبتی از هر یک یک مثقال ورق طلا ورق
نقره از هر یک پنجاه عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف
مقابل اجزا فولاد مکلس هر صد مثقال دوازده مثقال
دستور متعارف معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
طریق تکلیس فولاد آنست که فولاد جوهردار خالی از
زنگ بتراشند و صلایه کنند و هر پنجاه مثقال فولاد پنجاه
گوگرد زرد پاک صلایه کرده با آن ضم کنند و در بوته
نهند و آتش تند کنند چندانکه گوگرد تمام بسوزد

و دود گوگرد بر نیاید بعد از آن بیرون آورند و با آب حصرم و سرکه
کهنه یک هفته صلایه کنند تا نیک صلایه شود بعد از آن با سرکه بشویند
تا تلخی از و برود پس با آب بشویند تا شیرین گردد بعد از آن
خشک کنند و با آب ترب صلایه چندانکه چون با آب ریزند
بته آب فرو نرود و تا یک روز بر بالای آب جا ایستد والله
اعلم معجون خبث الحدید بیماری بول تر از سردی بود باز
دارد صفت آن خبث الحدید مدبر بیست درم قشور کندر کودر
سرکه خیسانیده باشند یک شبانه روز پس خشک کرده کوفته بیخته پنج درم
طباشیر چهار درم گشنیز خشک سه درم شوکران دو درم مصطکی ساده برشته
شربتی با مداد سه درم و شبانگاه سه درم با آب سیب معجون راسن
ورم صلب کبد و معده را نافع باشد صفت آن ریوند چینی و
زنجبیل و راسن و اسطغار از هر یک یک جزو تخم کرفس رازیانه افیون
نانخواه از هر یک نیم جزو کوفته بیخته عسل سه وزن ادویه برشته
شربتی مثل یک فندق معجونی که منع مستی کند صفت آن شاخ
سوخته خنفسا بادام تلخ تخم کرنب بودنه کوهی ملح انقطاس

نانخواه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون بزوری ورد
معده و جگر و سپرز را سود دارد و بادهای را بشکند صفت آن
سلیخه حماما سنبل نانخواه رازیانه انیسون سیساليوس جند بیدستر
شبت زراوند طویل مصطکی اسارون کردمانا اجزا مساوی کوفته
و بیخته با انگبین مصفی سرشند معجونی که نافعست از برای کسی که عا
جز باشد از ازاله بکاره صفت آن زنجبیل دارچینی خصیة الثعلب شقاقل
جوزبوا لسان العصافیر مصطکی زعفران دارفلفل بوزیدان ورد احمر
بهمن ابیض بهمن احمر تخم بلیون تخم خربزه از هر یک دو مثقال مشک
و عنبر از هر یک یکمثقال حب الفلفل سه درم زاید الفکر بیست و پنج مثقال
عسل بهمن ترکیب سازند مفرح مسیحی قرنفل پنج مثقال خولنجان کبابه
قرنفل جوزبوا از هر یک سه مثقال قاقله کبار قاقله صغار از هر
یک سه درم تخم فرنجمشک ورق قرنفل از هر یک سه مثقال گاوزبان
ابریشم بادرنجبویه از هر یک پنج مثقال سنبل اشنه از هر یک چهار مثقال عود
از هر یک سه مثقال بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک چهار مثقال
زنجبیل دارچینی فلفل از هر یک دو مثقال پوست ترنج

سه مثقال گل سرخ چهار مثقال سعد یکمثقال خصیة الثعلب بسباسه
لسان العصافیر از هر یک سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال لعل یکمثقال
مشک نیم درم مروارید کهربا بسد از هر یک یکمثقال ورق طلا ورق
نقره از هر یک نیم مثقال جدوار اعظم بیست مثقال عسل دو وزن ادویه
معجون سنجری ترکیب شیخ ابو علی مشهورست بقرص سنجری فایده
بسیار دارد و مقوی باهست جگر و دل و معده را قوة دهد و هاضم
طعام و مزید حافظه و قوة بصر سبز اید و قوت سمع نگاه دارد
صفت آن سنبل ده مثقال انیسون سه جوزبوا قاقله صغار زنجبیل
دارچینی قرنفل زعفران بهمن سرخ بهمن سفید عود صلیب مصطکی بادر
جبلی ساذج از هر یک شش مثقال تخم معصفر سه مثقال تخم [illegible]
تخم شبت نانخواه زیره کرمانی تخم جرجیر از هر یک سه مثقال مغز بادام
شیرین مغز پسته مغز سنجد کنجد از هر یک شش مثقال مویز سرخ
قند سفید از هر یک سی مثقال عسل مصفی سه وزن ادویه مقدار شر
بت دو مثقال معجونی که منفعت کند یرقانی را با حمی

صفت آن کریزه پابنه سه درم ورد احمر یکدرم ونیم طباشیر سفید
یکدرم کوفته وبیخته بشراب سیب سرشته شربتی یکمثقال با ده درم
شراب سیب مفرحی که مقوی قلب وباه ومعده است صفت
آن مروارید ناسفته سه مثقال لعل بدخشانی فیروزه نیشابوری
بد که یا یشب حجر الیهود مشک خالص از هر یک دو مثقال
عود چهار مثقال پوست سبز پسته دو مثقال پوست اترج سه
مثقال قرنفل دو مثقال قاقله مقشر دارچینی از هر یک سه مثقال بهمن سرخ
بهمن سفید از هر یک دو مثقال درونج سه مثقال زنجبیل خولنجان فلفل
دارفلفل از هر یک دو مثقال اسارون صندل سرخ صندل سفید بشنه
از هر یک سه مثقال طباشیر دو مثقال حب الثعلب دو مثقال شقاقل
گل سرخ از هر یک سه مثقال مصطکی پنج مثقال قسط شیرین دو مثقال
کاسنی سه مثقال قرفه عاقرقرحا از هر یک دو مثقال فرفیون یکمثقال
سه مثقال بزر البنج یکمثقال تخم فرنجمشک دو مثقال افیون
از هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه که سیصد وسی
شد معجون یقوی علی الباه ویطیب النفس

ویسخن البدن وینفع الریح من المعدة ومن برد الکلی ویزید فی
الحفظ صفته دارچینی قسط شیرین سنبل زعفران رازیانه
زنجبیل تفاح خشک برگ صعتر قودنج الیابس سلیخه من کل
واحد اربعة مثاقیل ساذج هندی دارفلفل فلفل ابیض
فلفل اسود اسارون بزر الانجره کرویا قرنفل خولنجان شقاقل
من کل واحد اربعة مثاقیل ونصف عاقرقرحا بزر اللفت بزر
الفجل بزر الشلجم من کل واحد مثقالان شحم المولب الجوز لب الفستق
لب اللوز الحلو حلغوزه من کل واحد عشرة مثقال عود هندی ثلثة
مثاقیل سکر ابیض مثل الجمیع عسل مصفی ضعف الادویه معجون
زبیب مصروع را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی
پوست هلیله زرد آمله اسطوخودوس از هر یک ده درم عود
صلیب پنجدرم عاقرقرحا سه درم مویز منقی یکرطل ادویه کوفته
وبیخته با مویز کوفته معجون سازند شربتی پنجدرم معجون سیسالیوس
همین خاصیت دارد صفت آن سیسالیوس عاقرقرحا
اسطوخودوس از هر یک ده درم عود صلیب غاریقون

قوه ما نا حلتیت زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته بانگبین
عنصلی برشند شربتی یک مثقال معجون لبان نسیان را نافع باشد
صفت آن کندر و وج سعد از هر یک ده درم فلفل زنجبیل از
هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل برشند شربتی یک مثقال معجونی که
سلس البول را باز دارد صفت آن کلنار ده درم کندر
بلوط از هر یک بیست درم سعد کرویا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند معجونی دیگر که همین خاصیت دارد صفت
آن شاهبلوط هفت درم کلنار ده درم دار فلفل حب الثعلب
از هر یک یکدرم کوفته بعسل برشند شربتی یکدرم معجونی که بادها
زنان آبستن را دفع کند و محافظت جنین نماید صفت آن
زرنباد درونج از هر یک دو درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم
بیدستر یک مثقال دو اله سنبل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بعسل
سازند شربتی یک مثقال معجونی دیگر که همین منفعت دارد
زرنباد جند بیدستر حلتیت مازو طباشیر از هر یک
[illegible] درم قند سفید دوازده درم مشک نیم مثقال

کوفته و بیخته بعسل برشند شربتی دو درم معجون مفاصل
سورنجان ده درم سنا مکی پنج درم اسارون زنجبیل زیره کرما
نی دار فلفل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بعسل برشند شربتی دو
مثقال با آب گرم معجون مفرح مالیخولیا و توحش را نافع بود
و دل را قوت دهد و نشاط آورد صفت آن ورق گل سرخ سعد
قرنفل از هر یک پنج درم بسباسه پوست ترنج تخم فرنجمشک از هر
یک سه درم مشک دانگی کوفته و بیخته بشراب سیب معجون سازند
مفرح معتدل دل را قوت دهد و خفقان را نافع بود و نشاط
آورد و رنگ را نیکو گرداند و تشنگی بنشاند صفت آن مروارید
ناسفته بسد گاو زبان عود خام از هر یک دو درم کهربا تخم کاسنی کشنیز
خشک از هر یک پنج درم صندل سرخ و سفید طباشیر از هر یک هشت درم
افتیمون گل سرخ از هر یک شش درم ساذج هندی زرنباد [illegible]
[illegible] تخم بادرنجبویه خشخاش سفید [illegible] گل سرخ [illegible]
از هر یک چهار درم زعفران عنبر درونج از هر یک دو درم کافور
مشک نیم درم کوفته و بیخته بشراب سیب معجون

خفقان و ضعف دل را اگر از سردی بود نافع باشد **صفت**
آن گاوزبان بادرنجبویه بهمن سرخ بهمن سفید تخم فرنجمشک از هر یک
هشت درم آمله مقشر بریان کرده بیست درم عود قماری ده درم
گل مختوم مروارید ناسفته از هر یک یکمثقال زعفران یکدرم بسد
سوخته کهربا سوخته قرنفل زرنب کشنیز خشک دارچینی از هر یک دو درم
کبابه چینی زرنباد از هر یک سه درم گل سرخ صندل مقاصری از هر
یک نیم درم عسل بلیله پنج [illegible] یاقوت و زر محلول از هر یک نیم
درم درونج عقربی یکدرم و نیم مویز منقی یمنی قند یمنی عسل بلیله و قند
و مویز منقی را با یکدیگر بجوشانند و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته
بدان برشند شربتی یکمثقال **مفرح بارد** خفقان حار را نافع بود
و دل را قوة دهد **صفت آن** گل سرخ طباشیر بهمن سفید گاوزبان
کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید از هر یک یکدرم مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو از هر یک چهار درم تخم خرفه پانزده درم زرشک منقی
شش درم مروارید ناسفته کهربا زعفران کافور از هر یک نیم درم
با شکر یا صد درم نبات را در عرق بید مشک بگدازند و با

پنجاه مثقال

پنجاه مثقال آب سیب بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته بدان برشند
مفرح بارد بنسخه دیگر مروارید ناسفته بسد سوخته طباشیر بهمن
سفید گاوزبان کهربا گل ارمنی از هر یک دو درم مشک نیم درم
قند سفید سی درم معجون سازند چنانکه رسمست **مفرح دلگشای**
بارد خفقان و ضعف دل را زایل کند و نشاط و فرحه تمامتر
آورد **صفت آن** بهمن سرخ و سفید از هر یک نیم درم پوست
بلیله کابلی پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم خام مقرض
مروارید ناسفته از هر یک دو درم گاوزبان شاهتره بادرنجبویه
از هر یک ده درم کشنیز خشک و طباشیر از هر یک سه درم بسد و کهربا زرنباد
و درونج رومی از هر یک یکدرم عود خام یکمثقال آب انار آب به آب
حماض آب زرشک از هر یک ده درم قند سفید و شراب بنفشه از
هر یک صد مثقال آنها را با قند و شربت بقوام آورند و داروها کوفته
و بیخته با آن برشند **مفرح دلگشای حار** خفقان و ضعف دل را
که از سردی بود سود دارد **صفت آن** پوست ترنج
بادرنجبویه گاوزبان مغز تخم خیارین [illegible] از هر یک [illegible]

سرخ و سفید از هر یک دو درم و نیم هلیله سیاه مغز بادام ختائی سفید
کنجد مقشر از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی سه درم تخم کرفس
یکدرم مشک یکمثقال روغن بادام پنج مثقال نبات مصری و ترنجبین
سفید از هر یک [illegible] نبات و ترنجبین را در گلاب حل ساخته
بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند مفرح دلگشای
بارد طباشیر بهمن سفید گل سرخ [illegible] مروارید ناسفته از هر یک
یکمثقال صندل سفید کشنیز خشک از هر یک دو درم تخم خرفه هشت درم
ورد [illegible] محلول نقره محلول از هر یک نیم درم پوست بیرون پسته
یکدرم قند سفید یکمن آب ترنج [illegible] مثقال بطریق معهود معجون سازند
مفرح مسیحی بنسخه دیگر دل و جگر و دماغ را قوت دهد و منی بیفزاید و
اشتهای طعام و جماع آورد و باه را قوی کرداند صفت آن
قرفه گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از هر یک پنج درم خولنجان کبابه
قرنفل سنبل قاقله کبار و صغار جوزبوا تخم فرنجمشک مصطکی
[illegible] ترنج لسان العصافیر سیاه از هر یک ازین هر یک سه درم
چهار درم مروارید ناسفته ساذج هندی سعد کوفی

حصة الثعلب
عنبر اشهب از هر یک دو درم زنجبیل و دارفلفل از هر یک یکدرم
ده درم مشک زر محلول نقره محلول از هر یک نیم درم لعل کهربا
بسد از هر یک یکدرم جزو اعظم سی مثقال عسل دو وزن ادویه
معجون سازند چنانکه رسمست مفرح رشیدی لعل و بسباسه
از هر یک پنج مثقال زعفران سه مثقال جزو اعظم ده مثقال
قند سفید پنجاه مثقال قند را در گلاب بگدازند و بقوام آورند
و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند مفرحی که خفقان سوداوی
را نافع باشد صفت آن ساذج سعد بادرنجبویه اشترغاز [illegible]
تخم کرفس تخم فرنجمشک از هر یک سه درم مروارید ناسفته بسد
از هر یک پنج درم عصاره افسنتین شش درم زعفران و مشک
بهمنین
از هر یک یکدرم بادرنجبویه ده درم پوست دو درم گاوزبان
ده درم کوفته و بیخته با آب افتیمون جوشانیده معجون سازند شربتی
درم مربا هلیله معده را قوت دهد و هاضمه را قوی کند
و طبع را نرم کند و بواسیر را نافع و باصره را تیز کند
زایل کند و جوان نگاه دارد صفت آن

صنوعده در ظرفی کنند و چندان آب بر سر آن ریزند که از ابه بپوشاند
و خاکستر پاک پنجاه درم بر سر آن کنند و چهار نوبت آب و
خاکستر را تغییر کنند و در هر سه روز یکبار ببینند بشویند چنانچه پوست از وی
جدا شود و در دیگ کنند و آب صافی بر وی ریزند و یک کف چوب
متشتر نیم کوفته اضافه آن کنند و بجوشانند تا خوب پخته شود پس بیرون
آورند و دیگر باره با آن دستور بشویند و هر هلیله را ده سوزن بز
نند و در ظرفی کنند و چندان عسل بر سر آن ریزند که از ابه بپوشاند
و بیست روز بگذارند و بعد از آن از میان عسل بیرون آورند
و آن عسل را نگاه دارند و دیگر عسل تازه بر سر آن کنند و ده روز دیگر
بگذارند بعد از آن با عسل اول و دوم بجوشانند تا بقوام آید و اگر این
داروها داخل کنند بهتر باشد قرفه و قرنفل زنجبیل قاقله جوزبوا
مصطکی عود از هر یک پنج مثقال مشک نیم درم زعفران یک مثقال
در ظرف چینی کنند و بعد از چهل روز استعمال نمایند **مربای شقاقل**
صنعت آن زه دهد و نعوظ تمام آورد و مثانه را سود دارد
در آب خیسانند باز آن آب را بریزند و یکشبانه روز

دیگر

دیگر در آب تازه خیسانند بعد از آن نقش کنند و بجوشانند تا نیم پخته
شود آنگاه عسل صافی بر سر آن کنند و با آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید
و در ظرفی کنند و بعد از چهل روز تناول نمایند **مربای بالنگ** معده را قوه دهد
و فرح آورد **صنعت آن** گوشت ترنج را در دیگ کنند و با آب بجوشانند
تا نیم پخته شود و بیرون آورند و بفشارند و عسل صاف بر سر آن کنند
و با آتش نرم بجوشانند تا بقوام و اگر بقند خواهند همچنین الا مربای هلیله
و بالنگ و شقاقل و جوز و کرمکان بعسل بهتر باشد و مربای تمر هندی
و آلو و به و سیب و امثال اینها بقند **مربای جزر** باه را قوه دهد
و سینه را نرم کند و شب را محکم گرداند **صنعت آن** گزر بزرگ را پوست
بخراشند و پاره پاره کنند و میان آن از اینها بیندازند و در آب و عسل
بجوشانند تا پخته شود و بعد از آن بیرون آورند و در عسل اندازند
اندک جوشی بدهند و در ظرفی کنند و بعد از چهل روز استعمال
مربای زنجبیل گرده و مثانه و معده بارده را نافع
باشد و تنها بلغمی را سود دارد و باه را زیاده کند
زنجبیل آزاد خوب را در زیر ریگ کنند و ...

بران میریزند بعد از آن بیرون آورند و بشویند و ریشه ریشه کنند و با آب
و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای گردکان معده را قوة دهد
و باه را زیاده کند صفت آن بستانند گردکان تازه که هنوز
صلب نشده باشد و پوست از وجدا کنند و با آب و عسل بجوشانند
تا بقوام آید مربای وج قولنج ریحی و فالج و صرع را نافع باشد
صفت آن وج تر یک شبانروز در آب خیسانند و بعد از آن
بیرون آورند و در آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید صفت آن
مربا هندوانه حرارت دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن
بستانند پوست هندوانه و سبزی از وجدا کنند و سه روز در آب
و آهک خیسانند روز چهارم در نمک آب خیسانند و یکشبانروز
بگذارند پس بیرون آورند و سه شبانروز در آب شیرین اندازند و
بعد از آن در آب و قدری عسل بجوشانند تا نیم پخته شود پس بیرون
آورند و بنهند تا آب از و برود دیگر باره در عسل اندازند و بجو
بقوام آید مربا کدو تشنگی بنشاند سوزش مثانه را نافع باشد
کدو تازه بخراشند و مغز آن بیندازند و پاره پاره
کنند

کنند و با آب و عسل بجوشانند و بقوام آورند مربا تمر هندی
صفرا دفع کند و تب زایل کند و محرور مزاج را موافق باشد
صفت آن تمر هندی را از چوب و دانه پاک کنند و در گلاب
خیسانند یکساعت بعد از آن قند را بقوام آورند و تمر بر وی
ریزند و چون یک جوش بزنند فرو گیرند مربا سیب معده و دل را نافع
باشد صفت آن سیب را پوست باز کنند و دانه بیرون
آورند و در آب بجوشانند تا نیم پخته شود پس با قند بقوام آورند
مربا به صفت مربی به مثل مربا سیب است اما سیب
را درست مربا کنند و به نیمش صفت آن معده را قوة دهد
[illegible] قی و غثیان و هیضه و فواق و درد جگر را نافع باشد میبه
آب به ترش چهار من شراب ریحانی هشت من عسل
مصفی دو من مجموع را در دیگ ریزند زنجبیل مصطکی قاقله
کبار و صغار دارچینی کبابه قرنفل از هر یک هفت درم
[illegible] درم همه را نیم کوفته کنند سوای زعفران و در کیسه
[illegible] و در آن اندازند و بجوشانند و زعفران [illegible]

تا شیره تمام باز دهد زعفران سائیده اضافه نمایند و بقوام آورند
صنعت آن ماء العسل معده را قوة دهد و اشتها آورد و بول
براند و مفاصل و امراض بلغمی را نافع باشد صنعت آن عسل یکجزو آب
ده جزو بجوشانند تا ثلثی برود و دو ثلث بماند و اگر مقوّه خواهند
دارچینی خولنجان زنجبیل مصطکی زعفران اصل جوز بوا بسباسه
کوفته و بیخته بقدر احتیاج اضافه نمایند ماء الجبن مالیخولیا
و یرقان و جرب و کلف و امراض سوداوی را نافع باشد
و صفرا براند و با افتیمون مسهل سودا باشد صنعت آن بز نر
جوان صحیح البدن که چهل روز از زائیدن او گذشته باشد چند
روز کشنیز تازه یا کاهو یا کاشنی یا رازیانه یا آرد جو با علف
یا شاهتره تازه دهند بعد از آن دو رطل شیر آن بستانند و در
سنگی کنند و باتش نرم بجوشانند و چون بجوش برسند
سکنجبین صادق الحموضه بر سر آن ریزند و بجوشانند
کف پوست کنده نابه نهند و بسی از آتش فرو گیرند و در
کرباسی بیاویزند تا آب از آن بچکد آن آب را بگیرند

و دیگر باره بجوشانند و کف بردارند و با سکنجبین بنوشند
هر روز یک رطل به دو دفعه چنانچه میان هر دو دفعه دو ساعت
بگذرد و بعد از هر نوشیدن چند گام بروند ماء الاصول حار
نقرس و اوجاع مفاصل بلغمی و سوداوی را نافع باشد صنعت
آن پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاشنی
اصل السوس خطمی از هر یک ده درم تخم کاشنی رازیانه تخم کرفس
سورنجان زیره کرمانی بادآورد از هر یک پنج درم انجیر زرد مویز
منقی از هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و
صاف کنند هر روز سی درم با ده درم گلعسل بنوشند ماء الا
صول بارد اوجاع مفاصل حار را نافع باشد صنعت آن
عناب سپستان از هر یک سی عدد پوست بیخ کاشنی پوست
بیخ رازیانه از هر یک ده درم تخم کاشنی و رازیانه از هر یک پنج درم
سورنجان سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آ
صاف کنند و هر روز سی درم با ده درم گلقند بنوشند
صول دیگر که لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض

را نافع باشد و سنگ کرده و مثانه بریزاند و سده بگشاید
و استسقا و اوجاع مفاصل را سود دارد صنعت آن پوست
بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم پوست بیخ
کبر پنجدرم تخم کرفس اینسون رازیانه بیخ اذخر از هر یک
چهار درم حب بلسان اسارون از هر یک دو درم سلیخه
حنظل از هر یک دو درم و نیم عود بلسان بوزیدان هزار
سپند از هر یک سه درم مویز منقی بیست درم در دو من
آب بپزند تا یکمن آید و به پالایند شربتی سی مثقال با ده مثقال
روغن بید انجیر و پنجدرم روغن بادام تلخ ماء الاصول دیگر
سده جگر و سپرز بگشاید و برودت معده و جگر و سپرز و استسقا
را نافع باشد صنعت آن پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه
یک هفت درم بیخ اذخر و فقاح اذخر از هر یک
سنبل و مصطکی از هر یک یکدرم و نیم فوه لک منقی عود
یک دو درم غافت افسنتین شکاعی بادآورد
از هر یک سه درم انجیر ده عدد مویز منقی بیست درم

در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کرده هر روز
چهل درم با یکدرم روغن بادام تلخ و یکدرم روغن شیرین
بنوشند ماء البزور بادها پراکنده سازد و اخلاط
خلاط غلیظ را دفع کند و قولنج و استسقا رطبی را نافع
باشد صنعت آن تخم کاشم زیره کرمانی کرویا صعتر
شونیز از هر یک کفی در سه رطل آب بجوشانند تا بیک
رطل آید و صاف کنند و صبح و شام بیست درم از آن
با سه درم روغن بید انجیر بنوشند مطبوخ هلیله اسهال
صفرا کند صنعت آن پوست هلیله زرد شش مثقال آلو
سیاه بیست دانه سپستان سی دانه شاهتره و سنامکی
از هر یک پنجدرم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد رازیانه
تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم عنب الثعلب اصل
بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم در سه رطل آب بجوشانند
تا به نیمه آید و صاف کنند و شیرخشت و ترنجبین
هر یک ده مثقال ترنجبین و مغز خیارچنبر

از هر یک پانزده مثقال در آن حل کرده بنوشند مطبوخ فواکه
حمیات حاده را نافع باشد صنعت آن سنا مکی
هفت درم بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم
عناب و سپستان و آلو سیاه از هر یک بیست عدد گل سرخ
چهار درم در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف
کنند تمر هندی و شیرخشت از هر یک ده درم ترنجبین بیست
درم در آن حل کنند و بنوشند مطبوخ افتیمون معده
گرم و ضعیف را نافع باشد صنعت آن افتیمون [illegible]
گل سرخ شش درم تمر هندی بیست درم ترنجبین [illegible]
و افتیمون را بجوشانند و صاف کنند تمر هندی را در آن
کنند و یکدرم ایارج فیقرا ساخته فرو برند و از
آن این مطبوخ بنوشند مطبوخ افتیمون
سوخته و بلغم و سودا را دفع کنند و امراض سوداوی
صنعت آن سنا مکی هفت درم گل سرخ
[illegible] و در [illegible] هلیله زرد و هلیله سیاه

رفت روی یک درم ملک البطم پنجدرم روغن
زیتون ثمن موم یکمثقال گداخته در روغن بیگدازند
و مرداسنگ و صلایه کرده بر آن افشانند و مرهم سازند
مرهم توتیا جراحات قضیب را سود دارد صنعت آن توتیا
بیست درهم صلایه کرده با بیست درهم موم در پنج
درم روغن گل گداخته مرهم سازند مرهم مصری جراحت
گوش را نافع باشد صنعت آن سرکه هفت درهم عسل
هشت درم در یکدیگر [illegible] کنند و بقوام آورند و
ده درهم زنگار سحق کرده بر آن افشانند و مرهم سازند
و فتیله [illegible] ترکنانند در سوراخ گوش کنند مرهم

کوشت برویاند صفت آن سفیداب ارزیز سه درم دم الاخوین
انزروت کندر صبر مر از هریکی دو درم موم سه درم
موم را در روغن بگدازند و داروها را کوفته و بیخته
بآن ممزوج سازند و در هاون بسایند تا مرهم شود
مرهم اهلک سوختگی آتش را نافع باشد صفت آن مرداسنگ
خبث الفضه سفیداب قمولیا اهلک شسته روغن گل
موم سفید تخم مرغ را بایکدیگر مرهم سازند خاکینه
رسم آن مرهم سفیداب گوشت برویاند و جراحات خاک کنند
و حرارت بنشاند صفت آن سفیداب ارزیز موم سفید از هر
دو درم روغن گل ده درم بطریق معهود مرهم سازند مرهم شنگرف

سرطان

سرطان و جتان ریش را نافع باشد و اورام صلب را هم نافع باشد مرهم صفت
مرهم شنگرف مرداسنگ سفید درم کندر بارزد [illegible] موم سفید از هر یکی
ده درم حلتیت الیطم شش درم شنگرف شش درم روغن [illegible]
با روغن گل سرخ بیست درم بدستور معهود مرهم سازند مرهم گلنار
[illegible] را نافع باشد صفت آن مازو سیر مرداسنگ
زردچوبه از هریکی یکجزو گلنار ربع [illegible] الاصل
از هر یک جزو با موم سفید و روغن گل مرهم سازند
مرهم سرطان [illegible] و جراحات [illegible] اورد صفت
[illegible] در [illegible] از هر یکی ده درم صندل سفید
یکدرم شیاف مامیثا چهار درم سرطان سوخته سفید [illegible]
موم سفید چهار درم روغن گل ده مثقال بطریق متعارف

مرهم سازند مرهم عسل چرك را از جراحات ودماميل پاك كند

صفت آن عسل را بجوشانند تا غليظ شود وبرابر آن آرد جو كوفته

وبيخته با آن ممزوج كنند ومرهم سازند مرهمى كه جراحات آتشك را

نافع باشد صفت آن سفيداب توتيا دم الاخوين از هر يك سه درم

مرداسنگ دو درم زنگار يك درم موم پنج درم روغن بيست درم

مرهم سازند مرهم خاكستر مرداسنگ توتيا عناب

بيخته اب كشنيز تازه موم سفيد مرهم سازند صفت آن كه

بواسير را نافع بود صفت آن ميعه سايله يك درم مقل دو درم

وروغن مغز زردالو ده درم مقل وميعه را در روغن بگدازند

ومرهم سازند مرهمى كه همين خاصيت دارد بلكه از آن

قوى والنفع باشد صفت آن مقل كوهان شتر مغز ساق گاو مغز

استخوان

استخوان زردالو سوخته ميعه سايله سفيده تخم مرغ روغن گل

سكندر ممزوج سازند مرهم سازند مرهمى ديگر كه بواسير اسود

ودرد آن را كم كنند صفت آن مغز ساق گاو پيه مرغ كوهان

شتر روغن گل در ديگ بجوشانند وقدرى افيون اضافه

كنند ودر هاون سنگ بمالند ومرهم سازند مرهمى ديگر

كه از جهت بواسير عظيم النفع باشد صفت آن پيه بط پيه

پيه ماكيان از هر يك پنج درم مغز ساق گاو پنج درم روغن

مغز زردالو پنج روغن مغز پسته روغن گل از هر يك پنج درم

ميعه سايله دو صمغ مقل ازرق بيست درم اب كنند تا

بقدر حاجت موم سفيد پنج درم مقل را در آب كنند تا حل سازند

وروغنها را با موم وميعه يكجا زنند وبا مقل محلول در هاون

بایکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند باب نقوع نقوع هلیله
صفرا راند و صداع حار را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد
ده درم آلوی سیاه سپستان عناب از هر یک سی عدد تمر هندی
بیست درم بنفشه تخم کاسنی از هر یک سه درم تمر خیار چنبر ده درم
ترنجبین پانزده درم شب در پنج درم آب خیسانده صباح
صاف کرده بیاشامند نقوع فواکه صفرا دفع کند و
تشنگی بنشاند آلوی سیاه آلوی بخارا عناب سپستان از هر یک
سی عدد تمر هندی ده درم زردآلو خشک چهل عدد قند سفید
ده درم ترنجبین بیست درم شب خیسانند و صباح صاف
کرده بنوشند نقوع صبر صداع حار را نافع باشد صفت آن
آب کاسنی هفتاد مثقال صبر سقوطری چهار دانگ در آن حل کنند

و سه روز

و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم نهند و روز سوم
بپالایند و بنوشند نقوع صبر نوعی دیگر صداع بلغمی را نافع بود
صفت آن سعد سنبل افسنتین فقاح اذخر تخم کرفس بادیان
نانخواه زیره کرمانی از هر یک کفی در یکمن و نیم آب بپزند تا به نیمه
آید و بپالایند و بیست درم صبر در آن حل کنند و سه روز
در آفتاب بگذارند و روز چهارم صاف کنند شربتی سی درم با سه درم
روغن بید انجیر نقوع صبر نسخه دیگر صداع سوداوی را نافع باشد
صفت آن افسنتین ده درم اسارون پنج درم قنطوریون و مصطکی
از هر یک سه درم صبر سقوطری شش درم ادویه را کوفته در سه رطل
آب گرم خیسانند و سه روز در آفتاب نهند روز چهارم

صاف کنند شربتی چهار درم با یکدرم روغن بادام حلو نطول
که خواب آورد و درد سر را نافع باشد صداع سبقه تخم کاهو
از هر یک سه درم پوست خشخاش گل سرخ نیلوفر پوست کدوی تر
بابونه از هر یک ده درم کشک جو پنج درم در پنج من آب بپزند
بپزند تا به نیم آید و بر سر بخاران بدارند نطول که صداع
بارد را نافع بود صداع بابونه اکلیل الملک تمام مرزنجوش
برگ اسطوخودوس صعتر ورق الغار ساوی جوشانیده سر را بر بخار
[illegible] بدارند نطول که صداع ریحی و بارد را نافع
باشد و جهت زکام هم نافع میباشد صداع بابونه اکلیل الملک
[illegible] کرفس رازیانه تخم کرفس صعتر شبت جوشانیده سر را بر بخار
[illegible] بدارند

که در حلق اطفال بریزند الیا [illegible] سرفه اطفال را نافع باشد صفت
رب السوس کثیرا صمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم مغز بادام چهار درم
عسل [illegible] روغن بادام پنج درم فانید را در عسل حل کنند و ادویه را
کوفته بیخته در روغن ممزوج سازند و قدری از آن در دهن طفل ریزند
الیا [illegible] خفقان و غشی را نافع باشد و دل را قوت و فرح آورد
[illegible] مروارید ناسفته [illegible] درم [illegible] چهار درم یاقوت رمانی
گل گاوزبان [illegible] سفید صندل سفید از هر یک دو درم ورق
طلا عقیق یشب سادج هندی زرنباد درونج عقرب از هر یک
لاجورد مغسول یکمثقال ابریشم لعل کهربا نیلوفر زرشک [illegible]
کشنیز خشک تخم گل پوست ترنج گاوزبان ریوند چینی [illegible]
عود هندی ابریشم محرق از هر یک سه درم طباشیر سفید
صندل سرخ گل غنچه از هر یک پنج درم کافور عنبر [illegible]
دو مثقال مشک تبتی نیم [illegible] شیره املج پوست [illegible]
شراب انار شیرین شراب به از هر یک بیست

و به بزند و با شیرابها و گلاب و اب انار بقوام اورده معجون سازند
و بعد از چهل روز چون از تیاری ان گذشته باشد استعمال نمایند شربتی یکمثقال
الیها در خفقان و وسواس و ضعف دل را نافع باشد و اعضاء رئیسه را
قوت دهد و لون را صافی کند و نشاط تام اورد و سودا را دفع کند
علامت یاقوت سرخ بسد کهربا حجر لاجورد گل ارمنی سنبل الطیب
بهمن هندی بهمن سرخ بادرنجبویه از هریک نیم مثقال یاقوت زرد
زبرجد کبود یاقوت سفید عقیق یمنی مروارید ناسفته پوست بیرون
بادرنجبویه گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره محلول گل داوجی
[illegible] بهمن سفید از هریک چهار مثقال لعل فیروزه حجر
ابریشم مقرض قرنفل نیلوفر صندل سفید صندل سرخ
ابرهیمی قاقله کبار از هریک سه مثقال زمرد یکمثقال
مصطکی گاوزبان طباشیر سفید از هریک یکمثقال املج
از هریک ده عصاره زرشک پانزده درم
کافور نیم اب سیب اب به از هریک نیم من
سفید شکر نبات سفید [illegible] در گلاب

بگدازند

بگدازند و با اب سیب و اب به بقوام اورند و چون فرو گیرند اب [illegible]
بران ریزند و داروها کوفته بیخته با جواهر صلایه کرده بان سرشند شربتی
یکمثقال با خوردن قوی التفریح باشد و اثر او از غایت تفریح روحانی
گویند و [illegible] را قوت دهد و مالیخولیا و امراض سوداوی را بغایت
نافع است با خوردن حقه مروارید ناسفته مرجان کهربا [illegible]
از هریک یکدرم صندلین طباشیر سفید زرنباد بادرنجبویه [illegible]
[illegible] هندی عود قماری ابریشم مقرض پوست [illegible]
[illegible] درم گاوزبان درونج عقرب لعل بدخشی یاقوت
عقیق یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب [illegible]
از هریک یکدرم مشک خالص نیم درم قند سفید
معجون سازند شربتی چنانچه رسم است با قوت
و وسواس سوداوی را و خفقان را نافع
و نشاط [illegible] تمام اورد حقه مروا

پوست بیرون پسته دوست ترنج صندلین ورق گل سرخ از هر یک
سه درم بهمن سفید بهمن سرخ کبابه از هر یک چهار مثقال قاقله کبار از هر یک
چهار مثقال عود زعفران مشک تبتی از هر یک نیم مثقال نبات
مصری چهار من آب به آب سیب آب امرود از هر یک یک من گلاب
عرق بید مشک از هر یک یکصد درم عرق گاوزبان ده درم
آب انار عذب یک من عسل سفید مصفی یک من نبات را در عرق
ارند و با عسل و آب میوه ها بقوام آورند ادویه کوفته
حواره صلایه کرده آن بر سرشند شربتی یک مثقال با خورند
ز ابو علی سینا مالیخولیا و امراض سوداوی را نافع بود
همه تمام تن را و ردوا اعضا رئیسه را قوت دهد
زبانه گاوزبان تخم خاکشی مشک خالص
یک درم ابریشم مقرض سرطان نهری محرق
از هر یک